

پیشگوئیها  
در علائم آخر الزمان

نوشته

محقق مفسر  
علامه مصطفوی

هرگونه ترجمه ، کپی ، خلاصه و شرح سازی و غیره در کلیه آثار این مرکز ، شرعاً  
حرام و غیر مجاز بوده و مشمول قوانین می باشد



مرکز نشر آثار علامه مصطفوی

ثبت شده در تهران، لندن و قاهره  
[www.AllamehMostafavi.com](http://www.AllamehMostafavi.com)

تمام حقوق این کتاب محفوظ و متعلق به مرکز نشر آثار علامه مصطفوی می باشد

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد المرسلين و خاتم النبيين ابي القاسم محمد و آله الطاهرين المعصومين .

و بعد : اين كتاب شريف محتوي روايات و احاديثي است در موضوع پيشگوييهاي رسول اكرم ( ص ) و خلفاء معصومين او ، از حوادث و وقايعيکه در آخر زمان که نزديک بزمان ظهور قائم آل محمد ( ص ) است ، ظاهر و واقع خواهد شد . احاديث اين کتاب از صحاح و مسانيد و کتب معتبره اهل سنت و اصول شيعه ، جمع آوري شده ، و پيش از نقل حديث بنام کتابيکه مأخذ است و جزء و صفحه يا باب آن کتاب اشاره شده است .

نظر در اين احاديث بهمه افراد مسلمين است از هر مملکت و کشور و شهري باشند ، و بلکه لحن برخي از روايات عموميّت داشته و شامل افراد مسلم و غير مسلم هر دو ميباشد .

پس احاديثي که در آنها تصريح بجمعيّت مخصوص و يا محلّ معيّن نشده است : نبايد آنها را اختصاص بمورد مخصوصي داده و از عموميّت و شمول بيرون آورد . و روی همين لحاظ است که : ما در مقام ترجمه يا توضيح احاديث ، نخواسته ايم آنها را بافرادي و يا محليّ منطبق کنيم . نظر ما در تأليف اين کتاب سه امر است .

۱- توجه بمقامات علمي و روشن ضميري و احاطه و آگاهی و بينايي حضرت رسول اكرم ( ص ) و خلفاء معصومين او است که چگونه وقايع چند صد سال و بلکه

بیش از هزار سال را با چشم روحانی مشاهده می‌کردند .

۲- پند گرفتن و موعظه اخذ کردن و بخود آمدن و بیدار گشتن افراد مسلمین است که بنقاط ضعف و انحرافات اخلاقی و عملی خود توجه کنند ، و در صدد اصلاح خود آیند ، و از مفسد و انحرافات دینی به‌پرهیزند ، و باحکام اسلامی و قوانین الهی متوسل گردند .

۳- توجّه دادن افراد مسلم است بوجود مقدّس و گرامی حضرت ولی الله اعظم و خلیفه رسول اکرم و پیشوای بزرگ روحانی که پس از غیبت طولانی ظاهر گشته و روی زمین را پر از عدل و داد خواهد فرمود .

و روی این مقصد است که ما در این کتاب جهاتی را منظور داشتیم :

۱- از صحاح و کتب درجه اول اهل سنت ، استفاده و نقل احادیث شده ، و بلکه روایات اهل سنت پیش از احادیث شیعه ذکر شده است .

۲- در مقام ترجمه و یا توضیح از مدلول مسلّم حدیث تجاوز نکرده ، و هرگز اظهار نظر و تفسیر برآی نشده ، و کمترین نظر خاصّ و غرض مخصوص و کنایه‌گویی و بهانه‌جویی نداشتیم .

۳- از ذکر روایات مکرّر که باختلاف اسناد در کتب حدیث نقل میشود خودداری کردیم ، و مقصود ما در این کتاب ذکر معنی و توجّه بحقایق است ، نه اظهار فضل و اثبات حدیث و در اینجهت نقل حدیث از کتب درجه اول و معتبر فریقین برای ما کفایت است .

۴- روایاتی که از نظر مفهوم روشن نبوده و یا نتیجه اخلاقی برای ما نداشت : از ذکر آنها صرف نظر کردیم .

۵- گاهی روایتی را که مفصل بود و کلمات آن خصوصیتی نداشت به ترجمه آن قناعت کردیم ، و یا مقداریکه با مقصود ما وفق میداد نقل کردیم .

طهران - حسن مصطفوی

۵۱/۸/۵ - شمسی

### حضرت مهدی علیه السلام

الیواقیت و الجواهر ( ج ۲ ص ۱۴۳ ) : و عبارت شیخ محیی‌الدین در باب ۳۶۶ فتوحات اینست : بدانید که ناچار مهدی ( ع ) خروج خواهد کرد ، لکن خروج نمیکند تا زمانیکه روی زمین پر از جور و ظلم شود ، پس پر میکند از عدالت ، و هرگاه باقی نباشد از مدّت دنیا مگر یکروز : هر آینه خداوند آنروز را طولانی قرار میدهد تا این خلیفه حکومت کند ، و او از عترت پیغمبر اکرم ( ص ) و از فرزندان فاطمه ( ع ) است ، و جدّ او حسین بن علی ( ع ) و پدرش حسن العسکری پسر امام علیّ النقیّ پسر محمد التقیّ پسر امام علیّ الرضا پسر امام موسی الکاظم پسر امام جعفر الصادق پسر امام محمدّ الباقر پسر امام علیّ زین‌العابدین پسر امام حسین بن علیّ بن ابی طالب است ، نام او برابر نام پیغمبر خدا ( ص ) است ، و مسلمانان او را در میان رکن کعبه و مقام ابراهیم ( ع ) بیعت خواهند کرد ، در خلقت و شکل شبیه پیغمبر اکرم ( ص ) و از جهت خوی پایین تر از او است ، زیرا کسی بمرتبه آنحضرت نخواهد رسید ، خداوند متعال میفرماید : **وَ اِنَّكَ لَـٰعَلٰی خُلُقٌ عَظِيْمٌ** ، و او گشاده پیشانی و وسط دماغش بلند است ، اهل کوفه بیشتر بآنحضرت اقبال میکنند ، و او اموال را در میان مردم بمساوات تقسیم کرده و از روی عدالت رفتار میکند ، و کسیکه درخواست مالی از او نماید : آنمقداریکه میخواهد و تحمّل دارد او را عطا میکند .

البیان للکنجی ( الباب الثامن ) قال رسول الله ( ص ) : **المهدیّ منّی اَجَلّی الجبهة اُقتی الأنف ، یملاً الأرض قِسْطاً و عدلاً کما مُلئت جوراً و ظلماً ، یملک سبع سنین .**

رسول اکرم (ص) فرمود: مهدی از ما است، پیشانی گشاده و دماغ باریک است، روی زمین را پر از عدل میکند پس از پر شدن از جور و ظلم، و هفت سال حکومت میکند.

باز در باب سابع عشر نقل میکند، قال رسول الله (ص): المهدی رجل من وُلدی وجهه کالکوکب الدرّی، اللون لون عربی و الجسم جسم اسرائیلی، یملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، یرضی فی خلافته أهل الأرض و أهل السماء و الطیر فی الجوّ، یملک عشرين سنة.

رسول اکرم (ص) فرمود: مهدی مردیست از فرزندان من، چهره او چون ستاره درخشنده است، شکل و رنگ او عربی و بدن او مانند بنی اسرائیل تنومند و بلند است، روی زمین را پر از عدل میکند پس از پر شدن از جور و ظلم، و راضی میشوند در حکومت او اهل آسمان و اهل زمین و پرنندگان فضا، و بیست سال خلافت او ادامه پیدا میکند.

و در باب خامس و عشرين میگوید: و اما باقی بودن آنحضرت، پس دلائلی از کتاب و سنت وارد شده است، أما کتاب: سعید بن جبیر در تفسیر آیه شریفه - لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ - میگوید: مراد حضرت مهدی از فرزندان فاطمه (ع) میباشد. و مقاتل و اصحاب او نیز در تفسیر آیه - وَ اِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ - میگویند: مراد حضرت مهدی است که در آخر زمان ظهور میکند، و پس از او علامات قیامت ظاهر گردد. و أما سنت: در همین کتاب احادیث صحیحهای نقل شد.

اسعاف الراغبین (باب ثانی) و در برخی از آثار است که: مهدی در سالهای وتر

( فرد ) ظهور میکند ، مانند یک و سه و پنج و هفت و نه ، و پس از آنکه در مکه عقد بیعت او محکم شد بسوی کوفه حرکت میکند ، سپس سپاهیان خود را در شهرها متفرّق و تقسیم نماید ، و هر سالی از سالهای حکومت او بمقدار ده سال میباشد ، و سلطنت او بمشرق و مغرب میرسد ، و خزائن زمین بر او کشف شود ، و خرابیها را آباد میکند . و مُقاتل و تابعین او ، در آیه شریفه ( و اِنَّهٗ لَعَلِمَ لِّلسَاعَةِ ) گفته‌اند که شأن نزول آن درباره حضرت مهدی است . و در روایتی وارد شده است که حکومت او چهل سال میباشد ، و در روایت دیگر بیست و یک سال ، و در روایتی دیگر چهارده سال است . و ابن حجر در رساله ( القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر ) میگوید : روایات مربوط بهفت سال مشهورتر و بیشتر است ، و ممکن است احادیث مختلف را باین نحو جمع کنیم که : حکومت آنحضرت از لحاظ ظهور و قوّت اختلاف پیدا میکند ، شدّت ظهور و قوّت آن مدّت هفت سال میشود ، و امتداد آن بطور کلی چهل سال ، و ظهورش بطور متوسط بیست و یکسال خواهد بود .

کمال‌الدین ( باب ما أخبر به النبی ص ) قال رسول الله ( ص ) : المهدی من ولدی ، اسمُه اسمی و کُنیتُه کُنیتی ، أشبهُ الناس بی خُلُقاً و خُلُقاً ، تكون له غیبة و حیرة حتّی تَضلَّ الخَلْقُ عن أديانهم ، فعندَ ذلك يُقبلُ كالشهاب الثاقب ، فیملأها قِسْطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : مهدی از فرزندان من و نام او مطابق نام من و کنیه او کنیه من میباشد ، و او شبیه‌ترین مردم است از جهت خلقت و خوی بمن ، و برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در غیبت او از راه حق منحرف خواهند گشت ،



و در این هنگام مانند شعله تندی روی خواهد آورد ، و روی زمین را پس از پر شدن از ستم و تعدی از داد و عدالت پر خواهد کرد .  
**مؤلف :** در اینموضوع کتابهای مفصلی از علمای اهل سنت و شیعه تألیف شده است ، و ما در کتاب ( الحقائق فی تاریخ الاسلام ) بابتی در این موضوع منعقد کرده و بنحو اجمال روایات وارده در صحاح و کتب درجه اول اهل سنت را نقل کرده ایم ، بآنجا مراجعه شود .

### پیشگویی از رسول اکرم ( ص )

بطوریکه از روایات و اخبار وارده فهمیده میشود : رسول اکرم ( ص ) گاهی از جریانهای آینده و از وقائع و حوادثیکه برای ملت اسلامی رخ خواهد داد ، خبر میداد ، و مخصوصاً نسبت به بعضی از اصحاب خود توجه و عنایت بالخصوصی داشت .

تهذیب ابن عساکر ( ج ۴ ص ۹۴ ) عن حذیفة قال : لقد حدّثنی رسول الله ( ص )  
 بما یكونُ حتّی تقوم الساعة .  
 و یروی : حَظَبْنَا رَسُولُ اللَّهِ ( ص ) قائماً بما یكون الی یوم القیامة ، ما منه شیء الا قد سألتُه عنه .

حذیفة میگوید : رسول اکرم ( ص ) از همه حوادث و جریانهایی که تا روز قیامت پدید خواهد شد مرا خبر داده است .

و باز روایت میکند : پیغمبر اکرم ( ص ) در حالیکه ایستاده با ما سخن میگفت ، از همه حوادث و وقایعیکه تا روز قیامت پیدا خواهد شد ، ما را خبر داد ، و من

یکایک از همه آنها پرسش کردم .

مختصر التذکره ( ص ۱۱۳ ) رَوَى التَّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ : صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ( ص ) صَلَاةَ الْعَصْرِ ، ثُمَّ قَامَ خَطِيبًا فَلَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَكُونُ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ إِلَّا أَخْبَرْنَا بِهِ ، حَفِظَهُ مَنْ حَفِظَهُ وَ نَسِيَهُ مَنْ نَسِيَهُ .

ابو سعید گوید : رسول اکرم ( ص ) نماز عصر را با ما خوانده و پس از آن قیام کرده و شروع بسخن فرمود ، و چیزی از حوادث را که تا روز قیامت پیش آمد خواهد کرد فروگذار نکرده و همه را بما خبر داد ، و بعضی از ما آنها را حفظ کرده و بعضی فراموش کردند .

مؤلف مختصر التذکره پس از نقل احادیثی باین مضامین میگوید : امام قرطبی که مؤلف تذکره است گفته است : در این احادیث دلالت است بآنکه صحابه رسول اکرم اغلب حوادث و وقایع را تا روز قیامت میدانستند ، ولی در نقل و روایت آنها مسامحه ورزیده ، و آنها را چون روایات مربوط باحکام اشاعه نداده اند . و سپس روایاتی را که مؤید اینمعنی است نقل میکند .

مؤلف : روایات بسیاری در جلد سابع بحار نقل میکند که : حضرات ائمه معصومین علم منایا و بلایا و انساب را داشتند ، یعنی از آجال و از حوادث و ابتلاءات و از اجداد و اولاد آگاهی داشتند ، و درباره سلمان فارسی در رجال کشی و غیر آن نقل میکند که : او علم اوّل و آخر را درک کرده بود .

### امراء ظالم و اختلال

از جمله پیشگوییه‌های رسول اکرم ( ص ) حکمرانی و امارت افراد ستمگر و شریر

است ، و مسلمانانرا آگاه میکند که از آنان پیروی نکرده و اعانت و تایید و تصدیق آنان ننمایند ، و در چنین حکومتی صبر و استقامت ورزیده ، و از روش صحیح و عدالت و حقیقت و از وظائف الهی و دینی خود هرگز منحرف نگردند .

سنن النسائی ( ج ۷ ص ۱۶۱ ) عن رسول الله ( ص ) : سَيَكُونُ بَعْدِي أُمَرَاءُ مَن دَخَلَ عَلَيْهِمْ فَصَدَّقْتَهُمْ بِكَذِبِهِمْ و اعانتهم علی ظلمهم فليس مني و لست منه و ليس يردُّ عليّ الحوض ، و من لم يدخل عليهم و لم يصدقهم بكَذِبِهِمْ و لم يُعِنْهُمْ علي ظلمهم فهو مني و انا منه و سيردُّ عليّ الحوض .

سنن الترمذی ( ص ۳۲۹ ) مثلها .

فرمود رسول اکرم : پس از من فرمانداران و رؤسائی روی کار آیند که هر کس در تحت حکومت و فرمان آنها وارد شده و دروغگوییهای آنها را تصدیق نموده و در ستمگری و ظلم آنان معاونت نماید : از من نیست و منمهم از او نیستم و در روز قیامت در اطراف حوض کوثر بمن نخواهد رسید ، و کسیکه از آنها دور شده و دروغهای آنها را تصدیق و تقویت ننموده و در ستمگریها و اعمال ظالمانه آنها معاون و کارمند و خدمتگزار نباشد : البته من از او بوده و او از من خواهد بود ، و روز قیامت در اطراف حوض رحمت و برکت بمن خواهد رسید .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۵ ) عن حذیفه قال : یكونُ أمراءٌ یُعذَّبونکم و یُعذَّبهم اللهُ - برای شما فرماندارانی خواهد بود که درباره شما ستم و عذاب خواهند کرد و خداوند متعال نیز آنانرا بعذاب سخت مبتلا خواهد کرد .

ویروی ایضاً عن حذیفه قال : لا تزالوا بخیر ما لم یکن علیکم أمراء لا یرون لکم حقّاً الا اذا شاءوا - پیوسته در خوشی و خیر خواهید بود تا هنگامیکه امرائی

برای شما باشند که حقی برای شماها قائل نشوند ، مگر در حدودیکه بخواهند و آنچه خود تعیین کنند .

مختصر التذکره ( ص ۱۱۶ ) : و فی حدیث الترمذی ان رسول الله ( ص ) قال - اذا كان امراؤکم شرارکم و اغنیاءکم بخلاءکم و امرکم الی نساءکم فبطن الأرض خیر لکم من ظہرها - هنگامیکه افراد شریر و بد امیران شما گشتند ، و ثروتمندان شما بخل ورزیدند ، و امور زندگی شما بزنها واگذار شد : پس زیر زمین بودن بهتر است برای شماها از روی زمین .

مسند احمد ( ج ۶ ص ۳۹۵ ) عن ابی خباب ، قال رسول الله ( ص ) : سیكون علیکم امراء فلا تعینوهم علی ظلمهم و لا تصدقوهم بکذبهم ، فان من اعانهم علی ظلمهم و صدقهم بکذبهم : فلن یرد علی الحوض - برای شما امیرانی خواهد بود در آینده ، و شما را باد که در ستمگری آنان را یاری نکنید ، و دروغهای آنانرا تصدیق ننمایید ، و بدانید که : هر فردیکه اعانت بظلم امراء کرده و سخنان دروغ و برخلاف حقیقت آنانرا تصدیق کند : هرگز از حوض کوثر استفاده نخواهد کرد .

مؤلف : امیر مملکت یا استان یا شهری چون ظلم و بیدادگری را پیشه خود قرار داده ، و از روش عدالت و صدق و حق منحرف گشت : قهراً بی نظمی و اختلال در امور مردم پیدا شده و امن و آسایش از آن محیط رخت خواهد بریست ، مخصوصاً اگر ثروتمندان نیز براههای مختلف اموال و خوار و بار مردم را جمع و احتکار نموده ، و از جریان ثروت جلوگیری کرده و موجب تورم مال گشته ، و در فکر زندگی فقراء و بیچارگان نباشند .

و البته این عمل نامشروع و برخلاف ثروتمندان ، نتیجه مستقیم ستمگری و یا

تسامح حکومت است ، و اگر بناء باشد که حکومت اجرای قانون حق و عدالت را با کمال دقت و درستی تعهد کرده ، و اغنیاء را به پرداخت حقوق لازم و ایجاد کارها و مؤسسه‌های عام‌المنفعة ملزم نماید : در نتیجه همه در اثر کار و کوشش زندگی خوشی خواهند داشت .

ولی اگر طبقات ملت بجای تعقیب هدفهای صحیح اجتماعی ، پیوسته برای زندگی فردی و جلب منافع شخصی و تأمین وسائل عیش و خوشی داخلی و خانوادگی تنها ، فعالیت کنند : آسایش عمومی و امن اجتماعی و پیشرفت و ترقی جامعه و ملت متوقف شده ، و بلکه رو بزوال و اختلال خواهد رفت .

و اینمعنی از جمله ( و امرکم الی نساءکم ) بنحو احسن نمودار است ، یعنی هدف آنان رسیدگی بخواهشهای نفسانی و اطاعت از خواسته‌های زنها باشد .

و این مطالب در حدیث دیگر کاملاً توضیح شده است :

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۳۲۴ ) عن علیّ ( ع ) ، قال رسولُ الله ( ص ) : اذا أبغضَ المسلمونَ علماءهم و أظهروا عمارَةَ أسواقهم و تناكحوا علی جمع الدرهم رَمَاهم اللهُ عزَّوجلَّ بأربع خصال : بالقحط من الزمان و الجور من السلطان و الخيانة من ولاة الأحكام و الصولة من العدو .

رسول اکرم ( ص ) فرموده است که : هنگامیکه مسلمانان علماء خودشانرا مبعوض داشته و پیوسته برای آباد کردن بازارهای تجارت کوشیده و بههدف بدست آوردن مال ازدواج کنند : خداوند متعال آنانرا بچهار خصلت مبتلا میکند ، در روزگار خود بکمی آذوقه و قحط دچار گردند ، و از جانب سلطان بستم و جور مبتلا شوند ، و والیان احکام و اولیاء امور دینی خیانت میکنند ، و قهر و غلبه و تجاوز از طرف

دشمنان خود مشاهده نمایند .

از این روایات معلوم میشود که : تسلط حکام جور و گرفتاریهای اجتماعی در اثر روگردانیدن مردم از حق صورت میگیرد : زیرا چون افراد از علم و معرفت و تقوی و عدالت اعراض نمودند ، زمینه برای ظلم و جور و اختلال و بی‌نظمی آماده گشته ، و در حقیقت خود جامعه خواهان این گرفتاریها و بی‌عدالتیها خواهند شد .

پس برطرف شدن ظلم از مظلوم : لطفی است از جانب خداوند متعال . و اما استقرار و دوام عدالت : با خود مردم است .

و این حقیقت از روایات ابواب آینده روشن می‌شود .

**مؤلف :** آری چون مردم از علماء دینی و دانشمندان پرهیزکار و با حقیقت و با معرفت اعراض کرده ، و هدف آنان در زندگی رونق بازار داد و ستد و جمع مال و ثروت و رسیدن به تمایلات نفسانی گردید : باین چهار قسمت مبتلا خواهند شد .  
چرخ زندگی اجتماعی در اثر گرفتاری طبقات پایین متوقف شده و قحط و گرانی ارزاق پیش خواهد آمد ، و در اثر اختلال امور و بهم خوردن اوضاع ناچار سلطان جابری روی کار خواهد آمد ، و در اثر کنار رفتن علماء روحانی افراد روحانی‌نما ظاهر خواهند شد ، و در نتیجه دشمن بر آنان مسلط خواهد شد .

### فتنه‌ها و ابتلاءات

سعادت و خوشبختی در زندگی اجتماعی و انفرادی افراد ، هنگامی صورت میگیرد که حقائق و معارف الهی و احکام و قوانین دینی ، در میان آنان اجراء و حکمفرما شود ، یعنی همه طبقات روی وظائف و تکالیف مقرر الهی سلوک کنند .

و بطور کلی آن ملّتی که توجّه بحقیقت و علم و معرفت و روحانیت داشته ، و پیوسته از علماء روحانی و با حقیقت پیروی کرده ، و طبق دستورها و احکام پروردگار جهان رفتار نمود : برای همیشه در خوشی و آسایش و سعادت خواهد بود . ولی اگر از معرفت و حقیقت و احکام الهی منحرف شده ، و شب و روز برای تحصیل ثروت و مال و عنوان و تمایلات نفسانی کوشید : نه تنها از مراحل روحانیت و معرفت و صفات ممتاز انسانیت محروم خواهد بود ، بلکه زندگی مادّی و دنیوی او نیز آلوده بگرفتاری و ناراحتی و ناملائمات گشته ، و فتنه‌ها و ابتلاءات و حوادث تیره و سختیها ، زندگی او را فرا خواهد گرفت .

الطبقات ( ج ۷ ص ۴۱۰ ) قال الضحاک بن قیس : سمعت رسول الله ( ص ) يقول - انّ بین یدي الساعة فتن کقطع الدخان يموت فيها قلب الرجل كما يموت بدنه ، یصبح الرجل مؤمناً و یمسی کافراً ، و یمسی مؤمناً و یصبح کافراً ، یبيع اقوام خلاقهم و دينهم بعرض من الدنيا .

حضرت رسول اکرم ( ص ) میفرمود : در نزدیکی قیامت فتنه‌هایی پدید خواهد شد مانند قطعه‌های تیره دخان ، که در اثر احاطه این فتنه‌ها قلوب مردم مرده میشود چنانکه بدن‌ها میمیرند ، و مرد بحال ایمان صبح میکند و چون باؤل شب منتهی شد کافر میشود ، و یا اوّل شب مؤمن است ولی تا صبح کافر گردد ، و گروه بسیاری میفروشدند سرمایه معنوی و دین خودشانرا بمتاع قلیلی از لذائذ و اموال دنیوی .

مؤلف گوید : این فتنه‌ها و ابتلاءات در این قرن بحدّ کامل در میان مردم شیوع و احاطه پیدا کرده است ، امروز وسائل هوسرانی و شهوات نفسانی و دنیاپرستی و

پیروی از تظاهرات و جلوه‌های زندگی مادی چنان فراهم و در میان مردم جریان پیدا کرده است که : زهد و تقوی و ایمان و صلاح عمل و روحانیت و انجام وظائف الهی و سیر و سلوک معنوی بی‌نهایت مشکل شده است .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۳۷۲ ) و سنن الترمذی ( ص ۳۲۰ ) قال رسول الله ( ص )  
تكونُ بين يدي الساعةِ فتنٌ كقطعِ الليلِ المظلمِ ، يُصبحُ الرجلُ فيها مؤمناً و يُمسي كافراً ، و يُمسي مؤمناً و يُصبحُ كافراً ، يبيعُ اقوامَ دينهم بعرضِ الدنيا .  
و فی روایة اخرى : يُصبحُ مُحَرِّماً لدمِ أخيه و عِرْضه و ماله و يُمسي مُسْتَحِلًّا له  
و يُمسي مُحَرِّماً لدمِ أخيه و عِرْضه و ماله و يُصبحُ مُسْتَحِلًّا له .

فرمود رسول اکرم ( ص ) : در پیشروی قیامت فتنه‌ها و گرفتاریهایی پیدا میشود چون قطعه‌های شب تاریک ، و در اثر این فتنه‌ها و آشوبها مرد طرف صبح مؤمن است و اول شب کافر ، و یا اول شب مؤمن است و چون صبح شد کافر شود ، و در آنموقع جمعی دین خود را در مقابل متاع دنیوی از دست میدهند .

و مرد هنگام صبح خون و مال و آبروی برادر مؤمن خود را حرام میدانند و چون شب آید حلال تشخیص میدهد ، و یا اول شب حرام میدانند و چون صبح کند قائل بحلیت میشود .

طبقات ( ج ۳ ص ۵۸۸ ) قال معاذ بن جبل : أیها الناس أربعٌ خِلالَ مَنْ استطاعَ أن لا يُدرکه شیءٌ منهنّ فلا یدرکه ، قالوا و ما هی ؟ قال : یأتی زمان یظہر فیہ الباطلُ ، و یصبحُ الرجلُ علی دین و یمسی علی آخر ، و یقول الرجلُ و اللّٰه ما أدري علی ما أنا ! لا یعیش علی بصیرة و لا یموت علی بصیرة ، و یعطى الرجلُ المالَ من مال اللّٰه علی أن یتکلمَ بکلام الزور الذی یسخط اللّٰه .



معاذ بن جبل نقل میکند که : چهار نوع گرفتاری و اختلال پیش آمد خواهد کرد ، و اگر بتوانید که آنها بشما نرسد البته لازم است . گفتند : چیست آنها ؟ گفت : زمانی خواهد آمد که باطل جلوه پیدا کرده و بر حق غلبه نماید . و هوسرانی و ضعف مردم بجایی خواهد رسید که طرف صبح بآیینی وابسته شوند و طرف عصر بآیین دیگری می‌پیوندند . و باندازه‌ای در تزلزل و تحیر و تردید باشند که نمی‌فهمند که در چه روش و طریقه‌ای هستند ، نه زندگی آنها روی بصیرت و اطمینان است و نه مرگ آنها . و مردی را مال میدهند که برخلاف رضا و حکم پروردگار متعال سخن گوید . مؤلف : در این احادیث اشاره میشود به ظلمت و تیرگی دل‌های مردم آنزمان ، بطوریکه اثری از نور و بصیرت و روحانیت در قلوب آنان باقی نماند ( کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها ) و بحالت تردید و شک و وهم بسر برده و تکالیف و وظائف خود را تشخیص نمیدهند .

این افراد آنچه درک میکنند : هوسرانی و تمایلات نفسانی و مال و منال و تظاهرات زندگی مادی است ، و افکار و عقائد و آراء آنان نیز در همین حدود است ، و هرگز نتوانند از این ظلمات بیرون آیند .

### دین و حفظ آن

مسند احمد ( ج ۲ ص ۳۹۱ ) عن أبي هريرة، قال رسول الله ( ص ) : ويل للعرب من شرّ قد اقترب ، فتناً كقطع الليل المظلم يُصبح الرجل مؤمناً و يُمسي كافراً ، يبيع قوم دينهم بعرض من الدنيا قليل ، المْتَمِسِّك يَوْمئذٍ بِدِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ - رسول اکرم ( ص ) فرمود : وای بر عرب از شرّیکه نزدیک است ،

فتنه‌هایست مانند قطعه‌های تیره شب تاریک ، صبح میکند مرد بحال ایمان و شب کافر است ، و جمعی از مردم دین خودشان را بمتاع ناچیزی میفروشنند ، و کسیکه در آنروز دین خود را محکم بگیرد مانند کسی باشد که آتش بدست گرفته باشد .

**مؤلف :** آری چون محیط زندگی اجتماعی تیره و تاریک و فاسد و نامساعد گشت : دینداری در آن محیط چنان سخت و مشکل خواهد شد که گویی فردی برخلاف جریان سیل آب شناگری می‌کند ، و این شخص شناگر هرچند ماهر و استاد و نیرومند باشد : باز بمشکلات زیاد و موانع بسیاری مواجه گشته ، و پیوسته در معرض خطر و غرق قرار خواهد گرفت .

اینستکه فرمود : تمسک بدین و حفظ آن مانند نگهداری آتش سرخی است در کف دست .

سنن الترمذی ( ص ۳۲۹ ) قال رسول الله ( ص ) یأتی علی الناس زمانٌ الصابِرُ فیهم علی دینه کالقابض علی الجمر - فرمود رسول اکرم : زمانی بر مردم پیش آید که حفظ کردن دین در آنزمان چون نگه داشتن آتش سرخ است در کف دست .

سیر الأعلام ( ج ۲ ص ۴۴۷ ) عن أبي هريره : انّ النبیّ ( ص ) قال - ویلٌ للعرب من شرّ قد اقترب ، فتنٌ کقطع اللیل المظلم ، یصبح الرجل فیها مؤمناً و یمسی کافراً ، یمسک دینه بعرض من دنیا قلیل ، المتمسک منهم علی دینه کالقابض علی حَبط الشوک او جمر الغضی - پیغمبر اکرم ( ص ) فرمود : وای باد عرب را از شریکه نزدیک شده است ، فتنه‌هاییکه چون شب ظلمانی پیش آید که صبح میکند مرد

بصفت ایمان و شب میکند در حالتیکه کافر شده است ، و میفروشد دین خود را باندکی از متاع دنیا ، و شخصیکه پابند و مقید بدین باشد مانند آنکسی خواهد بود که خارها را بدست گرفته و یا آتش سرخ شده را بکف نگهدارد .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۷ ) عن ابن مسعود قال : ان الرجل لیخرج من بینه و معه دینه فیرجع و ما معه شیء منه - مرد از خانه خود بیرون میرود در حالیکه دیندار است و چون برمیگردد چیزی در دست او نیست .

غیبت طوسی ( ص ۲۹۰ ) عن ابي عبدالله (ع) قال : ان لصاحب هذا الامر غيبة المتمسك فيها بدینه كالخارط للقتاد بیدیه .

حضرت صادق (ع) فرمود : برای صاحب این امر غیبتی است که کسی در آنزمان بخواهد بدین حق گرویده و متدین باشد : مانند آن خواهد بود که دست خود را بدرخت خاردار کشیده و خارهای آنرا صاف و پاک کند .

کمال الدین ( باب ۲۸ ) فی لوح فاطمه (ع) : سَتَذِلُّ اُولِیائِی فِی زَمَانِهِ ، وَ یَتَّهَادُونَ رُؤُوسَهُمْ کَمَا تَهَادَى رُؤُوسُ التُّرکِ وَ الدِّیْلَمِ ، فِیَقْتُلُونَ وَ یُحَرِّقُونَ وَ یُکُونُونَ خَائِفِیْنَ مَرَعُوبِیْنَ وَ جَلِیْنَ ، تُصْبِغُ الْاَرْضُ مِنْ دِمَائِهِمْ وَ یَفْشُو الْوِیْلَ وَ الرِّیْنَ فِی نِسَائِهِمْ ، اُولَئِکَ اُولِیائِی حَقًّا ، بِهِمْ اُدْفَعُ کُلَّ فِتْنَةٍ عَمِیَاءِ حَنْدَسِ ، وَ بِهِمْ اُکْشَفُ الزَّلَازِلَ وَ اُرْفَعُ عَنْهُمْ الْاَصَارَ وَ الْاَغْلَالَ ، اُولَئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتُ مَنْ رُبِّهِمْ وَ رَحْمَةُ وَ اُولَئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ .

میفرماید : در زمان غیبت او دوستان من خوارگردند ، و سرهای آنان را بهم‌دیگر هدیه میدهند چنانکه سرهای ترک و دیلم هدیه داده میشود ، پس کشته میشوند و سوخته گردند ، و پیوسته در خوف و اضطراب و وحشت بسر میبرند ،

روی زمین از خون آنان رنگ میگیرد ، و ویل و ناله از میان خانواده‌های آنان بلند گردد ، آنان بحقیقت دوستان من هستند ، و بوجود آنان هرگونه گرفتاری سخت و تیره را از میان مردم برطرف میکنم ، و بجهت آنان زلزله‌ها و گرفتگی‌ها و ناراحتیها را برمیدارم ، بآنان باد رحمت و صلوات پروردگار متعال ، و آنان در هدایتند .

**مؤلف :** بطوریکه گفتیم جریان امور در آنزمان برخلاف دین و حقیقت صورت گرفته ، و هوسرانی و لجام‌گسیختگی و شهوترانی به سراسر اجتماع حکومت پیدا کرده ، و منکرات و محرمات و جور و ستم و فحشاء چون ابرهای تیره ملت‌های جهانرا فرا میگیرد .

در چنان محیطی که مردم سیل آسیا بسوی مادّیگری و تمایلات نفسانی و باطل گرایش پیدا میکنند : افراد دیندار و با تقوی برخلاف مقتضیات محیط میباید زندگی خود را ادامه بدهند .

افراد پرهیزکار و خداپرست مخصوصاً اگر تظاهر بدین و تقوی هم کرده و امر بمعروف و نهی از منکرات بنمایند : از هر جهت مخالف و دشمن جامعه کنونی محسوب گشته ، و بحکم اجتماع فاسد جان و خون و مال آنان حلال شمرده خواهد شد .

### اوج ظلم و مادّیگری

در آخرین روزهای غیبت که نزدیک قیام و ظهور است ، ظلم و ستمگری و تجاوز و اختلال امور بجایی میرسد که افراد صالح و پرهیزکار در نهایت درجه فشار و ابتلاء و ناراحتی زندگی کرده ، و بطور کلی از آزادی عمل و حرّیت در رفتار و گفتار

حق و طرفداری از دین و مذهب محروم میگردند .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۸ ) قال رسول الله ( ص ) : یأتی علی الناس زمان یُخیر فیهِ الرجلُ بین العجز و الفُجور ، فَمَنْ أدرك ذلك الزمان فلیختر العجزَ علی الفُجوز .

فرمود رسول اکرم ( ص ) : خواهد آمد برای مردم روزگاری که مخیر میشوند میان آنکه خود را عاجز نشان داده و از فعالیت باز ایستند ، و اینکه مرتکب فجور و منهیات گردند ، و چون کسی این زمانرا درک کند : البتّه طرف عجز را اختیار کند . مسند احمد ( ج ۶ ص ۳۰۴ ) عن أمّ سلمة ، قالت سمعتُ رسولَ الله ( ص ) يقول : إذا ظهّرت المعاصی فی امتی عمّمهم الله عزّوجلّ بعذابٍ من عنده ، فقلتُ : یا رسولَ الله أما فیهم یومئذُ أناسٌ صالحون ؟ قال بلی . قالت فکیفَ یصنعُ اولئک ؟ قال : یصیبهم ما أصاب الناس ثمّ یصیرونَ الی مغفرةٍ من الله و رضوان - میفرمود رسول اکرم ( ص ) : چون ظاهر شود در امت من معاصی و گناهما میگیرد آنانرا عذاب الهی . گفتم آیا در میان آنان مردمان صالح وجود نخواهد داشت ؟ فرمود : آری خواهند بود . عرض کردم پس آنها چه خواهند کرد ؟ فرمود : میرسد بآنها آنچه بدیگران خواهد رسید ، و سپس بسوی مغفرت و رضوان الهی سوق خواهند شد ، و گرفتاری سبب ترقّی و سعادت بیشتر آنها خواهد شد .

مؤلف : چون معاصی ظهور و غلبه پیدا کرد ، قهراً نام خدا کمتر برده خواهد شد ، زیرا حقیقت معصیت : خلاف و عصیان پروردگار متعال است ، و هرگز عصیان با نام او جمع نمیشود .

سنن ترمذی ( ص ۳۲۱ ) قال رسول الله ( ص ) : لا تقوم الساعة حتّی لا یقال

فِي الْأَرْضِ اللَّهُ اللَّهُ - قیامت بر پا نشود تا هنگامیکه مشکل شود گفتن کلمه الله در میان مردم ، ( البتّه در اثر عصیان و جریان خلاف ) .

الْكُنْيُ لِلدَوْلَابِي ( ج ۲ ص ۹۰ ) عن أبي كثير ، قال سمعتُ عليّاً (ع) يقول :  
لِيُمْلَأَنَّ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَجَوْرًا حَتَّى لَا يَبْقَى فِيهَا أَحَدٌ يَقُولُ اللَّهُ اللَّهُ ، وَحَتَّى يَسْئَلُونَ  
الْمَدَى فَلَا يُعْطَوْنَ وَ يَسْئَلُونَ الْقِسْطَ فَلَا يُعْطَوْنَ .

حضرت امیرالمؤمنین فرمود : پر میشود روی زمین از جور و ظلم و تا آن حدی  
میرسد که کسی نمی‌ماند که کلمه الله را بزبان آورد ، و آنان درخواست مهلت و  
تأخیر میکنند و داده نمیشود ، و دادخواهی میکنند و کسی جواب نمیدهد .

و یروی ایضاً عن أبي كثير ، قال سمعتُ أبا حسن عليّاً (ع) يقول يُمْلَأَنَّ الْأَرْضُ  
ظُلْمًا وَجَوْرًا ، وَ يَدْخُلُ عَلَى كُلِّ بَيْتِ خَوْفٌ وَ ظُلْمٌ وَ حَرْبٌ ، وَ يَسْئَلُونَ دِرْهَمًا أَوْ  
حَرْزَتَيْنِ فَلَا يُعْطَوْنَ ، ثُمَّ يُمْلَأُ الْأَرْضُ قِسْطًا وَ عَدْلًا .

حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود : پر گردد روی زمین از جور و ظلم ، و وارد  
شود بر هر خانه‌ای ترس و ستم و نزاع و جنگ ، و سؤال میکنند از درهم یا از چیز  
کم ارزشی و عطا نمیشوند ، و سپس پر میشود روی زمین از عدل و داد .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۹۵ ) قال رسول الله (ص) : لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى  
لَا يُقَالَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُ اللَّهُ ، وَ حَتَّى تَمُرَّ الْمَرْأَةُ بِقِطْعَةِ النَّعْلِ فَتَقُولُ قَدْ كَانَ لِهَذِهِ  
رَجُلٌ مَرَّةً ، وَ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ قِيَمَ خَمْسِينَ امْرَأَةً ، وَ حَتَّى تُمَطَّرَ السَّمَاءُ وَ لَا تُنْبِتُ  
الْأَرْضُ .

ساعت بر پا نمیشود تا هنگامیکه در روی زمین گفته نشود الله الله ، و تا روزیکه  
مرور و برخورد کند زنی بقطعه کفشی و بگوید در گذشته این کفش مال مردی بوده

است ، و تا وقتی که برای پنجاه زن یکمرد سرپرستی و کفالت کند ، و موقعی که باران ببارد ولی زمین نرویانند .

و در حدیث دیگر صریحتر نقل میکنند که : **و حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَمَرَّ بِالنَّعْلِ فَرَفَعُهَا** و **تَقُولُ قَدْ كَانَتْ هَذِهِ لِرَجُلٍ -** و حَتَّى أَنْكَه زَنِي مَرُورٍ مَيَكْنِدُ بِنَعْلِي وَ أَنْرَا بَرْدَاشْتَه وَ مَيَكُونِي كِه اَيْن نَعْل مَرْدِي بُوْدَه اَسْت .

و یروی عن انس ( ص ۴۹۴ ) ، قال رسول الله ( ص ) : **لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى لَا يُقَالَ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ -** ساعت بر پا نمیشود تا آنکه گفته نشود در روی زمین - **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ .**

مسند احمد ( ج ۳ ص ۱۰۷ ) عن أنس ، قال رسول الله ( ص ) : **لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى لَا يُقَالَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُ -** رسول خدا فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا هنگامیکه گفته نشود در روی زمین : **اللَّهُ .**

البخاری ( ج ۴ ص ۱۳۸ ) و مسلم ( ج ۸ ص ۱۶۸ ) باسنادهما : قال رسول الله ( ص ) **سَتَكُونُ فِتْنٌ الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ وَ الْقَائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي وَ الْمَاشِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي ، مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَسْتَشْرِفُهُ ، فَمَنْ وَجَدَ فِيهَا مَلْجَأً أَوْ مَعَاذًا فَلْيَعُدُّ بِهِ .**

رسول اکرم ( ص ) فرمود : فتنه‌ها و حوادث سوئی پیش آمد خواهد کرد که آدم خانه‌نشین در آنموقع بهتر از کسی است که بر پا خیزد ، و شخص ایستاده بهتر از کسی است که حرکت کند ، و آدم راهرو بهتر از آنکسی است که تلاش و کوشش کند ، هرگاه کسی خود را با آن فتنه‌ها روبرو کند بهلاکت خواهد رسید ، و اگر کسی پناهگاه و جای امنی پیدا کند البته پناه ببرد بآنجا .

البيان للکنجی ( باب سادس ) ذکر رسول اللہ ( ص ) بلاءاً یُصیب هذه الامّة لا یجد الرجل ملجأً یلجأ الیه من الظلم ، فیبعث اللہ رجلاً من عترتی یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض ، لا تدع السماء من فطرها شیئاً الا صبتہ مدراراً و لا تدع الأرض من نباتها شیئاً الا اخرجته ، حتی یتمنی الأحياء الأموات ، یعیش فی ذلك سبع سنین أو ثمان .

فرمود رسول اکرم ( ص ) : میرسد باین امت بلائیکه پیدا نمیکنند کسی پناهگاهیکه بانجا پناه برد از شدت ظلم و گرفتاری ، پس بر میانگیزاند خداوند متعال مردی را از عترت من که روی زمین را پر از عدل کند پس از آنکه از جور و ظلم پر شده باشد ، آسمان رحمت خود را بزمین فروریزد ، و زمین نعمت خود را میرویانند ، و اموات آرزوی زنده شدن نمایند ، و هفت یا هشت سال بهمین طور زندگی ادامه پیدا میکند .

**مؤلف :** از این روایات معلوم میشود که فیما بین عدالت و اجرای حق و انصاف با باریدن باران و نمو نباتات و فراوانی نعمت و زراعت ، رابطه مستقیم و تناسب مادی و معنوی هست ، چنانکه شیوع ظلم و بیدادگری ارتباط مستقیم و قطعی با قحط و گرانی و کمی میوه و زراعت و نعمت دارد .

هر مالکی که در ملک خود با افراد رعیت بنای انصاف و عدالت گذاشته ، و با کمال درستی و صفا و روی داد و قانون و حفظ حقوق رعیت رفتار کرد : بطور مسلم نتیجه مادی و معنوی بیشتری برده ، و افراد رعیت با جان و دل در انجام وظائف لازم و اطاعت دستورهای او خواهند کوشید .

مختصرالتذکره ( ص ۱۲۷ ) ان رسول اللہ ( ص ) قال : لیُصیب هذه الامّة بلاء



حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلَ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ تَعَالَى رَجُلًا مِنْ عِترَتِي أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا ، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّتهُ مِدْرَارًا ، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ ، حَتَّى يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْعَيْشَ ، يَمَكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ .

این امت را بلایی میرسد بطوریکه مرد پناهگاهی که بآن پناهنده گشته و از ظلم خلاص شود پیدا نمیکند ، پس خداوند متعال برمی انگیزاند شخصی را از عترت و اهلبیت من ، و او پر میکند روی زمین را از عدل و داد بعد از آنکه پر شده باشد از ستمگری و ظلم ، و راضی شود از حکومت او اهل آسمان و اهل زمین ، و آسمان از رحمت و قطرات آب خود هیچگونه بخل نورزیده و زمین را سیراب میکند ، و زمین تا نیرو دارد نباتات را بیرون آورده و میپروراند ، تا بجاییکه همه آرزوی ادامه زندگی مینمایند ، و هفت سال حکومت آنحضرت طول میکشد .

مستدرک حاکم ( ج ۴ ص ۴۶۵ ) قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ ( ص ) يَنْزِلُ بَأْمَتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يُسْمَعْ أَشَدُّ مِنْهُ ، حَتَّى تَضِيقَ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ وَ حَتَّى تَمْلَأَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ ... إِلَى آخِرِ الْحَدِيثِ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : در آخر الزمان از ناحیه سلطان بلاء سختی بامت من میرسد که مانند آن شنیده نشده است ، بطوریکه فضاء وسیع برای آنان گرفته و کوچک میشود ، تا آنکه زمین پر از جور و ظلم گردد ، و شخص مؤمن پناهگاهی پیدا نمیکند ... تا آخر حدیث گذشته .

مؤلف : بطوریکه از این روایات شریفه استفاده میشود ، مبدء و سرچشمه این

گرفتاریها و ابتلاءات ، همان گرایش بمادّیگری و هوسرانی است ، و بطوری اینمعنی رواج و شیوع پیدا میکند که کلمه حقّ و کلمه خدا گفته نمیشود ، و در اثر همین ظهور باطل و غلبه ظلمت و انحراف از حقّ : جور و ظلم و گرفتگی و ناامنی و اختلال و بیدادگری سطح زندگی اجتماع را فراگیرد ، و هر فردی آنچه میتواند بزیر دست خود ستم و تعدّی میکند ، و هرچه توانایی و قدرت و نفوذ بیشتر باشد : ستمگری نیز بیشتر خواهد بود .

### هرج و مرج و کشتار

گرفتاریها و ابتلاءات چون بدرجه اعلا منتهی شد : مردم از زندگی خسته و دلسرد شده ، و نظم اجتماع و امنیت و عدالت و اعتماد و سکون مبدّل به بی‌نظمی و هرج و مرج و قتل و غارت خواهد شد .

مسند احمد ( ج ۴ ص ۴۰۶ و ۴۱۴ ) از اُبی موسی اشعری نقل میکند که : رسول اکرم فرمود : در پیشروی ساعت هرج خواهد شد . پرسیدند که هرج چیست ؟ فرمود : دروغ و کشتار است . گفتند آیا بیش از این زمان کشتار خواهد شد ؟ فرمود : از نوع مقاتله کفّار نیست ، بلکه کشتن بعضی از آنان بعضی دیگر است ، تا بجاییکه مرد همسایه خود را میکشد ، و مرد برادر یا عمو یا پسر عموی خود را میکشد .

گفتند : سبحان الله ! مگر عقل از آنان زائل گردد ؟ فرمود : آری ، عقل و ادراک حقیقت از اهل آنزمان زائل میشود بطوریکه اعتماد بخود نمایند و خودشانرا کامل دیده و فهم و رأی خودشانرا صحیح و صد در صد درست میدانند ، در صورتیکه در خطا باشند .

ذخائرالعقبی ( ص ۱۳۶ ) عن رسول الله ( ص ) : و مَنَّا سَبِطُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمَا ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ، وَ إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ ، إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا ، وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتْ السُّبُلُ ، وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرٌ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرٌ يُوقِّرُ كَبِيرًا ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غَلْفًا ، يَقُومُ بِالدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قَمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ ، وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا .

فرمود بحضرت زهراء ( ع ) : از ما میباشد سبط این امت که امام حسن و امام حسین فرزندان تو هستند ، و از این دو فرزند ظاهر میشود مهدی این امت ، زمانیکه دنیا هرج و مرج و آشوب باشد ، و فتنه‌ها و گرفتاریها ظاهر گردد ، و راهها ناامن و از هم قطع شود ، و مردم برخی بر بعضی دیگر حمله کرده و اموال یکدیگر را بغارت برند ، نه بزرگی بر کوچک رحم کند و نه کوچکی احترام بزرگ را حفظ نماید ، پس برمی‌انگیزاند در این هنگام کسیرا که قلعه‌های گمراهی را فتح کرده و دل‌های محجوب را روشن کند ، و دین را در آخر الزمان بر پا میدارد چنانکه من در اول زمان اسلام بر پا داشتم ، و روی زمین را پر از عدل میکند پس از آنکه از ستم و جور پر شده باشد .

غیبت نعمانی ( ص ۱۴۰ ) حضرت صادق ( ع ) فرمود : قیام نمیکند قائم آل محمد ( ع ) مگر روی خوف شدید از مردم ، و فتنه و بلائیکه بمردم میرسد ، و مرض طاعون ، و شمشیر برنده‌ای که در میان عرب جریان پیدا میکند ، و اختلاف بسیار در میان مردم ، و جدایی و پراکندگی در دین آنان ، و تغییرات زیاد در احوال افراد بحدیکه صبح و شام آرزوی مرگ میکنند ، و دیده شدن جنگ و حمله و از

بین بردن همدیگر . پس خروج آنحضرت هنگامی خواهد شد که مردم از فرج و نجات پیدا کردن مأیوس گردند ، خوشا بحال کسیکه زمان او را دریابد .

مسلم ( ج ۸ ص ۱۸۳ ) قال رسول الله ( ص ) : و الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ لَا يُدْرِي الْقَاتِلُ فِيمَ قَتَلَ وَلَا الْمَقْتُولُ فِيمَ قُتِلَ ، فَعِيلٌ كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ ؟ قَالَ الْهَرَجُ ، الْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ .

سوگند به پروردگاریکه جان من بدست اختیار او است : دنیا سپری نمیشود مگر آنکه روزی برسد که قاتل نفهمد که روی چه کشته است و مقتول نداند که برای چه کشته شده است ، گفته شد که چگونه اینطور شود یا رسول الله ؟ فرمود : بخاطر هرج و اختلال امور ، در اینمورد قاتل و مقتول هر دو در آتش خواهند بود .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۴۹۸ ) قال رسول الله ( ص ) : لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَفِيضَ الْمَالُ وَ تَظْهَرَ الْفِتْنُ وَ يَكْثُرَ الْهَرَجُ ، قَالُوا وَ مَا الْهَرَجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ( ص ) ؟ قَالَ الْقَتْلُ الْقَتْلُ الْقَتْلُ ثَلَاثًا .

اخبار اصبهان ( ج ۱ ص ۲۲۶ ) عن أبي موسى الأشعري ، قال رسول الله ( ص ) انَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ الْهَرَجُ ، قِيلَ وَ مَا الْهَرَجُ ؟ قَالَ : الْقَتْلُ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا ثروت و مال زیاد شود ، و فتنه‌ها ظاهر گردد ، و هرج و اغتشاش غلبه کند . گفتند : منظور از هرج چیست ؟ فرمود : قتل و قتل و قتل .

باز ابوموسی از پیغمبر اکرم نقل میکند که : در نزدیکی و پیشروی ساعت هرج میشود . گفتند هرج چیست ؟ فرمود : قتل است .

غیبت نعمانی ( ص ۱۴۷ ) قال أبو عبد الله ( ع ) : لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ

تسعةُ أعشار الناس - حضرت صادق (ع) فرمود: این امر نخواهد شد تا نه قسمت از ده قسمت مردم از میان رفته و هلاک شوند .

غیبت طوسی ( ۲۸۳ ) عن امیرالمؤمنین (ع) : بین یدى القائم موتُ أحمر و موتُ أبيض و جراد فى حینه و جراد فى غیر حینه أحمر كألوان الدم ، فاما الموتُ الاحمر فالسيفُ ، و اما الموتُ الابيض فالطاعون .

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: پیش از قیام قائم مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخ بموقع و ملخ بموقع که مانند خون سرخ میشود، در میان مردم ظاهر گردد، و مراد از موت احمر شمشیر است، و موت سفید طاعون باشد .

مؤلف: گفتیم که نتیجه گرایش بمادیگری و هوسرانی، ابتلاءات و گرفتاریهای شدید است، و نتیجه ابتلاءات سخت: بی‌نظمی و اختلال امور و هرج و مرج و قتل و غارت خواهد بود .

و در اثر این امور: مردم از زندگی سیر میشوند، و آرزوی مرگ میکنند، و از اجتماع بیرون رفته و در گوشه و کنار و بیابان و کوه زندگی خود را بسر میبرند .

موطأ ( ص ۲۲۳ ) و مسلم ( ج ۸ ص ۱۸۲ ) قال رسول الله (ص): لا تقوم الساعة حتى يمّر الرجل بقبر الرجل فيقول يا ليتنى مكانه .

و يروى أيضاً: و الذى نفسى بيده لا تذهب الدنيا حتى يمّر الرجل على القبر فيتمرغ عليه و يقول يا ليتنى كنت مكان صاحب هذا القبر، و ليس به الدين الألبلاء .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۴۹۴ ) مثلها .

سوگند به پروردگاریکه جان من در دست اختیار او است: دنیا سپری نمیشود

مگر آنکه مرد بگذرد از جانب قبر ، و روی قبر خوابیده و اظهار کند که ایکاش من بجای این مرده بودم ، و نباشد برای این مرد مگر گرفتاری زندگی و ابتلاءات سخت که آرزوی مرگ نماید ، نه از جهت دین و آیین .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۵۵۴ ) کما فی مسلم ، و فیها : ما به حُبِّ لِقَاءِ اللَّهِ الْإِذَا لَمَّا يَرَى مِنْ شِدَّةِ الْبَلَاءِ - این مردیکه آرزوی مرگ میکند نه از نظر اشتیاق بقاء پروردگار است بلکه از شدت گرفتاری و ابتلاء است .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۵۳۰ ) یروی نظیرها .

میفرماید : مردم از شدت گرفتاری و از نهایت درجه ناراحتی و ابتلاء ، آرزوی مردن میکنند ، و نظری به دین و خدا و قیامت و لقاء پروردگار ندارند .

### در آزمون وظیفه چیست

روایاتی وارد است که وظائف دینداران و پرهیزکاران را در آزمون که از هر طرف ابتلاءات هجوم آورده است معین میکند ، و بطور کلی وظیفه هر فرد متدینی است که هنگام شیوع ناملائمات و در محیط فساد و بیدینی که مردم رو بسوی شهوات و هوی پرستی و مادّیگری سوق میشوند : با کمال صبر و حوصله در مقابل مخالفین و اهل فسق و عصیان ، استقامت ورزیده و کمترین سستی و تسامح و تزلزلی در راه انجام وظائف الهی پیدا نکرده ، و بهر نحویکه میسور و ممکن است خود را از آلودگیها و قبایح اعمال و خلافها و معاصی نگهداری و حفظ کرده ، و همرنگ افراد فریب خورده و منحرف شده قرار ندهد .

آری چون اجتماع فاسد گشته و محیط تیره و دگرگون گشت : چاره‌ای بجز

کناره‌گیری و پرهیزکاری و نگهداری خود نیست ، زیرا امر بمعروف و دعوت بحق و دستگیری و نجات غریق در صورتی وظیفه است که خود در معرض لغزش و در مسیل هجوم سیل واقع نگردد .

البته کناره‌گیری از محیط فاسد و خودداری از آلودگیها و فساد بطور کلی وظیفه هر فرد متدینی است ، و اندازه و خصوصیات و جزئیات این وظیفه با اشخاص و موارد و نیروهای افراد و موقعیت آنان تفاوت میکند .

غیبت طوسی ( ۲۹۰ ) عن أبي عبد الله ( ع ) قال رسول الله ( ص ) : سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ . قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَيْدَرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ ! فَقَالَ : أَنْتُمْ لَوْ تَحَمَّلْتُمْ لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : خواهد آمد زمانیکه برای یکمرد از آنان اجر و ثواب پنجاه مرد از مسلمانان زمان ما باشد . گفتند یا رسول الله ما در جنگ بدر و احد و حنین در خدمت شما جهاد کرده‌ایم و درباره ما آیاتی از قرآن نازل شده است ! فرمود : هرگاه تحمل بشود بشماها آنچه بآنان متوجه میشود نخواهید توانست تحمل و صبر بورزید .

**مؤلف :** در این روایت شریف اشاره میفرماید بشدت صبر و استقامت در راه حقیقت ، و به کمال بردباری و تحمل در مقابل ناملائمات و ستمگریها و انحرافات ، بطوریکه هیچگونه اضطراب و پریشانی و تزلزل در وجود آنان دیده نشده ، و مانند کوه سنگین در مقابل مخالفین پابرجا و ثابت بوده ، و کمترین تأثر و ناراحتی و افسردگی بخودشان راه ندهند .

و در همین مرحله است که : اندازه و ضعف و قوت ایمان افراد معلوم میشود ، زیرا تحمل و صبر و استقامت هر فردی باندازه قوت و شدت و درجه ایمان او میباشد .

و گاهی برای برخی از افراد بعنوان حفظ نفس لازم میشود که خود را از جبهه مبارزه کنار کشیده ، و جان و دین خود را بسلامت نگهداری کند ، و باین طریق صبر و استقامت فردی و پایداری در هدف را حفظ کرده ، و انحراف و لغزشی پیدا نمیکند ، و پیوسته در اصلاح و تهذیب نفس خواهد کوشید .

مسند احمد ( ج ۴ ص ۷۳ ) عن عبدالرحمن انه سمع النبي ( ص ) يقول : بُدِئَ الاسلامُ غريباً ثمَّ يَعُودُ غريباً كما بُدِئَ ، فطوبى للغرباء ، قيل يا رسول الله و من الغرباء ؟ قال : الَّذِينَ يُصْلِحُونَ اذا افسد الناس ، و الذي نفسى بيده كَيُنْحَازَنَّ الايمانُ الى المدينة كما يَجُوزُ السيلُ ، و الذي نفسى بيده كَيَأْرِزَنَّ الاسلامُ الى ما بين المسجدين كما تَأْرِزُ الحَيَّةُ الى حُجْرِها .

فرمود رسول اکرم : اسلام در آغاز ظهورش غریب و بی‌یاور بود ، و سپس در انجام امر نیز مانند آغاز غریب خواهد بود ، پس خوشا بافرادیکه مقید و گرویده باسلام شده و غریب باشند ، گفته شد غرباء کیستند ؟ فرمود : آنکسانی هستند که چون مردم راه فساد و گمراهی در پیش گرفتند ، آنان مقید بصلاح و اصلاح باشند ، سوگند بخداوند متعال که ایمان و حقیقت جمع شده و سوق میشود بسوی مدینه ، چنانکه سیل آب بشدت جریان پیدا میکند ، و سوگند به پروردگاریکه جان من در دست قدرت او است که اسلام میل و جریان پیدا میکند بسوی سرزمین میان مسجد الحرام و مسجد مدینه چنانکه مار بسوی لانه خود برمیگردد .



و مقصود اینستکه احكام اسلامی و مقررات دینی از میان ملتتها جمع شده ، و اثری از قرآن و اسلام در روی زمین باقی نماند .

### رفع احكام و آداب اسلام

بطوریکه پیش‌بینی شده است : مقررات و آداب و احکامیکه در قرآن مجید و دین مقدس اسلام بیان شده است ، در میان ملتتها اجراء نمیشود .

کمال‌الدین ( باب ۳۲ ) از حضرت باقر ( ع ) نقل میکند : القائم منّا منصور بالرعب مؤید بالنصر ، تطوی له الأرض و تظهر له الكنوز ، يبلغ سلطانه المشرق والمغرب و يظهر الله عزوجل به دينه على الدين كله و لو كره المشركون ، فلا يبقى في الأرض خراب إلا قد عمّر ، و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه ، قال ، قلت : يا ابن رسول الله متى يخرج قائمكم ؟ قال : اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال ، و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء ، و ركب ذوات الفروج السروج ، و قبلت شهادت الزور ، و ردت شهادت العدول ، و استخف الناس بالدماء و ارتكاب الزنا و اكل الربا ، و اتقى الأشرار مخافة السنتهم ، و خروج السفيناني من الشام و اليماني من اليمن ، و خسف بالبيداء و قتل غلام من آل محمد ( ص ) بين الركن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزكية ، و جاءت صيحة من السماء بان الحق فيه و في شيعته ، فعند ذلك خروج قائمنا ، فاذا خرج أسند ظهره الى الكعبة و اجتمع اليه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً ، و أول ما ينطق به هذه الآية : بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين . ثم يقول : أنا بقية الله في أرضه و خليفته و حجته عليكم .

میفرماید : قائم ما بوسیله رعبی که در دلها پیدا میکند ظفر یابد و بیاری پروردگار متعال مؤید گردد ، و راههای زمین برای او پیچیده شود و کنزها و معادن برای او آشکار باشد ، و حکومت او از مشرق تا مغرب را فراگیرد ، و آیین حقّ او بر همه ادیان برتری یابد اگرچه مخالفین کراهت داشته باشند ، و در روی زمین خرابیه‌ها را آباد نماید ، و حضرت عیسی ظاهر شده و در پشت سر او نماز میخواند .  
گفتم : ای فرزند رسول اکرم ، قائم شما کی ظاهر شود ؟

فرمود : هنگامیکه زنها خود را شبیه مردها نموده و مردها شبیه زنها نمایند ، و زنها بمرکبهای زین‌دار سوار شوند ، و شهادتهای دروغ پذیرفته شده و شهادت افراد عادل ردّ گردد ، و مردم خونریزی و زنا و ربا را سبک شمارند ، و از اشرار بخاطر زبان تند و خطرناک آنان پرهیز شود ، و سفیانی از شام و یمانی از یمن ظاهر گردد ، و در بیداء زمین فرورود ، و نفس زکیّه که نام او محمد بن الحسن است در میان رکن کعبه و مقام حضرت ابراهیم کشته شود ، و صیحه‌ای از آسمان بلند شود که حقّ با قائم و پیروان او است .

پس در اینهنگام آنحضرت پشت خود را بخانه کعبه تکیه داده و سیصد و سیزده تن در اطراف او جمع شوند ، و نخست این آیه شریفه را تلاوت فرماید : بقیّة اللّٰه خیرٌ لکم ان کنتم مؤمنین . سپس میگوید : من بقیّة اللّٰه و حجّة خدا هستم بر شما مردم .

و یروی ایضا ( باب ۴۷ ) عن امیرالمؤمنین ( ع ) قال : انّ علامة خروج الدجال ، اذا اُمتّ الناس الصلاة و اضعوا الامانة و استحلّوا الکذب و اکلوا الربا و أخذوا الرشا و شیّدوا البنیان و باعوا الدین بالدنیا و استعملوا السفهاء و شاوروا النساء

و قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَقَّقُوا بِالِدِمَاءِ ، وَ كَانَ الْحَلْمُ ضَعْفًا وَ الظُّلْمُ فخرًا ، وَ كَانَتِ الْأَمْرَاءُ فَجْرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظَلَمَةً وَ الْعُرَفَاءُ حَوْنَةً وَ الْقُرَّاءُ فَسَقَةً ، وَ ظَهَرَتِ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ اسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمُ وَ الطُّغْيَانُ ، وَ حُلِيَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخِرَتِ الْمَسَاجِدُ وَ طُوِّلتِ الْمَنَارَاتُ وَ أُكْرِمَتِ الْأَشْرَارُ ، وَ اَزْدِحْمَتِ الصُّفُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ وَ نُقِضَتِ الْعُهُودُ ، وَ اقْتَرَبَ الْمَوْعِدُ ، وَ شَارَكَ النِّسَاءُ اَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا ، وَ عَلَّتْ اصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمَعَ مِنْهُمْ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ اِزْدَلَّهُمْ ، وَ اتَّقَى الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدَّقَ الْكَاذِبُ وَ ائْتَمِنَ الْخَائِنُ ، وَ اتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَ الْمَعَازِفُ ، وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا ، وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ ، وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ ، وَ شَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ وَ شَهِدَ الْآخِرُ قِضَاءً لِمَا بَدَّلَ مِنْهُ بَدَلًا ، وَ تَفَقَّهَ لِعِلْمِ الْغَيْرِ الدِّينِ ، وَ آثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ، وَ لَبَسُوا جُلُودَ الضَّالِّينَ عَلَى قُلُوبِ الْبَارِئِينَ ، وَ قَلْبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجَيْفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ ، فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا ثُمَّ الْعَجَلُ الْعَجَلُ ، خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمَقْدِسِ ، لِأَيَّتَيْنِ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَيْمَنِي أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سَكَّانِهِ .

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: خروج دجال هنگامی خواهد بود که مردم نماز را حذف کنند، و امانت را ضایع نمایند، و دروغ گفتن را جایز بدانند، و رباخواری شایع گردد، و برای انجام اعمال و وظائف رشوه بگیرند، و ساختمانهای محکم بنا کنند، و دین را در مقابل منافع دنیوی بفروشند، و افراد بیخرد را عمال قرار بدهند، و در امور خود با زنها مشاورت کنند، و صلہ ارحام را قطع نمایند، و از هویهای نفسانی پیروی کنند، و خونریزی در نظر آنان سبک میشود، و بردباری در نظر آنها

عیب حساب شده و ستمگری افتخار گردد ، و امراء بدکار شوند ، و وزراء ظالم ، و عرفاء خیانتکار ، و قاریان قرآن فاسق باشند ، و شهادت بی اساس شایع شود ، و بدکاری و بهتان‌گویی و گناه و تجاوز آشکار گردد ، و قرآن‌ها را زینت داده و مساجد را آرایش دهند ، و مناره‌های بلند میسازند ، و افراد شریر اکرام میشوند ، و صفهای جماعت زیاد و دراز و پر جمعیت ولی دل‌های افراد مختلف می‌گردد ، و پیمانها نقض شود ، و وعده‌های مقرر نزدیک باشد ، و زنها با شوهرهای خود در کسب و تجارت شرکت نمایند از لحاظ کثرت حرص و علاقه دنیا ، و صداهای مردم فاسق بلند و مورد قبول و توجه میشود ، و پستترین آنان پیشوا گردد ، و از کسیکه اهل فسق و فجور است دوری میشود تا شرّ و ضرر او نرسد نه از لحاظ فسق او ، و شخص دروغگو تصدیق شده و آدم خیانتکار مورد اطمینان گردد ، و خواننده‌ها و آلات غناء را در اختیار میگیرند ، و بمردم گذشته بد گفته و از آنان انتقاد میکنند ، و زنها بمرکبها سوار شوند ، و مردها خود را شبیه زنها و زنها شبیه مردها مینمایند ، و شاهی شهادت میدهد بدون آنکه از او شهادت بخواهند و شاهد دیگری شهادت میدهد روی اینکه احترام یا حق کسی را اداء کند بدون آنکه آگاهی و معرفت باصل حق داشته باشد ، و در آنروز فقاقت تحصیل میشود ولی نه بخاطر دین ، و مردم عمل دنیوی را بعمل اخروی ترجیح و اختیار میکنند ، و پوست میش را بقلب گرگ میپوشانند ، و دل‌های مردم آنزمان مردارتر از لاشه و تلختر از گیاه صبر باشد ، در این هنگام سرعت کرده و بعجله بشتابید که بهترین مکانها در آنروز بیت‌المقدس خواهد بود ، و افراد آرزوی سکنی آنجا را خواهند کرد .

در مستدرک الحاکم ( ج ۳ ص ۳۴۳ ) از ابی ذر نقل میکند که : قال رسول الله

( ص ) اذا اقتربَ الزمانُ كَثُرَ لبسُ الطَّيَالِسَةِ ، وكَثُرَتِ التِّجَارَةُ وكَثُرَ المَالُ و عَظُمَ رَبُّ المَالِ بِمَالِهِ ، وكَثُرَتِ الفاحِشَةُ ، وكانت امارَةُ الصِّبْيَانِ ، وكَثُرَ النِّسَاءُ ، و جَارَ السُّلْطَانُ ، و طُقِّفَ فِي المِكيَالِ و المِيزَانِ ، و يُرَبِّي الرَّجُلُ جِرْوَةَ كَلْبٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُرَبِّي وَلَدًا لَهُ ، و لَا يُوقَّرُ كَبِيرٌ و لَا يُرَحَمَ صَغِيرٌ ، و يَكْثُرُ اولادُ الزَّنا ، حَتَّى أَنْ الرَّجُلَ لِيَغْشَى المَرْأَةَ عَلَى قارِعَةِ الطَّرِيقِ فيقولُ امْتَلُهُمْ فِي ذلكَ الزَّمانِ لو اعْتَزَلْتما عَنِ الطَّرِيقِ ، و يلبسونَ جُلُودَ الضَّانِ عَلَى قُلُوبِ الذِّئَابِ ، أمثلُهُمْ فِي ذلكَ الزَّمانِ المُدَاهِنُ .

رسول خدا میفرماید : هنگامیکه زمان نزدیک به قیامت شد ، مردم زیاد طیلسان پوشند ، و تجارت رونق گیرد و مال زیاد شده و صاحبان مال بخاطر اموال آنان تجلیل میشوند ، و مردم بفحشاء و منکرات رغبت پیدا میکنند ، و امارت بچه‌ها شایع میشود ، و زنان زیاد گردند ، و مردم از طرف سلطان جور و ستم می‌بینند ، و از جهت وزن و پیمانانه کم‌فروشی میکنند ، و در آن زمان تربیت کردن بچه سگ بهتر از تربیت اولاد میشود ، از بزرگان خود احترام و توقیر نمیکنند ، و نسبت به کوچکان ترحم نخواهند نمود ، و فرزندان زنا بیشتر میشود ، و عمل قبیح فحشاء بجایی میرسد که مرد در وسط راه با زن مرتکب زنا میشود ، و بالاترین درجه نهی عابریں از اینعمل منکر آن خواهد بود که بگویند از وسط راه کنار بروید ، مردم بصفت و سیرت گرگ و بصورت و لباس میش درآیند ، بهترین و معتدلترین آنان مداهنه کرده و با هر رنگ و با هر طبقه‌ای خواهد ساخت .

و یروی عن أبی هریره ( ج ۴ ص ۴۹۵ ) قال رسول الله ( ص ) : لا تقوم الساعةُ حَتَّى لا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الأَرْضِ أَحَدٌ لِلَّهِ فِيهِ حاجَةٌ ، و حَتَّى تَوجَدَ المَرْأَةَ نَهَاراً جِهَاراً

تُنَكِّحُ وَسَطَ الطَّرِيقِ لَا يُنْكَرُ ذَلِكَ أَحَدٌ وَلَا يَغْيِرُهُ فَيَكُونُ أَمْثَلَهُمْ يَوْمَئِذٍ الَّذِي يَقُولُ  
لَوْ نَحَيْتَهَا عَنِ الطَّرِيقِ قَلِيلًا .

ساعت بر پا نمیشود تا آنکه باقی نباشد در روی زمین کسیکه مورد نظر و توجه پروردگار متعال باشد ، و تا روزیکه در روز روشن و در وسط خیابان مرد و زن با همدیگر مقاربت کرده و کسی از آنان منع ننماید ، و محترمین افراد در آنهنگام اظهار میکنند که : بهتر این است کمی از راه دور باشند .

**مؤلف :** مقصود اینستکه در آنروز کسیکه مورد توجه و عنایت پروردگار متعال باشد بنحویکه خداوند متعال او را بخاطر خود و بخاطر خدمت بدین خود نگهداری کند ، باقی نخواهد ماند . و فحشاء و منکرات باندازه‌ای شیوع و جریان پیدا خواهد کرد که چشم و گوش مردم پر شده و قبح اعمال سوء و زشت از نظر آنان برداشته خواهد شد ، و اثری از حیاء و عفت و طهارت و غیرت و انسانیت باقی نخواهد ماند . سنن الترمذی ( ص ۳۲۲ ) قال : إِذَا عَمِلَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خِصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا هِيَ ؟ قَالَ إِذَا كَانَ الْمَغْنَمُ دُولًا ، وَ الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا ، وَ الزَّكَاةُ مَغْرَمًا ، وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَّ أُمَّهُ ، وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا أَبَاهُ ، وَ ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ ، وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ ، وَ أَكْرَمُ الرَّجُلِ مَخَافَةُ شَرِّهِ ، وَ شُرِبَتِ الْخَمْرُ ، وَ لُبِسَ الْحَرِيرُ ، وَ اتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَ الْمَعَارِفُ ، وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا ، فَلْيَبْرُتُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرًا أَوْ خَسْفًا أَوْ مَسْخًا .

و فی روایة اخرى : وَ تُعَلِّمُ لغير الدين .

چون امت من به پانزده خصلت عمل کردند : گرفتاری و بلاء به آنان فرود آید . گفته شد یا رسول الله چیست آن خصلتها ؟ فرمود : هنگامی است که غنیمت را

مال متداول بدانند ، و امانت را غنیمت بحساب آورند ، و زکوة را غرامت بشمارند ، و اطاعت کند مرد زوجه خود را ، و عاقق باشد فرزند بمادر خود ، و نسبت برفیق نیکویی کرده ، و پدر را جفا کنند ، و آوازه‌ها در مساجد بلند گردد ، و سرپرست و رئیس مردم پست‌ترین آنان باشد ، و گرامی بشود مرد از ترس صدمه و شرّ او ، و مسکرات خورده شود ، و لباس حریر پوشیده شود ، و افراد خواننده و اسباب عیش و لهو در میان مردم رواج گیرد ، و طبقه آخر امت بطبقه پیشین لعنت کند ، پس منتظر باشید در این هنگام بوزیدن باد سخت سرخ و فرورفتن زمین و مسخ مردم .

**مؤلف :** جمله ( **كَانَ الْمَغْنَمُ دُولًا** ) اشاره میکند بحذف اعتبار از استفاده‌ها و سودهای اختصاصی ، زیرا مغنم بمعنی سود پیدا کردن و استفاده نمودن است ، و دول جمع دولة و آن بمعنی مال دست بدست شده و متداول و گردش کرده است ، و منظور اینستکه : استفاده‌های شخصی را بحساب شخص معین که بدست او آمده است نیاورده و بحساب عموم میگذارند ، و معتقد میشوند که سود و بهره لازمست در میان مردم گردش داشته باشد . و بالاتر از این آنستکه : چون امانتی نزد آنان سپرده شد ، بحساب سود و استفاده گذاشته و از آن خود حساب میکنند ، و دستگیری از فقراء و انفاق به مساکین و نیازمندان را برخلاف دانسته و بحساب غرامت و خسارت آورند .

غیبت نعمانی ( ص ۱۳۳ ) حضرت صادق ( ع ) فرمود : در پیشروی قیام قائم سالی خواهد بود که مردم در آنسال گرسنه باشند ، و خوف شدیدی آنانرا برسد از جهت کشتن و کم بود اموال و انفس و میوه‌ها ، و اینمعنی در کتاب خدا روشن است - **و لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ**

## بَشِّرِ الصَّابِرِينَ .

سنن نسائی ( ج ۷ ص ۲۴۳ ) قال رسولُ اللهُ ( ص ) : يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَا يُبَالِي الرَّجُلُ مِنْ أَيْنَ أَصَابَ الْمَالَ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ - زمانی برای مردم می‌آید که باکی ندارند و نمی‌فهمند که مال را از کجا بدست می‌آورند ، آیا از راه حلال است یا از راه حرام .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۵۰۵ ) عن ابی هُرَیْرَةَ ، قال رسولُ اللهُ ( ص ) : كَمَا فِي النَّسَائِي .

## ساعت و علامات آن

ساعت بمعنی وقت است ، و اغلب اطلاق آن بوقت معین که روز قیامت باشد ، گفته میشود ، و ممکن است در بعضی از موارد باوقات دیگر نیز ، مانند وقت ظهور وقت تهیوئ برای قیام ، اطلاق شود ، و بهر صورت کلمه ساعت معنای معین از وقت را نداشته ، و بقرائن خارجی مفهوم آنرا میتوان تعیین کرد .  
و روایاتی بسیار برای علائم ساعت و مقدمات آن وارد شده است ، و ما بچند قسمت از آنها اشاره میکنیم :

## ساعت و خلاف و ظلم

روایاتی رسیده است که ساعت نمیرسد مگر آنکه فساد ظاهر شود و خلاف شایع گردد و ستمگران عزیز شوند ، و ناهلان بمقام ریاست برسند .  
البيان و التعريف ( ج ۱ ص ۸۰ ) اِذَا وُجِدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ .



أخرجه النجاری عن أبي هريرة .

مختصر التذکره ( ص ۱۳۴ ) قال رسول الله ( ص ) فی جواب مَنْ سأل عن الساعة ، قال : اذا ضیعت الأمانة فانتظر الساعة ، قال و کیف إضاعتهَا ؟ قال : اذا وُسد الأمرُ الی غیر اهله فانتظر الساعة .

فرمود : زمانیکه مسند و کرسی برای ناهلان گذاشته شد ، پس منتظر بر پا شدن ساعت باشید .

و رسول اکرم ( ص ) در پاسخ کسیکه از وقت ساعت میپرسید ، فرمود : هنگامی است که امانت از میان مردم برداشته شده و ضایع شود . پرسیدند چگونه امانت ضایع میشود ؟ فرمود : وقتیکه مقام و رتبه بغیر اهل آن که لایق نیست بدهند .  
**مؤلف :** مقامات و رتبه‌های عرفی و دولتی در هر قسمتی و شعبه و رشته‌ای باشد ، چون برخلاف شأن و استعداد و اهلیت و لیاقت شد : منشأ ظلم و فساد و اختلال امور و تزییع اموال و حقوق و اهانت بر نفوس و قتل و غارت و بی‌نظمی گردد . و بطور کلی : هر کسیکه در هر قسمتی مقام امارت و قضاوت و حکمی را متصدی است ، میباید صد در صد دارای صفت علم و احاطه کامل بآن رشته بوده ، و هم تقوی و عدالت داشته باشد . و اگر نه برای خود و دیگران خطر بزرگی خواهد داشت .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۵۵۴ ) عن رسول الله ( ص ) انه قال : من اقترب الساعة ان تُرفع الأشرار و توضع الأخیار ، و یفتح القول و یخزن العمل ، و یقرأ بالقوم المئنة لیس فیهم أحد ینکرها ، قیل و ما المئنة ؟ قال : ما اکتب سوی کتاب الله عزوجل .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : از علائم نزدیک شدن ساعت اینستکه افراد شریر دارای مقامات بلند گشته ، و اشخاص خوب و لایق کنار رفته و عنوان و مقامی نداشته باشند ، و در میان ملّت حرف و سخن گفتن و ادّعاء و اظهارات آزاد و بی مانع باشد ولی از عمل کردن و واقعیت و حقیقت خبری نباشد ، و در میان ملّت و قوم مثنّاء قرائت شود و کسی آنرا انکار ننماید ، گفته شد که یا رسول الله مثنّاء چیست ؟ فرمود : چیزیکه برخلاف کتاب خدا نوشته شود .

**مؤلّف** : مثنّاء بفتح اوّل بمعنی پیچیدن و کج شدن و انحراف است ، و بچیزیکه از حقّ و واقعیت انحراف پیدا کرده و پیچیده است اطلاق میشود ، و مقصود احکام و قوانین و نوشته‌هاییستکه برخلاف دین و حقیقت و برخلاف قرآن نوشته شده و در میان جمعیت و در مقابل همه خوانده شده و تصویب میشود و کسی هم انکار نمیکند .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۳۹۴ ) و ابن ماجه ( ج ۲ ص ۴۹۲ ) قال رجل متی الساعة؟ فقال ( ص ) ما المسؤل منها بأعلم من السائل ، ولكن سأخبرك عن أشراطها : اذا ولدت الأمة ربّتها فذاک من أشراطها ، و اذا كانت الحفاة العراة رؤس الناس فذاک من أشراطها ، و اذا تطاول رعاء الغنم فی البنيان فذاک من أشراطها .

و فی مختصر التذکره ( ص ۱۳۴ ) : قيل فأخبرني عن أمارة الساعة؟ قال : أن تلد الأمة ربّتها و أن ترى الحفاة العراة الصمّ البکم ملوک الأرض فذلک من أشراطها . و فی روايته : العراة العالة رعاء الشاء يتناولون فی البنيان .

مردی از حضرت رسول ( ص ) پرسید که : قیامت کی واقع میشود ؟ فرمود : در

اینموضوع علمی نداشته و دانایتر از تو نیستم ، ولی میتوانم از علائم قیامت تو را خبر بدهم ، هنگامیکه کنیز بزاید تربیت کننده خود را ، و افراد پابرهنه و عریان سران ملت باشند ، و زمانیکه شروع کنند راعیان گوسفندان در ساختمان ساختن . و در فائق ( ج ۱ ص ۴۴۶ - ربض ) باختلاف نقل میکنند که : من أشرط الساعة أن يرى رعاء الغنم رؤوس الناس وأن يرى العراة الجوع يتبارون في البنیان و ان تلد المرأة ربها أو ربتها - از علائم ساعت اینستکه : راعیان گوسفندان رؤسای مردم باشند ، و افراد برهنه و گرسنه شروع به ساختمان کنند ، و اینکه بزاید زن تربیت کننده خود را .

**مؤلف :** منظور اینستکه در آخر زمان سه امر از علائم خواهد بود .

اول - اینکه فرزند زن از دختر و یا پسر تربیت کننده مادر میشود ، یعنی نسل بعد از لحاظ افکار و عقائد و روش زندگی حاکم و مؤثر در نسل پیش بوده ، و برنامه زندگی او را عوض میکند ، مانند نفوذ و حکومت و تأثیر نسل جوان در پدران و مادران خود از لحاظ برنامه های سیاسی و حزبی و اجتماعی و مرامی و مسلکی .  
دوم - اینکه افرادی از طبقه پایین مثل کارگر و زارع در رأس حکومت و ملت قرار گرفته و کارفرما و امیر و حاکم و مسلط بر دیگران میشوند ، و حکومت از آن کارگر و زارع شده و طبقه پایین مسلط بر طبقات بالا میشوند .

متصدی شدن کارگر و زارع بامور مربوط باداره مؤسسات و سرپرستی تشکیلات : خود علامت بی نظمی امور و اختلال و بی عدالتی در اجتماع است ، زیرا که در جامعه سالم هر صنفی میباید در رشته خود فعالیت کرده ، و هرکسی در رشته مخصوص بخود با کمال صفا و درستی انجام وظیفه داده و هیچ فردی در رشته های

خارج از خود مداخله نکند .

مداخله کارگر در امور مربوط بمدیریت : مانند مداخله یک تاجر است در رشته مربوط بفقاهت یا طبابت .

سوم - افراد طبقه پایین از کارگران و دامداران که سرمایه و ثروتی ندارند شروع میکنند بساختمان درست کردن ، و از بیابان‌گردی و کوه‌نشینی و چادرنشینی بیرون آمده و مانند طبقه متمدّن و شهرنشین زندگی میکنند .

این سه امر در این زمان صورت خارجی پیدا کرده ، و در طول هزار و سیصد سال اثری از این سه علامت در اغلب ممالک دنیا مخصوصاً ممالک مسلمین ، نبوده است .

### ساعت و رفع فضائل

مختصر التذکره ( ص ۱۳۳ ) عن ابن مسعود ، قال رسول الله ( ص ) لا تقوم الساعة حتى يكون التسليم على الخاصة دون العامة ، و حتى تفسوا التجارة و تعيب المرأة زوجها على التجارة ، و حتى تقطع الأرحام ، و يفسوا الظلم ، و تظهر شهادة الزور و تكتم شهادة الحق .

و كان عبدالله بن مسعود يقول : ان من أشرط الساعة أن يتخذ المساجد طرقاً ، و أن يسلم الرجل على الرجل بالمعرفة ، و أن يتجر الرجل و امرأته جميعاً ، و ان تغلو مهور النساء و الخيل ، ثم يرخص فلا تغلوا الى يوم القيامة .

فرمود پیغمبر خدا : ساعت بر پا نمیشود مگر هنگامیکه سلام دادن بر خواص معمول گردد نه بر عموم مردم ، و تجارت کردن شایع شود بطوریکه زن عیب گیرد

بشوهر خود شغل تجارت را ، و صلّه ارحام قطع شود ، و ستمگری رونق گیرد ، و شهادت دروغ و غلط ظاهر شده و از شهادت حقّ خودداری گردد .  
و باز عبدالله بن مسعود میگفت : از علائم ساعت اینستکه مساجد را راه اخذ کنند ، و در سلام گفتن مقید بشناسایی باشند و روی آشنایی سلام بدهند و مرد و زن برابر و با هم مشغول تجارت شوند ، و مهریه‌های زنها و ارزش اسبها زیاد گردد ، و سپس ارزان و سبک باشد تا روز قیامت .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۴۶ ) نظیرها .

سنن الترمذی ( ص ۳۲۱ ) قال رسول الله ( ص ) لا تقوم الساعة حتى يكون أسعد الناس بالدنيا كعب بن كعب - قیامت بر پا نمیشود تا روزیکه خوشبختترین مردم از لحاظ مال و زندگی و عنوان و نفوذ کلمه افراد پست و لئیم باشند .  
مؤلف : اشاره است باینکه أصالت و نجابت و انسانیت و شرافت و فضیلت از میان مردم و جامعه‌ها برداشته شده ، و فضائل انسانی از قاموسهای ملت‌ها محوگردد .  
چنانکه در حدیث گذشته بیان شد که : سلام گفتن عمومی بعنوان اظهار ادب و دعاء و درخواست سلامتی تن و جان برداشته میشود ، و زنها تجارت را که مشروعتین راه تحصیل معاش است عیب میگیرند ، و نظر بعنوان و اسم و شهرت و جلوه ظاهر و خودآرایی میکنند ، و حرمت و عظمت مساجد و ارحام و عدالت و حق و طرفداری از حقیقت از نظر آنان ساقط میشود .

### ساعت و رفع برکت و علم

روایات دیگری وارد است که در آخر زمان بطور کلی برکت از زندگی و از جریان

امور مردم برداشته میشود ، و معرفت و علم بحقایق گرفته شده ، و گرفتاریها و هرج و ابتلاءات و فتنه‌ها ظاهر گردد .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۵۳۷ ) عن أبي هريرة ، قال رسول الله ( ص ) : لا تقوم الساعة حتى يتقارب الزمان فتكون السنة كالشهر و يكون الشهر كالجمعة و تكون الجمعة كالיום و يكون اليوم كالساعة و تكون الساعة كاحتراق السعفة الخاصة .

و بروی ( ص ۵۳۰ ) عن رسول الله ( ص ) : لا تقوم الساعة حتى يقبض العلم و يتقارب الزمان و تكثر الزلازل و تظهر الفتن و يكثر الهرج ، قال ، الهرج أيما هویا رسول الله ؟ قال : القتل القتل .

رسول اکرم فرمود : ساعت برپا نمیشود مگر آنکه برکت از زمان برداشته شود ، پس موفقیت یکسال باندازه یکماه و برکت یکماه چون یکهفته تا جمعه و توفیق یکهفته مانند یکروز و برکت یکروز باندازه یکساعت و یکساعت بمقدار سوختن شاخه خرما است که برگ داشته باشد .

باز میفرماید : ساعت برپا نمیشود مگر آنکه علم و معرفت از میان مردم گرفته شود ، و زمان بی برکت شده و قطعه‌های آن بهم نزدیک گردد ، و زلزله در روی زمین زیاد باشد ، و فتنه و آشوب بسیار شود ، و هرج زیاد گردد ، پرسیدند یا رسول الله مقصود از هرج چیست ؟ فرمود : قتل و قتل است .

البخاری ( ج ۱ ص ۱۷ ) قال رسول الله ( ص ) : ان من اشرط الساعة ان يرفع العلم و يظهر الجهل و يفسو الزنا و يكثر شرب الخمر و يقل الرجال و يكثر النساء حتى يكون لخمسين امرأة القيم الواحد .

و پیروی مسلم ( ج ۸ ص ۵۸ ) قریباً منها .

و پیروی ابن ماجه ( ج ۲ ص ۴۹۷ ) قریباً منها ، و فیها : و يُشْرَبُ الْخَمْرُ وَ يَذْهَبُ الرِّجَالُ وَ يَبْقَى النِّسَاءُ .

فرمود رسول اکرم : از علامات قیامت آنکه علم و معرفت از میان مردم برداشته میشود و جهل و نادانی ظاهر گردد ، و عمل زنا شایع شود ، و خوردن مسکرات زیاد میشود ، و مردها کم شده و زنها باقی میمانند ، و تا حدی مرد کم میشود که هر پنجاه نفر زن را یکمرد رسیدگی میکند .

**مؤلف :** مقصود از رفع علم برداشته شدن علوم الهی و معارف و حقایق دینی است که مورد توجه و علاقه مردم قرار نمیگیرد ، و اگر برخی از افراد نیز توجه به تحصیل آن پیدا کنند : تنها از لحاظ ظاهر و بمنظور بدست آوردن و آشنایی به اصطلاحات و قواعد است ، نه درک حقایق و رسیدن بواقعیت و یقین پیدا کردن ، و در حقیقت درک حقیقت آن علوم و رسیدن بمعارف الهی واقعیت پیدا نخواهد کرد . و در روایت دیگر اینمعنی توضیح داده شده است .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۴۹۸ ) ذَكَرَ النَّبِيُّ ( ص ) شَيْئاً فَقَالَ ذَاكَ عِنْدَ أَوَانِ ذَهَابِ الْعِلْمِ ، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يَذْهَبُ الْعِلْمُ وَ نَحْنُ نَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَ نُقْرَأُهِ أَبْنَاءُنَا وَ يُقْرَأُهِ أَبْنَاءُنَا ابْنَاءَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، قَالَ ثَكَلْتُكَ أُمَّكَ ان كُنْتُ لِأَرَاكَ مِنْ أَفْقِهِ رَجُلٍ بِالْمَدِينَةِ أَوْ لَيْسَ هَذِهِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى يَقْرَأُونَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ لَا يَعْمَلُونَ بِشَيْءٍ مِمَّا فِيهِمَا .

حضرت رسول اکرم ( ص ) در پیرامون موضوعی سخن میگفتند ، و سپس فرمودند که : اینموضوع در زمانی واقع میشود که علم از میان مردم برداشته شود .

گفتم یا رسول الله چگونه علم برداشته میشود در صورتیکه ما قرآن میخوانیم و سپس آنرا با اولاد خود یاد میدهیم و اولاد ما هم بفرزندان خود تعلیم خواهند کرد و اینجریان تا روز قیامت ادامه پیدا خواهد کرد .

آنحضرت فرمود : وای بر تو باد ، من تو را از مردان فهمیده مدینه بحساب میآوردم ، آیا جماعت یهود و نصاری کتابهای خودشانرا که تورات و انجیل است نمیتوانند بخوانند و نمیخوانند ؟ و با اینکه میخوانند آیا بمحتویات آندو کتاب توجه داشته و عمل میکنند ؟

الکُنَى لِلدُّوَلَابِي ( ج ۲ ص ۱۴۹ ) عن أنس ، قال رسولُ الله ( ص ) انَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيُظْهَرَ الْجَهْلُ وَسُوءُ الْجَوَارِ وَقَطِيعَةُ الرَّحْمِ وَيَخُونُ الْأَمِينُ وَيُؤْمَنُ الْخَائِنُ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : از علائم ساعت آنکه علم برداشته شده و جهالت در میان مردم ظاهر گردد ، و حقوق همسایگی و خویشاوندی رعایت نمیشود ، و شخص امین خائن بحساب آمده و خائن در میان مردم امین شود .

مختصر التذکره ( ص ۱۳۴ ) : كان عبدُ الله بن مسعود يقول : سيأتى على الناس زمان يقل فيه العلمُ و يظهر فيه الجهلُ بالكتاب و السنّة ، و كان يقول ليس حفظُ القرآن بحفظ الحروف و إنّما حفظه باقامة حدوده .

خواهد آمد زمانیکه علم در آنزمان کم شده و نادانی و جهالت به کتاب خدا و سنت پیغمبر ( ص ) ظاهر گردد . و عبدالله بن مسعود میگفت : مقصود از حفظ کردن قرآن نه آنستکه کلمات و حروف آن حفظ شود ، بلکه حفظ کردن معانی و عمل کردن بحقایق و بر پا داشتن حدود و احکام قرآن مجید است .



مسند احمد ( ج ۲ ص ۱۶۲ ) عن عبدالله بن عمرو ، ان رسول الله ( ص ) قال :  
 ان الله لا يحبُّ الفُحشَ ، او يُبغضُ الفاحش و المتفحش ، قال : و لا تقومُ الساعةُ  
 حتّى يظهرَ الفُحشُ و التفاحشُ و قطيعة الرّحم و سوءُ المُجاورة و حتّى يُؤتمنَ  
 الخائنُ و يخونَ الأّمين .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : خداوند متعال دوست نمیدارد سخن ناسزا گفتن را ،  
 و دشمن میدارد فحش‌گویی و بهمدیگر ناسزا گفتن را ، و فرمود : قیامت برپا  
 نمیشود تا روزیکه فحش و ناسزا گفتن بهمدیگر و قطع رحم و آزار بهمسایه ظاهر  
 گردد ، و تا آن هنگامیکه شخص خائن مورد امن قرار گرفته و امین را خائن معرفی  
 نمایند .

مختصر التذکره ( ص ۱۳۶ ) عن رسول الله ( ص ) : تَعَلَّمُوا الْفَرَائِضَ وَ عَلِّمُوهُ  
 النَّاسَ ، فَانَّهُ نِصْفُ الْعِلْمِ ، وَ هُوَ يُنْسَى وَ هُوَ أَوَّلُ شَيْءٍ يُنْزَعُ مِنْ أُمَّتِي .

یاد بگیرید احکام و فرائض دینی خود را و یاد بدهید آنها را بمردم ، زیرا علم  
 فرائض نصف علم است ، و آن در میان مردم فراموش شده و نخستین چیز است که از  
 میان امت من برداشته میشود .

مؤلف : در این حدیث شریف مخصوصاً علم فرائض ذکر شده است که قدر مسلم  
 آن علم فقه و احکام است ، و بقرینه توضیح در روایت گذشته : برگشت رفع و نسیان  
 آن به ترک عمل کردن بآن فرائض است ، یعنی احکام و قوانین اسلامی فراموش  
 شده و ترک میشود ، اگرچه از لحاظ خواندن و نوشتن و تحصیل اصطلاحات رواج  
 داشته و مدارس بنام علوم دینی تأسیس کنند .

### ساعت و مقاتله با ترک

روایاتی وارد است که از علائم آخر الزمان جنگیدن با ترک است، و ترک طوائفی هستند در جانب شرق و شمال افغانستان تا قسمت شمال غربی چین که طوائف مغول از ترک حساب میشوند، البته ترکهایی که بجز ترکمانها در نقاط مختلف ایران هستند از آن طوائف نیستند و بلکه در اثر نفوذ و حکومت مغول و دیگران زبان اصلی خود را بزبان ترکی تبدیل کرده اند.

مسند احمد ( ج ۵ ص ۳۴۸ ) عن بریده، قال كنتُ جالساً عند النبيّ ( ص ) فسمعتُ النبيّ يقول : إنَّ أُمَّتِي يَسوقُها قومٌ عِراضُ الأوجِهِ صِغارُ الأَعينِ كأنَّ وِجوهَهُم الحِجَف ، ثلاثَ مرار ، حتّى يَلحقوهم بجزيرة العرب ، أمّا السابقة الاولى فينجو من هَرَب منهم ، و أمّا الثانية فيهلك بعضٌ و ينجو بعض ، و أمّا الثالثة فيصطلون كلهم من بقي منهم . قالوا يا نبيّ الله من هم ؟ قال هم الترك ، قال أما و الذي نفسي بيده ليُربطنَّ خيولهم الى سِواري مساجد المسلمين - بریده گوید در خدمت رسول اکرم ( ص ) نشسته بودم ، فرمود : قومیکه صورتهای پهن و چشمهای کوچک دارند ، و روی آنان مانند سپری باشد که از پوست بسازند ، سه مرتبه امت مرا سوق میدهند تا میرسانند آنانرا بجزیره العرب ، در مرتبه اول هرکه فرار کند نجات یابد ، و در مرتبه دوم بعضی نجات یابند و برخی دیگر گرفتار و هلاک گردند ، و در مرتبه سوم همه بحرارت آتش ظلم و فشار آنان مبتلا میشوند . پرسیدند که اینقوم از کدام ملت هستند ؟ فرمود : آنها ترک هستند . سوگند بخداوند متعال که آنان اسبهای خود را بستونهای مساجد مسلمین می بندند .

مؤلف : این پیشگویی یا مربوط بحمله و حکومت مغول است که در قرن هفتم

صورت گرفت ، و یا مربوط بجریان بعد است ، و بهر صورت ترکستان شرقی فعلاً در تحت تصرف چین است و مغولستان و کاشغر و ختن و یارقند از این ناحیه محسوب میشود ، و ترکستان روس که بخارا و خیوه و تاشکند و خوارزم از آن ناحیه حساب میشود در تحت تصرف روس است .

مسلم ( ج ۸ ص ۱۸۴ ) قال رسولُ الله ( ص ) : لا تقوم الساعة حتى يُقاتلَ المسلمونَ التركَ قوماً وُجوهُهُم كالمجانِّ المطرقة يلبسونَ الشعرَ و يمشون في الشعرِ .

و یروی روایة اخرى ، و فیها : قوماً نعالهم الشعر كأنَّ وجوههم المجانُّ المطرقة حُمِرُ الوجوه صغار الأعيُن .

و فی روایة اخرى : صغارُ الأعيُن ذُلف الآنف .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۵۲۲ ) یروی نظیرَ هذه الروایات ، و فیها : قوماً عراض الوجوه كأنَّ أعینهم حُدق الجراد و یَتخذون الدرق یربطون خیلهم بالنخل .

سنن ابی داود ( ج ۲ ص ۲۳۵ ) كما فی المسلم .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : قیامت بر پا نمیشود تا آنکه بجنگند مسلمانان با طائفه ترک ، و آنان اشخاصی هستند که صورتهای ایشان مانند سپرهای کوبیده شده است ، و میپوشند مو را و روی موی راه میروند .

و در روایت دیگر است که : قومی هستند که کفشهای آنها موی است ، و گویا صورتهای آنان سپرهای کوبیده باشد ، سرخ چهره و چشم کوچک هستند .

و در روایت دیگر است که : کوچک چشم و دماغ صاف دارند .

و ابن ماجه نظیر این روایات را نقل میکند ، و از جمله آنها است که : قومی

هستند که صورتهای پهن دارند ، و حدقه‌های چشمهای آنان مثل حدقه‌های ملخ باشد ، و سپرهایی با خود دارند ، و می‌بندند اسبهای خود را بدرخته‌های خرما .  
 مسند احمد ( ج ۲ ص ۵۳ ) عن أبي هريرة ، قال رسولُ الله ( ص ) : لا تقومُ الساعةُ حتّى تُقاتلوا قوماً نعالهم الشَّعْرُ . و قال أيضاً : لا تقومُ الساعةُ حتّى تُقاتلوا التركَ صغار العيون حُمر الوجوه ذلف الانوف كأنّ وجوههم المجانّ المطرقة - رسول اکرم فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا هنگامیکه بجنگید با قومیکه کفشهای آنها موی باشد و باز فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا بجنگید با ترک که چشمهای کوچک و چهره‌های سرخ و دماغهای کوچک و صاف دارند ، و صورتهای آنان مانند سپره‌های کوبیده باشد .

**مؤلف :** این اوصافیکه گفته شد ، کاملاً تطبیق میکند به ملت ترک چین که در ترکستان شرقی از ولایت چین ساکن هستند ، و زندگی آنان طبیعی و از زراعت و دامداری تأمین معاش میکنند ، و ممکن است در این زمان بسیار زندگی منظمی داشته و از توخّش بتمدّن برگشته باشند ، و با جمله‌های [ لباس آنان موی ، کفشهای آنان موی ] اشاره میفرماید به نهایت زندگی طبیعی آنان که موهای بدنشان لباس و کفش آنان بوده و هیچگونه مقیّد بپوشاک و کفش نباشند ، و این همان اوصافی است که برای یاجوج و ماجوج نیز ذکر شده است که بطور مسلّم از اهالی اصلی مملکت چین بودند .

### یاجوج و ماجوج

بمناسبت مقاتلت با ترک ، چند روایت و آیه‌ای را که مربوط به یاجوج و ماجوج

است ذکر میکنیم ، بطوریکه گفته شد ترکستان شرقی که در شمال تبت و کشمیر و در شرق ترکستان روس است ، فعلا جزء خاک مملکت چین محسوب میشود ، و در حقیقت مسکن اصلی ترکان ، همان ناحیه بوده است ، و مغولستان نیز جزء همان ترکستان شرقی و عبارت از منغولیا است ، و اوصافی هم که در روایات ذکر شد تطبیق با افراد و مردم چین میکند ، از قبیل کوچکی چشم و صاف بودن دماغ و پهن بودن صورت ، و اما یاجوج و ماجوج : بموجب دلالت آیاتیکه در جریان سفر ذوالقرنین در قرآن کریم ذکر شده است ، باز صد در صد تطبیق بسرزمین چین و اهالی آنجا میکند ، میفرماید - حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا - حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ، قالوا يا ذالقرنين انّ ياجوج و ماجوج مُفسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا - سوره كهف : ۹۳ و ۹۴ - حَتَّىٰ اِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَّ مَأْجُوجُ وَّهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ، و اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ - سوره انبياء : ۹۶ و ۹۷ .

چون ذوالقرنین بسرزمین مشرق رسید ، قومیرا دید که بجز آفتاب ساتری نداشته و برهنه بودند ، تا بمیان دو کوه رسید ، در آنطرف جمعیرا دید که سخن و لغت نمی فهمیدند ، در آنجا گفتند به ذوالقرنین : که یاجوج و ماجوج در روی زمین فساد و فتنه میجویند ، و آیا ممکن است ما خرجی بدهیم تا سدی در میان ما و آنان درست کنی - تا هنگامیکه یاجوج و ماجوج آزاد گشته و سد برداشته شود و آنان از هر بلندی سرازیر گردند و وعد حق نزدیک است .

پس یاجوج و ماجوج بهر معنایی باشد ، جمعی هستند که در سرزمین مشرق و

در حدود همان چین فعلی ساکن باشند .

و در قرآن کریم منتشر شدن و سرازیر گشتن و حرکت آنان پیشگویی شده است ، و بقرینه متوقف و محصور بودن آنان از زمان ذوالقرنین تا آخر زمان : معلوم میشود که آنان از خود اهالی چین اصلی و غیر طائفه ترک باشند .

و بهر صورت طوریکه در احادیث شریف ذکر شده است : آنان در آخر زمان با خصوصیات و صفات مخصوصی از سرزمین خود حرکت کرده و پیشروی بسیار میکنند ، ولی عاقبت امر بگرفتاری و عذاب الهی دچار گشته و همگی بهلاکت میرسند .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۵۱۶ ) قال رسول الله ( ص ) : يُفْتَحُ يَأْجُوجُ و مَأْجُوجُ فَيَخْرُجُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ هُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ، فَيَعْمُونَ الْأَرْضَ وَ يَنْحَازُ مِنْهُمْ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى تَصِيرَ بَقِيَّةُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَدَائِنِهِمْ وَ حُصُونِهِمْ وَ يَضْمُونَ إِلَيْهِمْ مَوَاشِيَهُمْ ، حَتَّى أَتَهُمْ لَيْمَرُونَ بِالنَّهْرِ فَيَشْرِبُونَهُ حَتَّى مَا يَذْرُونَ فِيهِ شَيْئًا فَيَمْرُؤُهُمْ عَلَى آثَرِهِمْ فَيَقُولُ قَاتِلُهُمْ لَقَدْ كَانَ بِهَذَا الْمَكَانِ مَرَّةً مَاءً وَ يَظْهَرُونَ عَلَى الْأَرْضِ فَيَقُولُ قَاتِلُهُمْ هَذَا أَهْلُ الْأَرْضِ قَدْ فُرِغَ مِنْهُمْ وَ كَتَنَّا لِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ حَتَّى أَنْ أَحَدَهُمْ لِيَهْزُ حَرْبَتَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَتَرْجِعُ مُخْضَبَةً بِالدَّمِ فَيَقُولُونَ قَدْ قَتَلْنَا أَهْلَ السَّمَاءِ ، فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ بَعَثَ اللَّهُ دَوَابَّ كَنَغْفِ الْجَرَادِ فَتَأْخُذُ بِأَعْنَاقِهِمْ فَيَمُوتُونَ مَوْتَ الْجَرَادِ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : یأجوج و مأجوج از محدودیت بیرون آیند ، چنانکه فرموده است : و هم من کلّ حدب ینسلون - پس در روی زمین پراکنده میشوند ، و مسلمین خود را کنار کشیده و فرار میکنند ، و در شهرها و قلعه‌های خود چهارپایان و اموال خود را جمع کرده و محفوظ میمانند ، و یأجوج و مأجوج بچشمه‌ها که

میرسند آب چشمه تمام میشود و چیزی باقی نماند برای جمعیت دیگری که پشت سر آنان میرسند ، و گویند این اهل زمین است که مغلوب و تسلیم شدند ، و باید باهل آسمان پرداخت ، و یکی از آنان سلاح خود را باآسمان پرت میکند و آلوده بخون برمیگردد ، و گوید اهل آسمانرا نیز کشتم . پس در اینحالت خداوند متعال جنبنده‌هایی را برمی‌انگیزاند مانند جمعیت ملخ و گردنهای آنانرا می‌گیرند و مانند ملخ آنانرا بهلاکت میرسانند .

الکنی للدولابی ( ج ۲ ص ۲۳ ) عن أبي موسى الأشعري ، قال رسول الله ( ص ) :  
 يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ مِنْ وُلْدِ آدَمَ . فرمود : یاجوج و ماجوج از فرزندان آدم است .  
 مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۸۹ ) عن الخدري ، قال رسول الله ( ص ) تُفْتَحُ  
 يَأْجُوجُ ... كما في ابن ماجه - باختلاف يسير ، و فيها : فَيَعِيشُونَ الْأَرْضَ وَ يَنْحَازُ  
 الْمُسْلِمُونَ إِلَى مَدَائِنِهِمْ .

و يروى ( ص ۴۹۰ ) عن عبد الله بن عمر قال : إِنَّ اللَّهَ جَزَّأَ الْخَلْقَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ  
 فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءِ الْجَنِّ وَ جُزْأَ بَنِي آدَمَ وَ جُزْأَ بَنِي آدَمَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ تِسْعَةَ  
 أَجْزَاءٍ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ وَ جُزْأَ سَائِرِ النَّاسِ .

الفائق ( ج ۱ ص ۶۲۲ - شعن ) ذكر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي خُطْبَتِهِ  
 يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ ، فقال : عِرَاضُ الْوَجْهِ صِغَارُ الْعُيُونِ صُهْبُ الشِّعَافِ وَ مِنْ كُلِّ  
 حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ، ثم ذكر اهلاک الله اياهم فقال : وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ اِنَّ دَوَابَّ  
 الْأَرْضِ لَتَسْمُنُ وَ تَشْكُرُ شُكْرًا مِنْ لِحْمِهِمْ .

قال الزمخشري : اراد بالشعاف اعالي الشعر أو الرؤس أنفسها . وَ تَشْكُرُ :

تمتلىء .

در مستدرک حاکم روایت را مانند ابن ماجه نقل کرده ، و تعبیر میکند که یأجوج و مأجوج در روی زمین مشغول عیش میشوند ، و مسلمین خود را کنار کشیده و در شهرهای خود میمانند .

و باز نقل میکند که : خداوند متعال مخلوق خود را ده قسمت فرمود ، که نه قسمت آن جنّ است و یکقسمت بنی آدم ، و بنی آدم را ده قسمت قرار داده است ، نه قسمت آن یأجوج و مأجوج است و یکقسمت مردمان دیگر .

و رسول اکرم در خطبه خود از یأجوج و مأجوج اسم برده و میفرماید : آنان صورت پهن و چشم کوچک و موهای سر مائل بسرخ هستند ، و از هر نقطه بلند سرازیر خواهند شد - *من کلّ حَدَبٍ يَنْسِلون* - سپس از هلاکت آنان سخن گفته ، و فرمود : سوگند بخداوندیکه جان من در دست قدرت او است ، چهارپایان زمین از خوردن لاشه‌های آنان تنومند گشته و از خوردن گوشتهای آنان سیر خواهند شد .  
**مؤلف :** بطور اجمال از روایات گذشته فهمیده شد که برای مردم آسیا مخصوصاً از ناحیه مشرق زمین و چینیهها دو خطر بزرگ پیش‌بینی شده است : اول بعنوان حمله و جنگ ترک ، دوم بعنوان یأجوج و مأجوج و سرازیر شدن آنان .

### ساعت و مشرق زمین

روایات دیگری وارد است که ممکن است بنحو کلی و اجمال بهمان دو خطر سابق تطبیق داد ، و مضمون آنها اینستکه : آتشی از مشرق زمین بلند میشود و مردم را بسوی مغرب سوق میدهد .

الکنی للدولابی ( ج ۱ ص ۱۶۸ ) عن عبدالله بن عمر ، قال لما ان قَضَى النَّبِيُّ



( ص ) صلوٰة الصبح : فاستقبلَ مطلعَ الشمسِ ثمَّ نادى ألا انَّ الفتنَ من هيهنا ألا انَّ الفتنَ من هيهنا ثلاثَ مرَّاتٍ ، و مِن ثَمَّ يَطْلُعُ قرنُ الشيطانِ .

عبداللہ بن عمر گفت ، چون رسول اکرم ( ص ) نماز صبح را تمام کرد ، ایستاده و بسوی مشرق توجه نموده و فرمود : آگاہ باشید کہ فتنہها از اینطرف ظاهر خواهد شد ، و سه مرتبہ تکرار کرد ، و از اینطرف پیروان شیطان ظاهر شوند .

سیر الأعلام ( ج ۲ ص ۲۹۷ ) قال رسولُ اللّٰه ( ص ) : أَمَّا أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ فَنَارُ تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَتَحْشُرُ النَّاسَ إِلَى الْمَغْرِبِ .

مختصر التذکرہ ( ص ۱۳۲ ) و فی البخاری انَّ رسولُ اللّٰه ( ص ) قال : أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ .

نخست علامت ساعت آتشی است کہ ظاهر گشته و مردم را از مشرق بسوی مغرب سوق میدهد .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۵۸ ) عن عبد اللّٰه بن عمر قال : تُبْعَثُ نَارٌ تَسُوقُ النَّاسَ مِنَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ إِلَى مَغَارِبِهَا - برمیخیزد آتشی و سوق میدهد مردم را از سرزمین مشرق بسوی مغرب .

مؤلف : مقصود از آتش : فتنہ و قتل و هرج و اغتشاشی است کہ از سرزمین مشرق برخاسته و مردم برای حفظ جان و مال خود مجبور بحرکت و سفر بسوی مغرب میشوند .

و چون از محلّ مخصوصی اسم برده نشده است ، قهراً احتمال آن می‌رود کہ این فتنہ از ممالک مشرق زمین مثل چین و ویتنام و کره و ژاپن برخیزد ، و ممکن است تطبیق شود بجنگ و اغتشاش کره و ویتنام کہ سالهایی است کہ این سرزمین شب

و روز در زیر آتش اسلحه و بمبهای آتش‌زا سوخته ، و آبادیها بویرانه مبدل گشته است .

### ساعت و ده علامت

روایات دیگری وارد است که در مقدمه ساعت ده علامت بوقوع خواهد پیوست .  
غیبت نعمانی ( ص ۱۳۵ ) حضرت صادق ( ع ) فرمود : نداء از امور حتمی است ، و سفیانی محتوم است ، و یمانی محتوم است ، و قتل نفس زکیه محتوم است ، و دستیکه در آسمان ظاهر شود از محتومات است ، و فزعی در ماه رمضان واقع شود که خوابیده را بیدار کند و بیدار را بوحشت اندازد و زن محجوب را از پرده بیرون آورد .

غیبت طوسی ( ص ۲۸۲ ) ابوحمزه ثمالی میگوید : بحضرت صادق ( ع ) عرض کردم که پدر بزرگوار شما حضرت باقر ( ع ) میفرمود : خروج سفیانی و نداء و طلوع آفتاب از مغرب از محتوم است ، و چیزهای دیگری نیز میفرمود که از محتوم است ؟ فرمود : و اختلاف فرزندان فلان از محتوم است ، و همچنین قتل نفس زکیه و خروج قائم از محتوم است . عرض کردم : نداء چگونه میشود ؟ فرمود : در اول روز آوازی از آسمان شنیده میشود که همه آنرا بزبان خود میشنوند - آگاه باشید که حق با علی و پیروان او است . و سپس در آخر روز ابلیس از زمین صدا میزند که حق در عثمان و پیروان او میباشد . و در این هنگام افراد ضعیف به تردید و شک دچار گردند .

باز از امیرالمؤمنین ( ع ) نقل میکند که - رسول اکرم ( ص ) فرمود : ده چیز

است که ناچار پیش از ساعت باید ظاهر شود ، سفیانی و دجال و دخان و دابّه و خروج قائم و طلوع شمس از مغرب و نزول عیسی ( ع ) و خسف در سرزمین مشرق و خسف در جزیره العرب و آتشیکه از قعر عدن ظاهر شده و مردم را بسوی محشر سوق میدهد .

باز از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند که : پنج چیز است که پیش از قیام قائم از آیات ظهور حساب میشود ، صیحه و سفیانی و خسف در بیداء و خروج یمانی و قتل نفس زکیّه .

مؤلف گوید : از این احادیث معلوم میشود که قسمتی از علائم مربوط به ساعت است ، یعنی ممکن است پس از ظهور قائم یا در زمان ظهور پیدا گردد ، مانند دابّه و دخان و نزول عیسی .

باز از حضرت باقر ( ع ) نقل میکند ( ص ۲۸۶ ) : دو علامت است که پیش از قیام قائم ظاهر گردد ، و هرگز از زمان هبوط آدم چنین علامتی آشکار نشده بود ، و آنها کسوف آفتاب است در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه است در آخر آن . مردی گفت : چگونه اینطور میشود ؟ فرمود : متوجّه هستم که اشکال تو چیست ، ولی آنها از آیات نیست که از آغاز هبوط سابقه نداشته است سابقه آنها .

باز از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند : خروج الثلاثة الخراسانی و السفیانی و الیمانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد ، و لیس فیها رایة بأهدی من رایة الیمانی یهدی الی الحقّ .

حضرت صادق ( ع ) فرمود : سفیانی و خراسانی و یمانی در یکسال و در یکماه و در یک روز ظاهر میشوند ، و در میان آنها بیرق یمانی بسوی حق هدایت خواهد

کرد .

مسلم ( ص ۱۷۹ جزء ۸ ) قال النبىّ ( ص ) انّ الساعة لا تكون حتّى تكون عشر آياتٍ خَسَفٍ بِالْمَشْرِقِ وَخَسَفٍ بِالْمَغْرِبِ وَخَسَفٍ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَالدَّخَانِ وَالدَّجَالِ وَدَابَّةِ الْأَرْضِ وَيَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَطُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنَارٍ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَرْحَلُ النَّاسَ .

و روى رواية اخرى و فيها: و آخر ذلك نار تخرج من اليمن تطردُ الناس الى مَحْشَرِهِمْ .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۵۰۱ ) نظيرها، و فيها: و خروج عيسى بن مريم . ساعت بر پا نميشود مگر آنکه ده علامت ظاهر شود: فرورفتگی در مشرق ، و در مغرب ، و در جزیره العرب ، و ظهور دخان ، و دَجَّال ، و دابّة الأرض ، و يأجوج و مأجوج ، و طلوع آفتاب از مغرب ، و ظاهر شدن آتشی از مرکز عدن ( يمن ) که مردم را کوچ دهد ، و خروج عيسى بن مريم .

الكنى للدولابى ( ج ۱ ص ۳۴ ) كما فى مسلم ، و فيها: و ریح تَسْفى النَّاسَ تَطْرَحُهُمْ فِي الْبَحْرِ .

در این کتاب بجای جمله آخر از حدیث گذشته میگوید: و ظاهر میشود بادی که مردم را سوق میدهد و میریزد در دریا .

مؤلف: اغلب این علامتها برای ما مجهول است ، و تا بوقوع نه پیوسته است نتوان آنها را تفسیر و تحلیل کرد ، و برای هر یک از این علائم روایات بالخصوصی وارد شده است .

## ساعت و دجال

از جمله این ده علامت یکی دجال است که روایات مختلف بسیاری در خصوصیات آن وارد شده است .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۵۲۸ ) عن أبي بكر ، قال رسول الله ( ص ) : يَخْرُجُ الدَّجَالُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مِنْ أَرْضِ يُقَالُ لَهَا خُرَّاسَانُ مَعَهُ قَوْمٌ وَجُوهُهُمْ كَالْمَجَانِّ - بیرون میآید دجال از جانب مشرق از سرزمینی که با اسم خراسان نامیده میشود ، و با او جمعی خواهند بود که صورتهای آنان مانند سپر خواهد بود .

وَيُرَوَّى عَنْ ابْنِ عَمْرٍو ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ( ص ) يَقُولُ : يَخْرُجُ الدَّجَالُ مِنْ يَهُودِيَّةِ اَصْبَهَانَ عَيْنَهُ الْيُمْنَى مَمْسُوحَةٌ ، وَ الْآخِرَى كَأَنَّهَا زَهْرَةٌ تَشَقُّ الشَّمْسَ شَقًّا - شنیدم از رسول اکرم ( ص ) که میفرمود : بیرون آید دجال از سرزمین یهودی نشین اصفهان ، و چشم راست او معیوب و صاف است ، و چشم دیگرش گوئی ستاره زهره است که بنور آفتاب نفوذ میکند .

مسند احمد ( ج ۳ ص ۲۲۴ ) عن أنس ، قال رسول الله ( ص ) يَخْرُجُ الدَّجَالُ مِنْ يَهُودِيَّةِ اَصْبَهَانَ مَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الْيَهُودِ عَلَيْهِمُ التَّيْجَانُ - رسول اکرم ( ص ) فرمود : بیرون آید دجال از میان یهود اصفهان و با او هفتاد هزار از جماعت یهود باشند و در سر آنان تاجها میباشد .

مشارق الأنوار حمزاوی ( ص ۱۲۴ ) در موضع خروج دجال اختلاف کرده اند که : آیا از سرزمین مشرق و از خراسان است ، و یا از میان یهودیه اصفهان ، و یا از زمین کوفه خواهد بود ، و اغلب پیروان او از یهود میباشد .

و سپس گوید : در روایتی است که او از اصفهان بیرون آمده و نود هزار نفر با او

خواهند بود ، و فتنه بزرگی برای مردم بوجود خواهد آورد ، و او را مسیح هم گویند از جهت آنکه زمین را در چهل روز مسح خواهد کرد ، و هم مسیح گویند زیرا یکی از چشمهای او ممسوخ خواهد شد .

**مؤلف :** دجال بمعنی دروغگو است و کسیکه برخلاف حق اظهار و رفتار داشته باشد ، و روایاتی که از طریق عامه و خاصه در اینموضوع رسیده است : بسیار مختلف و نامفهوم بوده و نتیجه روشنی از آنها حاصل نمیشود ، و ظاهراً مراد از این لفظ : دجال وصفی است یعنی مرد دروغگو و برخلاف حق ، و اینکلمه در کتب عهدین ( مکاشفات یوحنا ) نیز ذکر شده و همان معنای وصفی اراده شده است .

و ظاهراً اشخاص مختلف و متعددی که دجال و دروغگو باشند ، از امکانه مختلف و در زمانهای متفاوت پیش‌بینی شده ، و قیام آنان پیشگوئی گشته است . و طبق این نظر اختلافات روایات حل شده و مقصود بنحو اجمال معلوم میشود . مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۵۳۰ ) عن نغیر ، ان رسول الله ( ص ) ذکر الدجال فقال : ان ینخرج و انا فیکم فانا حجیجہ ، و ان ینخرج و لست فیکم فکل امرئ حجیج نفسه و الله خلیفتی علی کل مسلم ، ألا و انه مطموس العین کانتها عین عبد العزی بن قطن الخزاعی ، ألا فانه مکتوب بین عینیہ کافر یقرأ کل مسلم ، فمن لقیه منکم فلیقرأ بفاتحة الکھف ینخرج من بین الشام و العراق ، فعاث یمیناً و عاث شمالاً ، یا عباد الله اثبتوا ثلاثاً ، فقیل یا رسول الله فما مکتبه فی الارض ؟ قال أربعون یوما .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : هرگاه دجال تا من در میان شما هستم بیرون آمد ، البته من خودم با او احتجاج کرده و غالب میشوم ، و اگر پس از درگذشت من بیرون

آمد: پس هر شخصی باید مراقب و حافظ خود باشد، و خداوند متعال وکیل و عوض من خواهد بود برای مسلمانان. آگاه باشید که او از یکچشم نابینا و صاف است، مانند چشم عبدالعزّی خزاعی، و در میان دو چشم او نوشته شده است که: کافر است. و این نوشته را هر مسلمی در ناصیه او میخواند. پس کسیکه او را ملاقات کرد آغاز سوره کهف را بخواند [الحمد لله الذی أنزل علی عبده الكتاب و لم يجعل له عوجا]. او از مابین عراق و شام بیرون خواهد آمد. در اینجا آنحضرت بسوی راست و چپ متمایل شده، فرمود: ای بندگان خدا پابرجا و ثابت باشید، و سه مرتبه تکرار کرد. گفته شد که چقدر مکث خواهد کرد؟ فرمود چهل روز.

مسلم (ص ۱۸۹ جزء ۸) قال النبى (ص) لا تقوم الساعة حتى يُبعث دجالون كذابون قريب من ثلاثين كلهم يزعم أنه رسول الله.

و كذا فى البخارى ج ۲ ص ۱۷۲.

سنن ابی داود (ج ۲ ص ۲۲۸) عن رسول الله (ص): و انه سيكون فى امتى كذابون ثلثون كلهم يزعم انه نبى و انا خاتم النبیین لا نبى بعدى - ساعت بر پا نمیشود تا در میان امت من حدود سی تن مرد دروغگو پیدا شود که هر یکی از آنان خود را رسول و نبی معرفی میکنند، در صورتیکه من آخر پیغمبران هستم و پیغمبری پس از من نخواهد بود.

**مؤلف:** این روایات صریح و دلالت روشن دارند که کلمه دجال عنوان شخصی نیست تا مانند سفیانی یا نفس زکیّه باشد، بلکه عنوان کلی داشته و بهر یک از این سی نفر که دعوی دروغین دارند شامل میشود، و تازه این سی نفر غیر از دجالهایی هستند که از اصفهان یا مشرق یا شام یا از جاهای دیگر بیرون میآیند.

و ممکن هم هست که : از میان این دجالها یکی بیش از دیگران نیرو و قدرت گرفته ، و بیشتر تاخت و تاز کند ، و اکثر اوصافیکه در روایات ذکر شده است بحال او تطبیق نماید .

الطبقات ( ج ۷ ص ۴۲۲ ) عن السکونی : قال رسول الله ( ص ) يُقاتل بقیَّتکم الدجال علی نهر الأردن ، انتم شرقی النهر و هم غربیه .

فرمود رسول اکرم ( ص ) باقیمانده شما مقاتله و جنگ میکند با دجال در سرزمین نهر اردن ، شماها در جانب شرق نهر اردن خواهید بود و طرفداران دجال در جانب غرب نهر اردن .

مؤلف : این روایت شریف نیز اشاره بدجالی میکند که در مقابل مسلمین قیام کرده ، و دارای سپاه و پیروان بسیار بوده ، و با مسلمانان بجنگد .

در این روایت محلّ ستیزه و جنگ را نهر اردن ( این نهر از جبال شمالی سوریه رو بجنوب سرازیر و سپس وارد بحر طبریّه و باز از آنجا رو بجنوب حرکت کرده وارد بحر لوط ( بحر المیت ) میشود و در میان فلسطین و اردن است ) معین کرده و میفرماید : سپاه و پیروان دجال در جانب غرب نهر اردن و مسلمین در جانب شرق نهر قرار خواهند گرفت .

اینحدیث شریف بسیار جالب است ، زیرا تا بامروز این حالت پیش نیامده بود که سپاه دجال بتمام سرزمینهای غربی نهر اردن مسلط گردند ، و سرزمین و بلاد فلسطین بدست حکومت صهیونیسم یهود اداره شود ، و مسلمین در جوانب شرق نهر اردن قرار بگیرند ، و عجب اینستکه در میان سران آنان و بلکه شخص اول آنان ممسوسه العین باشد .



و امروز دشمن درجه اول ممالک اسلامی همان اسرائیل است . بطوریکه در اول کتاب گفتیم : ما هرگز نمیخواهیم روایات شریفه را مطابق فهم و نظر خود تطبیق کنیم ، زیرا اینعمل اشتباه و محذورات بسیاری دارد . و از کلمه ( بقیتکم ) معلوم میشود که : این مقابله و منازعه پس از قتال و نزاع مرتبه اول است که جمعی کشته میشوند ، و بقیه مسلمین در این محلّ صفآرایی نمایند .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۶۲ ) عن کعب قال : انّ المعقل ثلاثة فمَعقل الناس يوم الملاحم بدمشق ، و مَعقل الناس يوم الدجال نهر ابي فطرس يمرق من الناس من يقول بيت المقدس ، و مَعقلهم يوم يا جوج و مأجوج بطور سینا .  
أقول : المَعقل هو الملجأ و محلّ شدّ الآبال ، و فی المراد : نهر ابي فطرس بضمّ الفاء و الراء .

پناهگاه و محلّ سکناى مردم در سه قسمت خواهد بود : در ایامیکه واقعه‌های جنگی پیش آید در دمشق است ، و ایامیکه دجال ظاهر شود اطراف نهر ابي فطرس است که افرادی که در بیت المقدس سکنى داشتند بانجا میروند ، و ایامیکه یا جوج و مأجوج بیرون آید طور سینا است .

**مؤلف :** این حدیث از کعب الأحبار است و معلوم نیست این مطلب را از کتب مقدسه عهدین استخراج کرده و یا از پیغمبر اسلام ( ص ) شنیده است . و بهر صورت : نهر ابي فطرس از نزدیکی نابلس رو بجنوب غربی جاری شده و در نزدیکی یافا و تل ابیب بدریای مدیترانه میریزد ، یعنی حوالی پایتخت اسرائیل میشود . و طور سینا در صحرای سینا است که اسرائیل از مصر گرفت و در میان خلیج سویس

و خلیج عقبه واقع است .  
و ما از این حدیث چیزی فعلاً استفاده نمیکنیم ، و بمناسبت عنوان اسرائیل و  
دجال آنرا نقل کردیم .

### ساعت و یهود

بمناسبت مباحث گذشته : روایاتی را که مربوط بیهود است ذکر میکنیم .  
مسلم ( ص ۱۸۸ جزء ۸ ) عن النبی ( ص ) قال لَتَقَاتِلَنَّ الْيَهُودَ فَلَتَقْتُلَنَّاهُمْ حَتَّى  
يَقُولَ الْحَجْرُ يَا مُسْلِمُ هَذَا يَهُودِيٌّ فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ .  
ثم رَوَى ثَلَاثَةَ أَحَادِيثَ بِاسْنَادٍ آخَرَ بِهَذَا الْمَضْمُونِ ، وَكَذَا فِي الْبُخَارِيِّ ( ص ۱۷۱  
ج ۲ ) .

و رَوَى أَيْضاً عَنِ النَّبِيِّ ( ص ) : لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يِقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ  
فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِئَ الْيَهُودِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَرِ وَالشَّجَرِ فَيَقُولُ الْحَجْرُ أَوْ  
الشَّجَرُ يَا مُسْلِمُ يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ إِلَّا الْغَرَقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ  
الْيَهُودِ ، وَكَذَا فِي مُسْنَدِ أَحْمَدَ ( ج ۲ ص ۴۱۷ ) .

فرمود رسول اکرم : با یهود جنگ میکنید ، و شما غلبه پیدا کرده و آنانرا  
میکشید ، و بجایی میرسید که اگر یکی از یهود در پشت سنگی پنهان شود : سنگ  
اظهار میکند که ای مرد مسلم نزدیک آی و این مرد یهودی را بکش .

و فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا آنکه مسلمین با یهود بجنگند ، پس مسلمانان  
یهود را میکشند ، و تا آنجا که چون مردی از یهود پشت درخت یا سنگی مخفی  
شود : سنگ و یا درخت بسخن آمده و گوید ای مرد مسلم این فرد یهودی است که

در اینجا پنهان شده است و نزدیک آی و او را بکش! مگر درخت غرقد (درخت خاردار است) که آن از درختان یهود است.

سنن الترمذی (ص ۳۲۵) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تُقَاتِلُكُمْ الْيَهُودُ فُتَسَلِّطُونَ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُولَ الْحَجْرُ يَا مُسْلِمُ هَذَا الْيَهُودُ مِنْ وَرَائِي فَاقْتُلْهُ - فرمود رسول اکرم: یهود با شما مسلمین می‌جنگد و شما مسلط بر آنان میشوید، تا جاییکه سنگ نداء میکند که ای مرد مسلم این فرد یهودی پشت من است او را بقتل برسان.

الفائق (ج ۲ ص ۲۱۹ - غرر) خُطِبَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَذَكَرَ الدَّجَالَ وَ قَتَلَ الْمَسِيحَ لَهُ، قَالَ: فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَتَوَارَى بِهِ يَهُودِيٌّ إِلَّا أَنْطَقَ اللَّهُ ذَلِكَ الشَّيْءَ لَا شَجَرَ وَلَا حَجْرًا وَلَا دَابَّةً، فَيَقُولُ يَا عَبْدَ اللَّهِ الْمُسْلِمُ هَذَا يَهُودِيٌّ فَاقْتُلْهُ إِلَّا الْغَرَقْدَةَ فَانْتَهَا مِنْ شَجَرِهِمْ فَلَا تَنْطِقُ، وَ تُرْفَعُ الشَّحْنَاءُ وَ التَّبَاغُضُ، وَ تُنَزَعُ حُمَةٌ كُلِّ دَابَّةٍ حَتَّى يُدْخَلَ الْوَلِيدُ يَدَهُ فِي فَمِ الْحَنْشِ فَلَا يَضُرُّهُ.

حضرت رسول اکرم (ص) در خطبه خود از دجال و کشته شدن او بدست حضرت مسیح سخن گفته، و سپس فرمود: پس باقی نماند چیزی از موجودات که یک فرد یهودی در سایه یا پشت او پنهان باشد مگر آنکه خداوند متعال آنرا گویا سازد که: ای مسلم و بنده خدا اینک شخص یهودی در اینجا متواری گشته است، او را دستگیر کرده و بقتل برسان، و تنها درخت غرقد از یهودی طرفداری کرده و او را امان دهد. و در این هنگام بغض و عداوت از میان مردم برداشته شود، و گزندگی از حیوانات مودی برطرف گردد، و بچه‌ای دست بدهان مار گزنده داخل کرده و ضرری از آن نمی‌بیند.

الْكُنَى لِلدَّوْلَابِيِّ (ج ۲ ص ۱۵۷) عَنْ شَيْخٍ مِنَ النَّخَعِ، سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ وَ هُوَ

على المنبر: ثمَّ لَيْسَتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى حَتَّى تُتَفَوَّا يَعْنَى إِلَى اطْرَافِ الْأَرْضِ، ثُمَّ لَا يَرِغُمُ اللَّهُ إِلَّا بِأَنَافِكُمْ، ثُمَّ وَاللَّهِ لَيُبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

حضرت امیرالمؤمنین فرمود: سپس برای شما از یهود و نصاری امیر و عامل قرار داده میشود تا هنگامیکه از محلّ و وطن خود بشهرهای دیگر بیرون بروید، و پس از آن خوار نکرده و بخاک نمی‌مالد مگر دماغهای شما را، و در آخر اینها بعث میکند مردی را که از ما اهل بیت است و پر میکند روی زمین را از عدل و انصاف بعد از آنکه پر شده باشد از جور و ستم.

**مؤلف:** این حدیث اشاره میکند بزمانیکه یهود در سر کارها قرار گرفته و مصادر امور گردند، و مسلمانها در آنزمان در فشار و ناراحتی و زحمت واقع شده، و مجبور میشوند که از مسکن و جاهای خود دست کشیده، و از نفوذ حکومت آنان بیرون روند، و افراد مسلم در آنروز در اثر معاصی و خطاها و انحرافاتیکه دارند باین گرفتاریها دچار گردند. و از این حدیث شریف دو مطلب فهمیده میشود: نخست اینکه - خداوند در اثر عصیان و طغیان و غفلت مسلمین آنانرا خوار و گرفتار و بی‌خانمان میکند - ثُمَّ لَا يَرِغُمُ اللَّهُ إِلَّا بِأَنَافِكُمْ - که تصریح است در گوشمالی دادن و دماغ بخاک مالیدن از طرف پروردگار متعال.

دوم آنکه - این نفوذ و تسلط یهود در اثر اعمال قدرت از طرف دیگر باشد، و یهود در حقیقت عمّال و کارکنان باشند - لَيْسَتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ - که تصریح است در عامل و وسیله بودن.

و در قرآن مجید نیز میفرماید: ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَمَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ

و حَبْلِ مِنَ النَّاسِ<sup>۱</sup> - خواری برای یهود زده شده است در هر مقام و محلیکه باشند ، مگر بوسیله ریسمانیکه از جانب خدا یا از جانب مردم باشد .  
 البتّه وقتیکه مسلمین متمسک بحبل خدا نگشته و پراکنده گشتند - و  
 اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا<sup>۲</sup> - ممکن است یهود موقتاً متمسک بحبلی  
 گشته و نجاتی یابند .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۳۹۸ ) عن ابی هريرة ، قال النبىُّ ( ص ) : لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَيُؤْمِنُ النَّاسُ أَجْمَعُونَ ، فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا الْيَهُودَ فَيَقْتُلُوا الْيَهُودِيَّ وَرَاءَ الْحَجَرِ ، يَقُولُ الْحَجَرُ يَا عَبْدَ اللَّهِ يَا مُسْلِمُ هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَائِي ، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا قَوْمًا نَعَالَهُمُ الشَّعْرُ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا هنگامیکه آفتاب از جانب مغرب طلوع کند ، و در آنروز همه ایمان میآورند ، ولی کسی را ایمان او فائده نمیدهد ، زیرا پیش از آن ایمان نیاورده و یا در حال ایمان عمل خیری انجام نداده بودند ، و بر پا نمیشود ساعت تا وقتیکه با یهود بجنگید پس مرد یهودی فرار کرده و پشت سنگ پنهان میشود و سنگ خطاب میکند که ای بنده مسلم این مرد یهودی پشت من مخفی شده است ، و ساعت بر پا نمیشود تا وقتیکه بجنگید با جماعتیکه کفشهای آنان موی باشد .

۱- آل عمران ۱۱۲

۲- آل عمران ۱۰۳

## شهر قم و روایات

از شهر قم و کوفه در روایات شریفه ، بسیار گفتگو شده ، و خصائص و فضائل زیادی درباره آنها و ساکنین آنها وارد شده است ، و ما چند روایت از تاریخ قدیم قم تالیف حسن بن محمد قمی متوفی در قرن چهارم که مربوط میشود بزمانهای آخر و نزدیک بظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نقل میکنیم .

حضرت صادق ( ع ) میفرماید : در همه اوقات و ساعات بلا از قم و اهل قم مدفوعست ، زود باشد که روزگاری درآید که خدایا بر همه خلائق حجّت باشد بقم و اهل قم ، و این در زمان غیبت قائم آل محمد بود ، قم و اهل قم قائم مقام حجّت شوند تا بوقت ظهور کردن قائم ( ع ) و اگر قم و اهل قم را قائم مقام حجّت نگرداند از مدّت غیبت او تا بوقت ظهور او عالم و هرچه در او است بزمین فرو شود با اهلش ، و هیچ جباری و گردنکشی بقم و اهل قم بید قصد نکنند الا که حقّ عزّ اسمه او را بشکنند و قهر و قمع کند ، و آن جبار را مشغول گردانیده و بداهیه و مصیبتی مبتلا گرداند .

و باز آنحضرت فرمود : عنقریب باشد که کوفه روزگاری از مؤمنان خالی گردد ، و علم و دانش در آن ناپدید شود ، چنانچه مار که در سوراخ رود و پنهان شود و از وی اثری نماند ، و علم و دانش بشهری که آنرا قم گویند ظاهر شود و روشن گردد ، و معدن اهل علم و فضل شود ، که بر روی زمین هیچ مستضعفی و سست‌دینی بنماند تا غایت که زنان پرده‌نشین در پرده‌ها بعلم امامت و ولایت عالم گردند ، و این معنی به نزدیک غیبت و ناپدید شدن حجّت‌الله بود ، پس حقّ سبحانه و تعالی قم را و اهل قم را قائم مقام حجّت گرداند بر خلق او ، و اگر نه چنین بودی زمین و هرچه بر

روی او است بخود فرو بردی و خلائق را بر یکدیگر حجّت بنمائی ، همچنین علم و دانش از قم بدیگر شهرها و ولایت فایض و منتشر گردد تا بمشرق و مغرب برسد ، پس بنزدیک آن حجّت خدای عزّوجلّ ظاهر شود ، یعنی قائم آل محمد ، و بر همه خلق واجب و لازم بود که بطاعت وی یعنی محمد مهدی مسارعت و مبادرت نمایند . باز از حضرت صادق ( ع ) نقل میکنند که : چون همه شهرها پر فتنه و بلاگردند و آشوب و اضطراب در جهان عام شود ، بر شما باد که پناه با قم دهید ، و با حوالی و نواحی آن ، که بلا از قم مدفوع و مصروفست .

و دیگر از حسن اول ( ع ) که او فرمود : خواننده‌ای مردم را با حق از اهل قم ، بر دست او طائفه‌ای از مردم جمع کند ، همچو پاره‌های آهن باشند ، و یاران او در آنروز فرزندان ملک بن عامر باشند ، دل‌های ایشان همچو پاره‌های آهن بود ، بادهای جهنده ایشان را بنلغزاند ، و از حرب و جنگ نکول نکنند و باز نه‌ایستند و بددل نشوند ، و بر پروردگار خود توکل نمایند ، و العاقبة للمتّقین .

و باز از بعضی اصحاب ما نقل میکنند که : ما نشسته بودیم در حضرت ابی‌عبدالله این آیت برخواند - فَاِذَا جَاءَ وَعَدُ اُولِيْهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا اُولٰٓئِیْ بِاَسِّ شَدِيْدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُوْلًا - ما گفتیم جانهای ما فدای تو باد این گروه بندگان کیستند ؟ سه بار فرمود که : اَنَانِ وَاللّٰهُ اَهْلَ قَمِّ هَسْتَنْد .

و باز از ابی‌الحسن اول نقل میکنند که فرمود : قم آشیانه آل محمد علیهم‌السلام است ، و مأوی و جای شیعه ایشان ، أمّا جمعی جوانان ایشان بمعصیت پدران خویش و استخفاف و سخره داشتن ایشان به پیران و بزرگترینان خود زود باشد که هالک شوند ، مع هذا که حقّ عزّوعلا بلا از ایشان دفع کرده است بسبب بیزار شدن

از دشمنان ما ، و همچنین هر بدی را .

**مؤلف :** این روایات در حدود هزار و دویست سال پیش صادر شده و حدود هزار سال پیش مؤلف تاریخ قدیم قم در کتاب خود با اسناد خود ضبط کرده است .

و امروز در تمام ایران و بلکه در تمام دنیا شهری از جهت معنویت و روحانیت و آرامش بمانند شهر قم نیست ، و همه اهالی قم از شیعیان و محبتین و متدینین محسوب گردند .

آری برخی از جوانان در اثر اضلال همراهان سوء و اغواء شیاطین انس و جنّ و تأثیر تبلیغات و تظاهرات مادی : فریب خورده و برخلاف راه پدران بزرگوار و بزرگان و اجداد پاک و با تقوی خود رفتار کرده ، و آنطوریکه از آنان توقع و انتظار هست : در مسیر دین و تقوی و حقیقت پرستی و پیروی اهل بیت طهارت علیهم السلام ، پابرجا و ثابت قدم نمیشوند .

و جای بسی تأسف است که : این جوانان از این محیط پاک و شهر علم و دین و روحانیت که فعلاً مرکز دانش و تربیت و حقیقت است استفاده ننموده ، و خود را از خوشبختی و سعادت باز میدارند .

و همچنین دیگر ساکنین و مخصوصاً افرادی که از شهرها بعنوان تحصیل دانش و کمال بحوزه علمیّه قم آمده‌اند ، لازمست حدّا کثر استفاده و استفاضه را نموده ، و از این فرصت و وسعت تا میتوانند بهره‌مند گردند .

### ساعت و سرزمین عرب

روایاتی مربوط بسرزمین عرب و ممالک عربی وارد شده است ، و مناسب است



بنحو اجمال بآنها اشاره شود .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۳۷۱ ) عن ابی هریره، قال رسول الله ( ص ) : لا تقوم الساعة حتى تعود أرض العرب مروجاً وأنهاراً، وحتی یسیر الراكب بین العراق و مکه لا یخاف الا ضلال الطريق، وحتی یکثر الهرج، قالوا و ما الهرج یا رسول الله؟ قال القتل .

رسول اکرم فرمود : ساعت بر پا نمیشود مگر آنکه سرزمین عرب مبدل به چراگاه و مزرعه و انهار گردد ، و مسافر در میان عراق و مکه بدون وحشت و خوف طی مسافت کند مگر آنکه راهراگم کند ، و هر ج و کشتار در روی زمین زیاد باشد .

**مؤلف :** موضوع امنیت راهها نود درصد برقرار شده است ، و فعلاً ماشینهای مسافربری یا باری با کمال آزادی و اطمینان در این راهها پیوسته در حرکت و آمد و رفت میباشند . و اما زراعت و چراگاه بودن : البته نسبت بزمانهای گذشته بسیار فرق کرده ، و در اغلب امکنه چاههای عمیق زده اند ، و یا لوله کشی کرده اند ، و در زمینهایی که مساعد است زراعت و کشت شده است . و اما هر ج و قتل و کشتار : البته بصورتهای مختلف و رسمی بسیار شایع شده است ، هر روز حزبی روی کار آمده و احزاب دیگر را از میان برمیدارد ، و یا دولتها روی اغراض مادی و نفسانی با همدیگر پیوسته در نبردند .

طبقات ( ج ۶ ص ۶ ) عن سلمان قال : ما یدفع عن ارض بعد اخبیه مع محمد ( ص ) ما یدفع عن الکوفه ، و لا یریدها أحد خارباً الا اهلكه الله ، و لتصیرن يوماً و مامن مؤمن الا بها أو یصیر هواه بها - محافظت و دفاع نمیشود از سرزمینی پس از منزلگاههاییکه با رسول اکرم ( ص ) بود چون سرزمین کوفه ، و کسی بعنوان

تخریب و صدمه زدن قصد کوفه را نمیکند مگر آنکه خداوند متعال او را بهلاکت برساند ، و روزی برای کوفه پیش آید که مؤمنی در روی زمین نباشد مگر آنکه خودش ساکن آنجا باشد و یا توجه و فکر و علاقه‌اش بآنجا باشد .

فتوح‌البلدان ( ص ۲۸۷ ) عن سلمان قال : الكوفة قُبَّةُ الاسلام ، يأتى على الناس زمان لا يبقى مؤمن الا و هو بها او يهوى قلبه اليها - شهر کوفه چون ساختمان و گنبد بلندی است برای اسلام ، و می‌آید بر مردم زمانیکه باقی نماند مؤمنی مگر آنکه در آنجا سکنی پیدا میکند و یا آنکه میل و علاقه او بآنجا باشد .  
**مؤلف :** شاید کوفه ( سابقاً بسیار وسیع و پرجمعیت بوده و سپس از بین رفته است ) بسرزمین کوفه و نجف هر دو شامل باشد ، و نجف در بیرون کوفه بناء شده و رفته رفته توسعه پیدا کرده و تا نزدیک کوفه فعلی رسیده است ، و ساکنین دو محل با هم مخلوط شده‌اند ، و اغلب اهل نجف در کوفه عمارت دارند و بعکس ، و حدود هزار سال است که نجف مرکز روحانیت و علوم دینی و حوزه‌های تحصیلات معارف اهل بیت طهارت است .

طبقات ( ج ۶ ص ۱۰ ) عن عبدالله بن عمرو قال : ان اسعد الناس بالمهدى أهل الكوفة - اهل کوفه بیش از همه مردم سعادت درک فیوضات حضرت مهدی را پیدا میکنند .

**مؤلف :** بطوریکه گفتیم کلمه کوفه شامل سرزمین نجف نیز هست ، زیرا کوفه در آنزمان وسعت داشته است ، و مسجد کوفه و در جنب آن دارالاماره در وسط شهر قرار گرفته بود ، و بلکه قسمت اعظم شهر در طرف جنوب مسجد بوده است ، و اسمی از آبادی نجف نبوده است ، و نجف بجز تپه‌ای در بیرون کوفه آبادی نداشته

است . و اما اقبال و توجه مردم بحضرت ولی عصر ( ع ) : اولاً - از لحاظ اینکه حرکت آنحضرت بکوفه منتهی شده و اهالی حضوراً آنحضرترا زیارت و درک فیوضات میکنند . و ثانیاً - اهل نجف از جهت فطرت خوش استعداد و پاک طینت هستند ، و باقتضای حسن سیرت و سریرت بآنحضرت اقبال و اظهار اخلاص خواهند نمود . و ثالثاً - یک ثلث از جمعیت نجف از محصلین علوم و معارف شیعه و یا از خانواده‌های علم و معرفت و فقاہت شیعه هستند ، و قلوب آنان بمقامات اهل بیت طهارت متمایل است . و رابعاً - بیرقهای مختلف و احزاب گوناگون وارد کوفه و نجف میشوند ، و حق و باطل از نظر آنان بالمعاینه معلوم میشود .

غیبت طوسی ( ص ۲۸۶ ) عن جابر قلت لأبی جعفر ( ع ) : متى یكون هذا الأمر؟ فقال : أئی یكون ذالک یا جابر و لما تكثر القتلى بين الحيرة و الكوفة - جابر از حضرت باقر ( ع ) پرسید که ظهور قائم کی میشود ؟ فرمود : چگونه نزدیک باشد و هنوز کشتار بسیار در میان حیره و کوفه صورت نگرفته است .

ابن ماجه ( ج ۲ ص ۴۹۷ ) قال رسول الله ( ص ) لا تقوم الساعة حتى يحسر الفرات عن جبل من ذهب فيقتل الناس عليه ، فيقتل من كل عشرة تسعة . مختصر التذکره ( ص ۱۳۴ ) ان رسول الله ( ص ) قال : يوشك الفرات أن ينحسر عن كنز من ذهب فمن حضر فلا يأخذ منه شيئاً .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا روزیکه آشکار شود نهر فرات از کوهی از طلا پس مردم روی این طلا کشته شوند ، پس از هر ده نفر نه نفر کشته میشوند .

و باز فرمود : نزدیک است که نهر فرات منکشف گردد از گنجی از طلا ، پس

کسیکه حاضر باشد چیزی از آن نگیرد .

و آیا ظاهر اینمعانی مراد است ، و یا منظور منافع و عوائدیست که از نهر فرات حاصل میشود : فعلاً مجهول است - الله أعلم .

الکنی للدولابی ( ج ۱ ص ۱۴۳ ) عن أبي حبرة ، قال رأيتُ عليًا علي حَسَبَات الكوفة يقول : يا بصرة لتحرقنّ و لتغرقنّ حتّى يبقى مسجدك و بيت مالک كآته جُوْ جُوْ سفينة - از ابي حبره است که میگوید : اميرالمؤمنين ( ع ) را دیدم روی زمینهای سخت کوفه و میفرمود : ای شهر بصره سوخته خواهی شد و غرق خواهی شد بنحویکه تنها مسجد و بیت‌المال تو در میان آب و آتش باقی باشد ، گویا که سینه کشتی است .

مسلم ( ج ۸ ص ۱۸۰ ) قال رسول الله ( ص ) : لا تقوم الساعة حتّى تخرج نار من أرض الحجاز تُضئ أعناق الابل ببُصرى .

قال النَوَوِي : بُصرى بضم الباء مدينة مشهورة بالشام .

الکنی للبخاری ( ص ۱۰ ) مثلها ، و فيها : من واد ذکر اسمه من أودية بنى سليم بالحجاز .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۴۳ ) مثلها .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا خارج شود آتشی از سرزمین حجاز که شعله آتش در شهر بصری که در جنوب و ابتدای شامات و نزدیک حوران است ، گردنهای شترها را روشن کند .

و در روایت دیگر است که : آن آتش از سرزمینی از حجاز که از وادیهای

بنی سلیم است برمیخیزد .

مؤلف: بنی سلیم از قبائل بزرگ حجاز است که در میان مدینه و مکه سکنی دارند، و از قبیله قیس عیلان منشعب میشوند. و این چهار حدیث مربوط بحجاز و فرات و کوفه و بصره بتناسب سرزمین عربستان نقل شد، ولی آنطوریکه باید مفهوم آنها محقق و روشن نشده است.

### یمن و شام

بمناسبت این روایات چند حدیث دیگر نیز که مربوط به شام و یمن است، ذکر میکنیم، اگرچه مفهوم آنها نیز هنوز روشن و محقق نشده است. مستدرک الحاکم (ج ۴ ص ۴۵۵) عن أبي هريره، قال رسول الله (ص): ان الله يبعث ريحاً من اليمن ألين من الحرير فلا تدع أحداً في قلبه مثقال حبة من ايمان الا قبضته.

رسول اکرم (ص) فرمود: خداوند متعال برمی‌انگیزاند بادی را از جانب یمن که ملایم‌تر از حریر است و ترک نمیکنند کسی را که در دل او باندازه دانه‌ای از ایمان هست مگر آنکه اخذ نماید آنرا.

و يروى ايضاً: لا تقوم الساعة حتى يبعث الله ريحاً لا تدع أحداً في قلبه مثقال ذرة من تقى او نهى الا قبضته، و يلحق كل قوم بما كان يعبد آباؤهم في الجاهلية، و يبقى عجاج من الناس لا يأمرن بمعروف و لا ينهون عن منكر، يتناكحون في الطرق كما تتناكح البهائم، فاذا كان ذلك اشتد غضب الله على أهل الأرض فأقام الساعة.

فرمود: بر پا نمیشود ساعت تا برانگیزاند خداوند بادی را که بگیرد هر کسی را که

در دل او مختصری از تقوی و عقل باشد ، و سپس هر قومی برمیگردد بآیین اجداد خود که در زمان جاهلیت بودند ، و جمعی از مردم پست و مختلط میمانند که در نهایت لجام‌گسیختگی و آزادی زندگی میکنند ، دعوت بمعروف نمیکنند ، و از منکرات نهی ننمایند ، و در وسط خیابانها مانند بهایم نکاح میکنند ، و در اینهنگام غضب پروردگار متعال شدید گشته ، و ساعت بر پا میشود .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۵ ) عن عبدالله بن عمر ، قال رسولُ الله ( ص ) : لا تقومُ الساعةُ حتّی يأخذَ اللهُ عزَّوجلَّ شَریطته من أهل الأرض فیبقى عَجاج لا یعرفون معروفاً و لا یُنکرون منکراً .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : ساعت بر پا نمیشود تا باز بگیرد پروردگار متعال عهد و پیمان خود را از مردم ، پس نمیماند در روی زمین مگر جمعی که پست و کم‌خرد باشند ، و امر بمعروف و نهی از منکر نکنند .

مؤلف : در زمان ما که امر بمعروف و نهی از منکر از میان رفته است ، یعنی باندازه‌ای منکرات شایع شده و مردم بآنها اقبال و آلوده شده‌اند که بهر طرف که توجه شود منکر و حرام و خلاف است .

و بقرائن معلوم میشود که : منظور از ریح ، فساد در عقائد و منتشر شدن آراء باطل و مسالک گمراه‌کننده میباشد .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۹۵ ) قال النبی ( ص ) : لا تقومُ الساعةُ حتّی لا یبقی علی وجه الأرض أحدٌ لله فیهِ حاجة ، و حتّی توجد المرأةُ نهاراً چهاراً تُنکح وسطَ الطريق لا یُنکر ذلک أحدٌ و لا یغیره ، فیکون أمثلهم یومئذ الذی یقول لو نَحیتها عن الطريق قلیلاً .

ساعت بر پا نمیشود تا موقعیکه در روی زمین کسی باقی نماند که خداوند از او امید صلاح و خیر داشته باشد ، و تا روزگاریکه زن در وسط راه و در روز روشن نکاح شده و کسی اینعمل را انکار نکند ، و مهمترین نهی از این منکر آن باشد که : گفته میشود - بهتر آن است که مقداری از راه کنار روند .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۵۴۸ ) عن ابی هریره ، قال سمعتُ رسولَ الله ( ص ) یقول اذا وقعت الملاحم خرجَ بعثُ من الموالی من دمشق هم اکرمُ العرب فرسأ و أجوده سلاحاً یؤید الله بهم الدین .

أبوهریره میگوید که از حضرت رسول اکرم ( ص ) شنیدم و میفرمود : چون وقایع جنگی و ستیزه‌ها در میان مردم صورت گرفت ، جمعی از افراد صالح و پاک فطرت از دمشق برمیخیزند که آنان از پاکیزه‌ترین و گرامیترین مردم عرب هستند از جهت فراست و بهترین آنان باشند از جهت اسلحه جنگی ، و خداوند متعال بوسیله آنان دین خود را تأیید و یاری فرماید .

مؤلف : این نهضت معلوم نیست با چه خصوصیتی ظاهر میشود ! و آیا قبل از ظهور سفیانی است از شام یا بعد از آنست ! اگرچه بعد از آمدن سفیانی فاصله‌ای برای قیام قائم ( ع ) نیست .

### سفیانی و قیام او

قیام سفیانی از علائم حتمیه و نزدیک ظهور قائم أهل بیت عصمت ( ع ) است . غیبت نعمانی ( ص ۱۶۴ ) هشام بن سالم از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند : اذا استولی السُفیانی علی الکُور الخمس فعدّوا له تسعة أشهر - فرمود : چون سفیانی

بر پنج قسمت استیلاء کرده و حکومت کرد ، پس نه ماه برای حکومت او حساب کنید . و هشام میگوید : مراد از پنج قسمت : فلسطین ، دمشق ، حلب ، حمص ، اردن ، است .

مشارق الأنوار حمزاوی ( ص ۱۱۸ ) : سفیانی مردیست از ذریّه ابی سفیان بن حرب اموی ، ظاهر شود در یمن ، ابتداء با مردم خوشرفتاری میکند و سپس بستمگری شروع کرده ، و بازرگانان را میکشد و دانشمندان و نیکوکارانرا حقیر میشمارد ، و با سپاه بزرگی بسوی شام حرکت میکند ، و قبیله بنی کلب در شام اطراف او را میگیرند ، و در تذکره قرطبی گوید : سپاهی بسوی کوفه و سپاهی بسوی مکه میفرستد . شعرانی گوید : نام او عروة بن محمد سفیانی است .

غیبت نعمانی ( ص ۱۶۱ ) از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند که : سفیانی از محتومات است ، و ماه رجب ظاهر شود ، و پانزده ماه از خروج او حکومت او ادامه پیدا میکند ، و شش ماه مشغول جنگ میشود ، و چون پنج قطعه را تصرف کرد : در آن پنج قسمت نه ماه حکومت خواهد کرد ، و یکروز زیادتیر نخواهد شد .

و باز در ضمن خبر مفصلی از حضرت باقر ( ع ) نقل میکند در ( ص ۱۳۶ ) : ناچار بنی فلان حکومت خواهند کرد ، و چون در میان آنها اختلاف و پراکندگی و جدایی پیدا شد : خراسانی خروج خواهد کرد ، و در همان هنگام سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج خواهند کرد ، و هلاک بنی فلان بدست آنها خواهد شد ، و هر یک از این سه نفر پیشرفت کرده و بجانب عراق و کوفه حرکت خواهد کرد ، و در میان اینها بیرق یمانی صحیحتر و بهتر است و او بسوی حقّ دعوت کرده و سفیانی بدست آنها کشته خواهد شد .



روضه کافی (ص ۲۹۵) عن أبي جعفر (ع) قال: يا ميسرُ كم بينكم وبين قرقيسا؟ قلت هي قريب على شاطئ الفرات. فقال: أما الله سيكون بها وقعة لم يكن مثلها منذ خلق الله تبارك و تعالی السماوات و الأرض، و لا يكون مثلها ما دامت السماوات و الأرض، مادبة للطير تشبع منها سباع الأرض و طيور السماء، يهلك فيها و لا يدعى لها داعية.

حضرت باقر (ع) از میسر پرسید که چقدر با قرقیسا فاصله دارید؟ گفت قرقیسا در کنار شطّ فرات است. فرمود: در آنسرزمین واقعه‌ای خواهد بود که از آغاز خلقت مانند آن سابقه نداشته و تا آخر نظیر آن دیده نخواهد شد، جایی خواهد بود برای هجوم پرنندگان و درندگان زمین و آسمان که همه سیر گردند، و هلاکتی در آنجا پیش آید که کسی برای یاری و کمک طلبیده نشود.

مستدرک الحاکم (ج ۴ ص ۵۰۱) عن علی (ع) قال: یظهر السفینانی علی الشام ثم ینفثون علیهم وقعة بقرقیسا حتی تشبع طیر السماء و سباع الأرض من جیفهم، ثم ینفثون علیهم فتق من خلفهم، فتقبل طائفة منهم حتی یدخلوا أرض خراسان، و تقبل خیل السفینانی فی طلب أهل خراسان، و یقتلون شیعه آل محمد (ص) بالكوفة، ثم ینفثون علیهم فتق من خلفهم، فتقبل طائفة منهم حتی یدخلوا أرض خراسان، و تقبل خیل السفینانی فی طلب أهل خراسان فی طلب المهدي.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: سفینانی بر شام حکومت خواهد کرد، و در قرقیسا (آبادی است در شمال شرقی شام در وسط نهر فرات و نهر خابور) واقعه کشتاری عظیم برای آنها پیدا شود که پرنندگان و درندگان از لاشه‌های آنها سیر خواهند شد، سپس شکافی از پشت سر آنها پیدا شده، و جمعی بسوی خراسان میروند، و سپاه سفینانی برای جنگ با اهل خراسان حرکت کرده و در کوفه از شیعیان اهل بیت (ع)

میکشند ، سپس اهل خراسان در راه طلب حضرت مهدی ( ع ) خروج میکنند .

### بیرقهای سیاه از خراسان

طوریکه از روایات معلوم میشود : سه بیرق در یک هنگام ظاهر میشود ، بیرق سفیانی و بیرق یمانی از یمن ، و بیرق خراسانی از خراسان ، و معلوم میشود که بیرقهای خراسانی سیاه خواهد بود .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۵۰۲ ) عن ثوبان : اذا رأیتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان ، فأتوها و لو حبواً فان فیها خلیفة المهدی .

چون بیرقهای سیاه را دیدید که از جانب خراسان بیرون آمد : بسوی آنها حرکت کنید اگرچه حرکت روی شکم باشد ، زیرا در میان آنها خلیفه مهدی خواهد بود .  
البيان للکنجی ( باب رابع ) تجیء رایات سود من قبل المشرق كأن قلوبهم زبر الحديد فمن سمع بهم فلیأتهم و لو جثوا علی التلج حتی یأتوا مدینة دمشق فیهدمونها حجراً حجراً و یقتلون بها أبناء الملوک .

از جانب مشرق بیرقهای سیاهی میآید ، گویی که دلهای آنها پاره‌های آهن است ، پس کسیکه آواز آنها را شنید بسوی آنها حرکت کند اگرچه بزانو باشد ، آنها تا شهر دمشق میآیند و آن شهر را خراب میکنند و فرزندان ملوک را در آنسرزمین بقتل میرسانند .

غیبت نعمانی ( ص ۱۳۳ ) سئل امیرالمؤمنین ( ع ) عن قوله تعالی ( فاختلف الأحزاب من بينهم ) ؟ فقال : انتظروا الفرَجَ من ثلاث . فقیل و ما هنّ ؟ فقال اختلاف اهل الشام بینهم ، و الرايات السود من خراسان ، و الفزعة فی شهر رمضان . فقیل

و ما الفَرَعَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: أَوْ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ - انْ نَشَأَ نُنزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ . هِيَ آيَةُ تُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خُدْرَاهَا وَ تَوْقِظُ النَّائِمَ وَ تُفْرِعُ الْيَقِظَانَ .

از امیرالمؤمنین پرسیده شد که : منظور از آیه - فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ - چیست ؟ فرمود : با ظاهر شدن سه چیز منتظر فرج باشید . گفته شد که آنسه امر چیست ؟ فرمود : اختلاف پیدا کردن اهل شام ، و بیرقهای سیاه از طرف خراسان ، و وحشت و ترس مردم در ماه مبارک رمضان . گفتند : فرع چیست ؟ فرمود : آیا نشنیدید آیه شریفه را که - انْ نَشَأَ نُنزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ - اگر بخواهیم نازل میکنیم از آسمان آیتی را که گردنهای شما همه در مقابل آن خاضع میشوند . این آیتی خواهد بود که از فرع آن زندهای محجوبه را از خانههای خود بیرون میآورد ، و مردم را از خواب بیدار کند ، و افراد بیدار را وحشتناک نماید .

**مؤلف :** در جزئیات این موضوعات بحث کردن برخلاف تحقیق است ، گذشته از آنکه در روایات وارده از جهت جزئیات این مطالب اختلافاتی هست ، و نتیجهای نیز برای ما حاصل نیست که در این موضوعات بیش از این بحث کنیم .

### نداء و صیحه و خسوف و کسوف

از علائم حتمیه چنانکه گذشت : صیحه آسمانی و خسوف و کسوف در غیر موقع طبیعی خود میباشد ، و بنحو اجمال و کلی چند روایتی را ذکر میکنیم .  
غیبت نعمانی ( ص ۱۳۵ ) حضرت باقر ( ع ) فرمود : چون از جانب مشرق آتشی

را دیدید که شبیه هردی بزرگ ( هردی بضمّ اوّل چیزیکه با زعفران رنگ کنند ) که سه یا هفت روز ادامه پیدا کند ، پس منتظر باشید به فرج دولت آل محمد ( ص ) ، اگر خدا بخواهد و او عزیز و حکیم است . و سپس فرمود : و صیحه ( نداء ) نباشد مگر در ماه رمضان که ماه خدا است ، و صیحه از جبرئیل خواهد بود برای مردم و باسم آنحضرت ، و نداء از آسمان بوده و همه آنانکه در مشرق یا در مغرب هستند آنرا خواهند شنید ، و از این نداء افرادی که در خوابند بیدار خواهند بود ، و آنکه نشسته است قیام کرده و قائم خواهد نشست از شدت وحشت ، پس خدا رحمت کند آنرا که از این نداء بخود آمده و پاسخ بدهد ، و نداء در ماه رمضان و در شب جمعه از بیست و سوم ماه خواهد شد ، در این نداء نباید تردید داشته و باید هرچه زودتر آنرا اجابت کرد . و در آخر روز ابلیس نداء میکند که : آگاه باشید که فلان مظلومیت کشته شد ، و منظور او تردید و تشکیک و تفتین افراد میباشد ، و بسیاری از مردم از شنیدن این صدا بحیرت و شک درآیند .

و در صفحه ( ۱۴۷ ) عن زُرارة قلتُ لأبي عبد الله ( ع ) : النداء حق ؟ قال : إی والله حتّی یسمعه کلّ قوم بلسانهم - زرارة از حضرت صادق ( ع ) پرسید آیا نداء حق است ؟ فرمود : آری ، قسم بخداوند متعال تا جاییکه هر طائفه‌ای بزبان خود آنرا میشوند .

**مؤلف :** امروز گذشته از نیروی معنوی و خواسته‌های رجال الهی که حاکم بر امور و جریانهای طبیعی میباشد : از نظر علوم امروزی رسانیدن کلام و صدا در یک دقیقه بتمام نقاط جهان بوسیله تلویزیونها و رادیوها امر عادی است ، و اما صیحه جبرئیل و ابلیس : ممکن است مظهر جبرئیل و ابلیس باشد ، اگرچه خود آنها نیز

هیچگونه مانعی ندارد که باشند.

غیبت نعمانی ( ص ۱۴۵ ) کنتُ عندَ اَبی جعفر (ع) فَذَكَرَ شَيْئَيْنِ يَكُونَانِ قَبْلَ الْقَائِمِ لَمْ يَكُونَا مُنْذُ اَهْبَطَ اللّٰهُ اَدَمَ ( ص ) اَبْدًا ، و ذلك انّ الشَّمْسَ تَنكسفُ فِى النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْقَمَرَ فِى آخِرِهِ - در خدمت حضرت باقر (ع) بودم و فرمود : دو چیز پیش از ظهور قائم واقع میشود که از ابتداء خلقت آدم تا آنروز سابقه نداشته است ، و آن کسوف آفتاب است در نصف ماه رمضان ، و خسوف ماه است در آخر آنماه .

و در حدیث دیگر میفرماید : وَ عِنْدَهُ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُنْجِمِينَ - در این هنگام حسابهای اهل نجوم برخلاف میشود .

**مؤلف :** روی قواعد طبیعی و نجومی ، کسوف در اثر فاصله شدن ماه است در بالای سر ما میان ما و آفتاب ، و اینجریان در اواخر ماه که حرکت آفتاب و ماه در یک مسیر است واقع میشود . و خسوف در اثر فاصله شدن زمین است در میان ماه و آفتاب ، و اینجریان در اواسط ماه که مسیر آفتاب و ماه در مقابل هم است واقع میشود .

ممکن است اینمعنی برخلاف جریان طبیعی و یا در اثر حائل شدن کره دیگر که در مسیر فیما بین زمین و آفتاب یا ماه و آفتاب باشد .

و بهر صورت چون روایات زیادی در اینمعنی رسیده و از علائم حتمیه شمرده شده است : بوقوع خواهد پیوست .

### کشتن نفس زکیّه هاشمی

یکی دیگر از علائم بسیار نزدیک و حتمی : قتل نفس زکیّه‌ای است در میان رکن خانه کعبه و مقام شریف حضرت ابراهیم (ع) در مسجدالحرام .  
 غیبت طوسی (ص ۲۸۶) عن أبي عبدالله (ع) قال : ليس بين قیام القائم و بین قتل النفس الزکیّة الا خمس عشر ليلة .

حضرت صادق (ع) فرمود : در میان ظهور قائم و کشته شدن نفس زکیّه فاصله‌ای نیست مگر پانزده شب .

باز در (ص ۲۹۴) نقل میکند که : نفس زکیّه غلامی است از جوانان آل محمد و نام او محمد بن الحسن است ، کشته میشود بدون جرم و گناه ، و چون او را کشتند : عذرآورنده‌ای در آسمان و یاری کننده‌ای در زمین برای آنان پیدا نمیشود ، و در این هنگام قائم آل محمد قیام کرده و خارج میشود .

**مؤلف :** طوریکه معلوم میشود ، یکی از صلحاء و اهل معرفت که از ذریّه اهل بیت طهارت باشد ، در خلال انجام مناسک حجّ و عبادت ، روی تعصب و عناد و برخلاف حقّ و عدالت ، و با نهایت قساوت و ظلم و بیرحمی ، در میان رکن و مقام کشته میشود ، و باندازه‌ای اینعمل ظالمانه و بیرحمانه میباشد که جزو وقایع مهمّه آخر الزمان محسوب شده و از هزار و چند صد سال پیش خبر داده شده است .

### خیانت و روبیضه

در ضمن پیشگوئیهای مربوط به انتشار دروغ و خیانت و مکر و حيله و فساد : نامی از روبیضه برده شده است ، و کلمه روبیضه بمعنی آدم پست و بیخرد و ضعیف

است ، و چنین شخصی که با این صفات مشخص است در میان مردم عنوان پیدا کرده ، و مربوط بامور اجتماعی و تعیین وظائف مردم سخن میگوید .  
 مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۶۵ ) عن أبي هريره ، قال رسول الله ( ص ) : تأتي على الناس سنوات جَدَعَات يُصَدَّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُكذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُؤْتَمَنُ فِيهَا الْخَائِنُ وَيَخُونُ فِيهَا الْأَمِينُ وَيَنْطِقُ فِيهِمُ الرُّوبِيضَةُ ، قيل يا رسول الله و ما الروبيضة ؟ قال الرجل التافه يتكلم في أمر العامة .  
 و في ( ص ۵۱۲ ) يروى باختلاف يسير ، و فيها : قال السفيه يتكلم في أمر العامة .

مسند احمد ( ج ۳ ص ۲۲۰ ) عن انس ، يروى ما يقرب منها .  
 رسول اکرم میفرماید : میآید برای مردم سالهای سخت و بی برکتی که شخص دروغگو صادق معرفی میشود ، و آدم راستگو کاذب شود ، و خائن امین گردد ، و امین خیانتکار شناخته شود ، و روبیضه در میان مردم ناطق گردد . گفته شد که روبیضه چیست ؟ فرمود مرد پست و سفیه است که در امور اجتماعی و عمومی سخنرانی میکند .

غیبت نعمانی ( ص ۱۴۹ ) عن الاصبع عن عليّ ( ع ) قال : انَّ بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سَنِينَ خَدَاعَةَ يُكذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُصَدَّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُقَرَّبُ فِيهَا الْمَاحِلُ ( و في حديث : و يَنْطِقُ فِيهَا الرُّوبِيضَةُ ) فقلت و ما الماحل ؟ قال : أو ما تقرءون القرآن ، قوله : و هو شديد المحال ، قال يريد المكر . اقول - الروبيضة تصغير الرابضة ، و هو العاجز التافه الحقير ، و التاء للمبالغة .

اميرالمؤمنين ( ع ) فرمود : در پیشروی ظهور قائم سالهای فریبنده ای پیش آید

که آدم راستگو را دروغگو معرفی کرده و دروغگو را راستگو و شخص حيله گر را بخود نزدیک می‌شمارند ، و در حدیثی بجای ماحل کلمه روبیضه است یعنی آدم پست و عاجز ، و از آنحضرت پرسیدند که : ماحل چیست ؟ فرمود : بمعنی مکرکننده و حيله گر است .

**مؤلف :** چنانکه گفته شد ، روبیضه بهر فرد پست و عاجز و حيله گر گویند ، و در آخر زمان چنان نظم اجتماع مختل گشته و مراتب و مقامات بهم می‌خورد که افراد پست و نادرست و حيله گر ناطق جامعه شوند . البته ناطق غیر از واعظ و محدث است ، واعظ مردم را دعوت بدین و خدا و آخرت میکند ، و محدث از احادیث و روایات معصومین نقل مینماید ، ولی ناطق کسی است که به پیشوایی ملت در جهت تعیین وظائف و تشخیص امور و اثبات یا نفی تکالیف اجتماعی و در خصوصیات برنامه‌های زندگی مردم سخن گفته و اظهار نظر میکند .

پس کسیکه برای مردم برنامه زندگی تعیین میکند : میباید از جهت عقل و دین و تقوی و علم و عمل سرآمد ملت و مورد اعتماد و وثوق همه طبقات جامعه باشد ، نه آدم پست حيله گر .

### علم و امانت بهم می‌خورد

از ابواب گذشته در کتاب ، و از روایات چندی که در اینجا نقل میکنیم ، معلوم میشود که : در آخر زمان امانت و علم و تقوی و صلاح و درستی و وفاء از میان مردم رفع میشود .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۵۳ ) عن عبدالله بن عمر ، قال رسول الله ( ص ) :



یوشک أن یأتیَ زمان یُغربَل الناسُ فیهِ غَربلةً و یبقی حُثالةً مِنَ الناسِ قد مرَّجت عهودُهُم و أماناتَهُم و اختلفوا و كانوا هکذا و سَبَّکَ بَینَ أصابعِهِ ، قالوا فکیفَ تأمرنا یا رسولَ اللَّهِ ! قال تأخُذون ما تُعرِفون و تدعون ما تُنکرون و تقبلون علی أمرِ خاصَّتیکم و تدعون أمرَ عامَّتیکم .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۲۲۰ ) عن شعيب عن ابيه ، مثلها .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : نزدیک است زمانی برسد که مردم آنزمان غربال میشوند غربال شدن سختی ، و باقی میماند افراد پست و فرومایه مردم که مخلوط و ضایع شود در میان آنان پیمانها و امانت‌هایشان ، و اختلاف شدید و هرج و مرج پدید آید ، و سپس انگشتهای خود را داخل یکدیگر کرده و فرمود هرج و مرج در آنزمان همچنین خواهد بود . گفتند در آنزمان وظیفه مردم چه خواهد بود ؟ فرمود : آنچه را که معروف و شناخته شده است میگیرید ، و آنچه منکر و مجهول است ترک میکنید ، و روش افراد مخصوص را که صالح و پاک هستند قبول کرده و از رسم و راه عموم که شایع میشود خودداری مینمایید .

مؤلف گوید : مقصود اینست که افراد برجسته و روحانی و با حقیقت از میان مردم میروند ، و در نتیجه وحدت و صفا و محبت و اتفاق و وفاء و اعتماد و اطمینان از جامعه آنان رخت می‌بندد ، و نفاق و اختلاف و دشمنی و خیانت پدید آید . و در آنزمان لازم است کمال احتیاط و تقوی را رعایت کرده ، و تا معرفت و یقین پیدا نشده است با امری اقدام نکرده و قدمی برداشت .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۴ ) قال رسولُ اللَّهِ ( ص ) : لُتُنْتَقِينَ کما یُنتَقی التمرُ مِنَ الجَفْتَةِ ، فلیذْهَبَنَّ خیارکم و لیبقینَّ شرارکم حتی لا یبقی الا من لا یعبأ اللَّهُ

بهم ، فموتوا ان استطعتم .

فرمود رسول اکرم ( ص ) : برگزیده میشوید چنانکه خرما را از کاسه اختیار میکنند ، پس افراد نیکوی شما از میان رفته و بدکاران باقی میمانند ، تا آنکه نیمیمانند در روی زمین مگر افرادی که خداوند توجه و اعتنایی بآنان ندارد ، پس اگر بتوانید پیش از آنکه بآن روزگار برسید بمیرید .

**مؤلف :** از این روایات فهمیده میشود که وضع محیط جامعه باندازه‌ای فاسد و مختل و هرج و مرج گردد که افراد صالح که بتدریج کم شدند ، محیط از تربیت مردان پاک و فرزندان با تقوی و افراد درستکار و با حقیقت ، عاجز و ضعیف خواهد بود ، و رفته رفته بمقتضای فساد جامعه و اختلال برنامه‌های زندگی : افراد ناصالح و شریر و نادرست تربیت پیدا کرده و روی کار خواهند آمد .

و در اینصورت زندگی مردان پاک و با حقیقت توأم با ناراحتی و نهایت زحمت و سختی خواهد بود .

### کم شدن علماء و فقهاء

در زمانیکه فتنه‌ها و آشوبها و خیانت و جهالت و شرارت و اختلال محیط جامعه را فرا گرفته است : قهراً دانشمندان با حقیقت و علمای پرهیزکار بتدریج کم خواهند شد .

سنن الدرामी ( ج ۱ ص ۶۴ ) عن عبدالله بن عمر قال : کیف انتم اذا لبستکم فتنه یهرم فیها الکبیر و یربو فیها الصغیر ، اذا ترک منها شیء قیل تُرکت السنّة ، قالوا و متی ذاک ؟ قال اذا ذهب علماء کم و کثرت جهلاء کم ، و کثرت قراء کم و

قَلَّتْ فُقَهَاءُكُمْ، وَ كَثُرَتْ أُمَرَاءُكُمْ وَ قَلَّتْ أُمْنَاءُكُمْ، وَ التَّمِسْتِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَ تَفُقُّهُ لغير الدين .

چگونه میشود حال شما آنزمانیکه بیوشاند شماها را فتنه‌ای که پیر میشود در آن افراد بزرگ و بزرگ میشود افراد خردسال، اگر چیزی از امور مرسوم ترک شود میگویند سنت پیغمبر ترک شده است، گفتند در چه زمانی چنین میشود؟ گفت آنزمانیکه علمای شما از میان بروند، و بسیار باشد مردم نادان، و زیاد باشد قرائت‌کنندگان قرآن، و کم باشد در میان شما فقهاء، و امراء و حکام زیاد میشود ولی امین نباشد، و بوسیله اعمال دینی امور مادی و دنیوی تحصیل میشود، و برای غیر خدا تَفُقُّهُ میکنند .

الکنی للدولابی ( ج ۲ ص ۱۲۵ ) عن ابن عباس، قال رسولُ الله ( ص ) : انَّ اُناساً مِنْ اُمَّتِي سَيَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَ يَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ، يَأْتِيهِمُ الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ لَوْ اَتَيْتُمُ الْمُلُوكَ فَأَصَبْتُمُ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ بِدِينِكُمْ، أَلَا وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ .

حضرت رسول اکرم فرمود: بعضی از افراد امت من تلاوت قرآن نموده و تفقه در دین، خواهند کرد، و سپس شیطان آنانرا وسوسه کرده و میگوید: اگر به دربار سلاطین نزدیک گردید از مال و دنیای آنان استفاده کرده و دین خود را در پشت سر آنان حفظ میکنید، آگاه باشید که چنین امری عملی نیست .

الموطأ ( ص ۱۶۱ ) وَ سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ قَلِيلٌ فَفَقَاهَاؤُهُ كَثِيرٌ قَرَأَهُ، تُحْفَظُ حُرُوفُ الْقُرْآنِ وَ تَضَيِّعُ حُدُودُهُ، كَثِيرٌ مِنْ يَسْأَلُ قَلِيلٌ مَنْ يُعْطَى، يُطِيلُونَ فِيهِ الْخُطْبَةَ وَ يُقْصِرُونَ الصَّلَاةَ، يَبْدُونَ فِيهِ أَهْوَاءَهُمْ قَبْلَ أَعْمَالِهِمْ .

عبدالله بن مسعود گفت: خواهد آمد برای مردم زمانیکه علمای با حقیقت اندک

شوند ، و خوانندگان قرآن بسیار گردند ، در حروف و الفاظ قرآن کمال اهتمام شود ، ولی حدود و احکام آن ضایع گردد ، سؤال و درخواست کننده زیاد میشود ، ولی احسان و عطاء و نیکویی کمتر صورت میگیرد ، در خطبه و موعظه و سخنرانی طول میدهند ، ولی در نماز و عبادت کوتاهی نمایند ، و مردم پیش از آنکه شروع به عمل و عبادت و طاعتی کنند : هوی و تمایلات و خواهشهای نفس در نظر آنان جلوه گر شده و اعمال خود را برنگ هوی و هوس آغاز میکنند .

مسند احمد ( ج ۵ ص ۱۵۵ ) عن أبي ذرٍّ، انَّ النَّبِيَّ (ص) قال : انَّكُمْ فِي زَمَانِ عُلَمَاءُوه كَثِيرٌ وَ خُطْبَاءُوه قَلِيلٌ ، مَنْ تَرَكَ فِيهِ عَشِيرٌ مَا يَعْلَمُ هَوِي ، وَ سَيِّئَاتِي عَلَي النَّاسِ زَمَانٍ يَقِلُّ عُلَمَاءُوه وَ يَكْثُرُ خُطْبَاءُوه ، مَنْ تَمَسَّكَ فِيهِ بِعَشِيرٍ مَا يَعْلَمُ نَجَا - رسول اکرم (ص) فرمود : شماها در زمانی هستيد که اهل علم بسيارند و گویندگان کم هستند ، و اگر کسی ده یک از دانستنیهای خود را ترک کند هلاک میشود ، و خواهد آمد زمانیکه اهل علم اندک و گویندگان و خطباء زیاد باشند ، و اگر کسی در آنزمان بده یک از دانستنیهای خود را عامل باشد نجات یابد .

الطبقات ( ج ۶ ص ۱۷۲ ) : انَّ ابا عبد الرحمن السلمی قال - اَنَا اخذنا هذا القرآنَ عن قومٍ أخبرونا انَّهم كانوا اذا تَعَلَّموا عَشْرَ آياتٍ لم يجاوزوهنَّ الى العَشْرِ الأخرِ حتَّى يَعلموا ما فيهنَّ ، فَكُنَّا نَتَعَلَّمُ القرآنَ وَ العمل به ، وَ انَّه سیرت القرآنَ بعدنا قومٌ ليشربونه شُرْبَ الماء لا يُجاوز تَراقِيهم ، بل لا يُجاوز هيهنا وَ وضع يده على الحلق .

سلمی گوید که : ما این قرآن مجید را از اشخاصی یاد گرفتیم که میگفتند ما قرآن را ده آیه یاد گرفته ایم ، و تا ده آیه اول را خوب از جهت معنی و تفسیر

یاد نمیگرفتیم بده آیه دوّم تجاوز نمیکردیم ، و ما آیات قرآن را که یاد میگرفتیم پشت سر آن بمرحله عمل و اجراء آنها قدم میگذاشتیم ، ولی پس از ما گروهی خواهند آمد که قرآن را مانند آب خوردن تلاوت کرده و تفکّر و تحقیق و تدبّر در آیات آن نکرده و الفاظ و جملات قرآن از گلوهای آنان تجاوز نخواهد کرد .

الطبقات ( ج ۷ ص ۲۹ ) عن ابی ذرّ قال : قال رسول الله ( ص ) اِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي مِنْ اُمَّتِي قَوْمٌ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ حُلُوقَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَخْرُجُ السُّهُمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ ثُمَّ لَا يَعُودُونَ فِيهِ ، هُمْ سُرَّارُ الْخَلْقِ وَ الْخَلِيقَةِ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : از میان امت من قومی خواهد آمد که قرآن را تلاوت خواهند کرد ولی آیات قرآن از گلوهای آنها تجاوز نخواهد کرد ، آنان از دین الهی بیرون خواهند رفت چنانکه تیر از کمان خارج میگردد ، و هرگز بسوی خدا و دیانت برنخواهند گشت ، این جماعت بدترین افراد مردم روی زمین هستند .

**مؤلف :** قرآن برای تعلیم معارف الهی و حقایق و حکمتها و بیان احکام و وظائف دینی است ، و هر فردیکه متدین بآیین شریف اسلام است ، میباید به محتویات این کتاب آسمانی و دستورهایی آن آگاه و مطلع بوده ، و وظائف انفرادی و اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی خود را با کمال دقت از این کلمات الهی یاد بگیرد . یاد گرفتن الفاظ و کلمات قرآن هرگز نتیجه مطلوب و غرض مقصود را برای فرد مسلم نداده ، و کمترین فائده و اثر اسلامی را که مطلوب خدا و پیغمبر است نخواهد داد .

درست است که : کلمات قرآن از طرف پروردگار متعال و آسمانی و غیبی است ، و خواندن و حتّی نظر بآنها مبارک است ، ولی باید دید که مقصود از نزول قرآن

چیست؟ و آیا افراد مسلمان میتوانند با تنها تلاوت الفاظ قرآن بوظائف دینی خود عمل کرده، و از منظور این کتاب الهی آگاه گردند؟

الکنی للدولابی (ج ۱ ص ۱۴۰) عن جیلان، قال لا یذهبُ اللیل و النَّهار حتّی یخلق هذا القرآنُ فی قلوب رجال کمثل الثوب البالی الّذی یتهافت، لا یجدون حلاوةً له و لا لذآذة، ان ترک أحدُهم بعض ما أمر به قال انّ الله غفور رحیم، و ان ركب بعض ما نُهی عنه قال انه سیُغفرلی لا اشرك، کلّ أمرهم الی الطّمع، لیس معهم من الخوف شیء، خیرُهم فی انفسهم.

روز و شب سپری نمیشود تا آن هنگامیکه قرآن آسمانی در دلهای مردم کهنه و مندرس گردد، مانند لباسیکه کهنه شده و از نظر میافتد، و از قرآن حلاوت و لذتی نمیابند، چون بعضی از تکالیف لازم را ترک کردند میگویند پروردگار بخشنده و مهربان است، و اگر از منهیات و محرّمات مرتکب شدند اظهار میکنند که من به شرک قائل نیستم و خداوند مرا خواهد بخشید، و پایه زندگی و امور آنها روی طمع و امید است، و هیچگونه از ترس و خوف در دلهای آنها اثری نباشد، نیکوکاری و خوبی آنان پیش خودشان و در نظر خودشان باشد.

### عبادت و بندگی آنان

همینطوریکه در آخر زمان حقیقت و روح مطلب از همه امور برداشته میشود: از طاعات و عبادات مردم آنزمان نیز توجّه و حضور و خشوع رفع میشود.

الکنی للدولابی (ج ۲ ص ۵۴) عن حذیفة، قال أوّل ما تَفقدون مِن دینکم الخُشوع، و آخر ما تَفقدون الصلاة.

مختصر التذکره ( ص ۱۳۶ ) عن عبادة بن الصامت ، قال : ان شئتم لا حُدَّتکم بأوّل علم يُرْفَع من الناس : الخُشوع ، یوشک ان ندخل مسجدَ جماعة فلا نری فیہ رجلاً خاشعاً .

حذیفه گفت : نخستین چیزیکه از دین خودتان از دست می‌دهید ، خشوع است ، و آخرین چیزیکه از دست می‌دهید نماز است .

و عباده گفت : اگر بخواهید خبر می‌دهم شما را به نخستین علمیکه از میان مردم برداشته میشود ، و آن خشوع است ، و نزدیک میشود که انسان وارد مسجدی شده و در آنجا شخص خاشعی نبیند .

**مؤلف :** از این دو حدیث شریف دو مطلب فهمیده میشود ، اوّل آنکه خشوع در مقابل پروردگار متعال از دین است ، و هم از علوم و معارف الهی حساب میشود . اما از دین بودن آن : زیرا که دین روش و آیین بندگی است خواه در اصول و اعتقادات باشد و یا در فروع و اعمال . و اما بودن آن از علم : زیرا که خشوع توجه پیدا کردن بجلال و عظمت پروردگار متعال است که قهراً در مقابل این معرفت خشوع پیدا کند . پس خشوع مرحله کامل معرفت بعظمت است . دوم آنکه چون خشوع در مقام بندگی زائل شد : در نتیجه بتدریج ظاهر عبادت نیز که مثل جسد است از بین خواهد رفت .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۳۲۳ ) عن انس ، قال رسول الله ( ص ) : یأتی علی الناس زمان یتحلّقون فی مساجدهم و لیس همّهم الاّ الدنیا لیس لله فیهم حاجة فلا تُجالسوهم - رسول اکرم ( ص ) فرمود : زمانی برای مردم پیش آید که مردم آنزمان در مسجدها حلقه زده و می‌نشینند ، و همّت و فکر آنان بجز امور مادی و

دنیوی چیز دیگری نیست ، و خداوند متعال را در آنان حاجتی نیست و امید هدایتی از آنان ندارد ، و با آنان مجالست نکنید .

و پروی ( ص ۴۴۲ ) عن عبدالله بن عمر قال : يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسَاجِدِ لَيْسَ فِيهِمْ مُؤْمِنٌ - می‌آید بر مردم زمانیکه جمع میشوند در مساجد و نیست در میان آنان شخصیکه مؤمن باشد .

مسند احمد ( ج ۶ ص ۳۸۱ ) عن سلامة ، قالت سمعت رسول الله ( ص ) يقول : يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَقُومُونَ سَاعَةً لَا يَجِدُونَ أَمَامًا يُصَلِّي بِهِمْ - رسول اکرم ( ص ) فرمود : خواهد آمد برای مردم زمانیکه مدتی در مسجد توقف میکنند و امام پرهیزکاری نمی‌بینند که با آنان نماز گزارد .

و در روایت دیگر سلامه ، این جمله است که : اهل مسجد با همدیگر تدافع و تبادل فکر میکنند ، و کسیرا نمی‌یابند که با آنان نماز بخواند .

مؤلف : وقتیکه روح عبادت که خشوع و معرفت و توجه بعظمت است از دل‌های افراد رفع گردید : انجام وظائف بندگی و عبادت نیز تنها جنبه عادت و تظاهر و یا جلب منافع مادی و نظرهای دنیوی خواهد داشت .

مختصر التذکره ( ص ۱۳۲ ) قال رسول الله ( ص ) : سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عُبَادٌ جُهَّالٌ وَقُرَاءٌ فَسَقَةٌ .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۳۱۵ ) مثلها .

مؤلف : منظور اینستکه عبادتیکه باید توأم با معرفت و توجه و خشوع باشد نیست ، و قراءت و تلاوتیکه لازم است توأم با عمل و اثر خارجی باشد نخواهد بود . پس عبادت آنان بی‌روح و خالی از حقیقت ، و قراءت آنان تنها خواندن الفاظ و



آیات باشد ، بدون توجه بحقائق و معانی .

و چون دل‌های آنان از حقیقت و معرفت و روحانیت خالی بوده ، و تنها ظواهر اعمال اجراء میشود : از این لحاظ اختلافات باطنی و عداوت و دشمنی در میان افراد پدید آید ، و محبت و الفت رفع گردد .

صف‌های جماعت بسته میشود ، مجالس و محافل دینی پر از جمعیت بوده ، و سخنرانی‌های دینی رونق گیرد ، همه مردم سخن از اتفاق و وحدت و دینداری و صلح و صفا میزنند ، ولی دل‌ها مختلف و تیره و پر از کینه و اختلاف و عداوت و حيله‌گری و تمایلات نفسانی و علاقه‌های مادی است .

در این زمان دیندار درست و روحانی عادل و عالم عامل کم بوده ، و بازرگان با صفا و رفیق با حقیقت نیز پیدا نخواهد شد .

تهذیب ابن عساکر ( ج ۴ ص ۱۵۵ ) عن حذیفة ، قال رسول الله ( ص ) سیأتی علیکم زمانٌ لا یكون اعزّ من ثلاثة ، اخ یستأنس به أو سنّة یعمل بها او درهمٌ حلال .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : زمانی خواهد آمد که چیزی از سه امر عزیزتر و بهتر نخواهد شد ، برادر با ایمان و با حقیقتی که با او مأنوس باشد ، و سنت و روشی که از رسول اکرم ( ص ) بوده و در میان مردم مورد عمل باشد ، و پول حلالی که بدرستی و روی جریان مشروع بدست آید .

مختصر التذکره ( ص ۱۱۲ ) وروی : انّه لا تقوم الساعة حتّی یقع الفساد فی القلوب ، فیتقول بعضهم بعضاً ، و یظهرون الصلح و الاتفاق و فی باطنهم خلاف ذلك .

قیامت بر پا نمیشود تا وقتی که دلها فاسد و مریض گردد ، پس بعضی از آنان پشت سر بعضی دیگر سخن و حرف نادرست گویند ، و آنان اظهار صلح و برابری و یگانگی نمایند در صورتیکه در باطن مخالف همدیگرند .

غیبت طوسی ( ص ۲۸۳ ) از امام حسن ( ع ) است که فرمود : **اِنَّهُ لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي يَنْتَظِرُونَ حَتَّىٰ يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ عَنْ بَعْضٍ وَيَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَيَتَفَلَّحَ بَعْضُكُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ حَتَّىٰ يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ بِالْكَفْرِ عَلَىٰ بَعْضٍ .**

امام حسن ( ع ) فرمود : این امر که در انتظار آن هستید واقع نخواهد شد ، تا روزیکه بعضی از شما از بعضی دیگر دوری نماید ، و برخی از شما برخی دیگر را لعن کند ، افرادی از شما بصورت دیگران آب دهن بیاندازد ، تا جاییکه بعضی شهادت بدهد بکفر بعضی دیگر .

### پول حلال و رباخواری

گفته شد که : در آخر زمان سه چیز گرامیتر و عزیزتر از هر چیزی میشود ، و یکی از آنها پول حلال است .

سنن نسائی ( ج ۷ ص ۲۴۳ ) قال رسول الله ( ص ) : **يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَأْكُلُونَ الرِّبَا فَمَنْ لَمْ يَأْكُلْ أَصَابَهُ مِنْ غُبَارِهِ .**

مستدرک حاکم ( ج ۲ ص ۱۱ ) قال رسول الله ( ص ) : **لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَىٰ فِيهِ أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرِّبَا ، فَمَنْ لَمْ يَأْكُلْ أَصَابَهُ مِنْ غُبَارِهِ .**

رسول اکرم ( ص ) فرمود : خواهد آمد بر مردم زمانی که کسی باقی نمی ماند مگر آنکه رباخوار باشد ، و اگر هم از ربا خوردن خودداری کند از غبار آن قهراً برخوردار

خواهد شد.

اخبار اصبهان ( ج ۱ ص ۲۵۴ ) عن أبي هريرة، قال رسول الله ( ص ) : سيأتى على الناس زمان يأكلون فيه كلهم الربا، فقلنا يا رسول الله كلهم؟ قال نعم، و من لم يأكله أصابه من غباره - رسول اکرم فرمود : خواهد آمد مردم را زمانیکه مردم همه رباخوار باشند ، عرض کردیم آیا همه ربا خواهند خورد ؟ فرمود : آری ، و اگر کسی خود ربا نخورد از غبار آن او را خواهد رسید .

مسند احمد ( ج ۲ ص ۴۹۴ ) یروی مثلاًها .

**مؤلف :** چون در محیطی وضع داد و ستد و جریان کسب و تجارت روی قانون صحیح و قواعد اقتصادی اجراء نگردید : صرافی و معاملات پولی و مؤسسه‌های بانکی زیاد میشود ، و افراد ضعیف روی اعتبارات و وامهای نزولی و معاملات ربحتی خود را آلوده بربا نموده ، و اشخاص متمکن رباخواری گرایش پیدا میکنند و مخصوصاً اینکه افراد سودجو و مسلمانهای ظاهری و دنیاطلب و مادّی ، بعنوانین مختلف ، حقیقت امر را برگردانیده ، و با کلاههای بصورت شرعی و با نامهای بظاهر دینی ( از قبیل مصالحه غیرواقعی ، اجاره تنها لفظی ، بیع بشرط غیر مقصود ، هبه زبانی ، از معدود شمردن حواله و کاغذهاییکه اعتبار واقعی ندارند و فقط بخاطر تسهیل امر و جریان معاملات مردم دولتها آنها را روی حساب ثروتهای واقعی خود اعتبار میدهند ) مرتکب رباخواری شده ، و هیچگونه از لبّ این حکم و از حقیقت و غرض از این قانون الهی و اقتصادی اندیشه نکرده ، و افراد ضعیف و فقیر و بیچاره و محتاج و گرفتار را بیش از پیش در بند اسارت و در قید بدهکاری قرار میدهند .

سنن أبی داود ( ج ۲ ص ۲۳۰ ) قال رسولُ الله ( ص ) یوشک أن یكونَ خیرُ

مال المسلم غَنماً يتبع بها شعف الجبال و مواقع المطر يفرّ بدینه من الفتن -  
 رسول اکرم ( ص ) فرمود : نزدیک است که بهترین مال مرد مسلم گوسفندانی  
 باشد که آنها را برداشته و حرکت کند بجانب بلندیه‌های کوهها و جاهاییکه باران  
 میبارد ، و دین خود را گرفته و از فتنه‌ها و گرفتاریهای مادی و معنوی کنار برود .  
**مؤلف :** ممکن است فتنه و ابتلاء باندازه‌ای شدت پیدا کند که مرد متدین خود  
 را مجبور بیند که از جامعه فاسد و از گرفتاریهای محیط خود را دور کرده ، و بکوهها  
 و بیابانها پناه برد ، و ضمناً در اثر گوسفندچرانی و استفاده از شیر و گوشت و پوست  
 آنها ، از خوردن اموال حرام و مخلوط و معاملات ربوی محفوظ بماند.

### تمایلات و خودآرایی

روایاتی رسیده است که در آخر زمان تظاهر بشهوات و خودآرایی زنها و بی‌عفتی  
 و بی‌حیایی با آخرین درجه رسیده ، و مثل زمان جاهلیت هیچگونه قید و حدّ و بندی  
 باقی نمی‌ماند .

مسلم ( ص ۱۵۵ جزء ۸ ) قال رسولُ الله ( ص ) صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا ،  
 قوم معهم سِياطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ ، و نِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ  
 مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُؤْسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا  
 و ان ریحها لَیُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا و كَذَا .

فرمود رسول خدا ( ص ) که : دو دسته از اهل آتش هستند و من هنوز آنانرا  
 درک نکرده‌ام ، نخست آن جمعیتی هستند که تازیانه‌هایی بشکل دم گاو بدست  
 داشته و با آنها مردم را میزنند ، دوم زندهای هوی پرست که لباسهای لطیف و نازک و

بدن نما بتن کرده و مردم را از راه حق منحرف و بسوی شهوات و تمایلات نفسانی سوق داده و خود گمراه گشته‌اند ، و این زنها سرهای خودشانرا چون کوهان شتر درست میکنند ، این دو دسته داخل بهشت نشده و بوی و نسیم بهشت را درک نمیکنند ، با اینکه نسیم بهشت از مسافت بسیار دوری احساس میشود .

**مؤلف :** آری نظم اجتماع و عدالت اجتماعی و اجراء قانون بوسیله ایندو دسته اختلال پیدا میکند . افرادی که در مقام اجراء قانون هستند اگر درستکار و امین و نگهدارنده قانون و امنیت باشند : در آن محیط ظلم و تعدی و خیانت و قانون شکنی و دزدی و جنگ و نزاع برطرف میشود . و زنها اگر عفیف و پاکدامن و محفوظ بوده و در انجام وظائف خود که تدبیر منزل و تربیت اولاد است کوتاهی نکنند : گذشته از اصلاح و تربیت فرزندان ، ریشه شهوات و هوی پرستی از محیط اجتماع کنده شده و افراد جوان و پیر خواهند توانست بفکر صحیح و قلب پاک و خاطر آرام بفعّالیت و انجام وظائف خود ادامه بدهند .

مسلم ( ج ۸ ص ۱۵۵ ) از رسول اکرم نقل میکند : **يُوشِكُ أَنْ طَالَتْ بَك مَدَّةُ أَنْ تَرَى قَوْمًا فِي أَيْدِيهِمْ مِثْلَ أذْنَابِ الْبَقَرِ يَغْدُونَ فِي غَضَبِ اللَّهِ وَ يَرُوحُونَ فِي سَخَطِ اللَّهِ .**

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۶ ) قال ( ص ) **يَخْرُجُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رِجَالٌ ... الْحَدِيثُ . وَ كَذَا فِي مَسْنَدِ أَحْمَد ( ج ۵ ص ۲۵۰ ) .**

ممکن است در صورتیکه زندگی تو طولانی گردد : اینکه به بینی جمعیرا که در دستهای آنان چیز است مانند دمه‌های گاو ، آنان صبح میکنند در غضب پروردگار و شب میکنند در سخط خداوند .

مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۶ ) قال رسول الله ( ص ) : سیکون فی آخر هذه الامة رجال یرکبون علی المیاثر حتی یأتوا أبواب مساجدهم ، نساؤهم کاسیات عاریات علی رؤسهن کأسنمة البخت العجاف ، العنوهن فأنهن ملعونات .  
قال الراوی : فقلت لأبی و ما المیاثر ؟ قال سروجاً عظماً .

رسول اکرم فرمود : در آخر این امت مردها بمرکبهای بزرگ سوار شده و با همان مرکبها بدرج مسجد آیند ، ولی زندهای آنان پوشیده برهنه هستند و بر سرهای آنان چون کوهان شتر است ، آنها را لعنت کنید که آنها لعنت شده هستند .  
مسند احمد ( ج ۲ ص ۳۵۶ و ۴۴۰ ) عن أبی هريرة ، قال رسول الله ( ص ) :  
صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي مِنْ أَهْلِ النَّارِ ... كَمَا فِي مُسْلِمٍ .

مؤلف : مقصود از پوشیده برهنه اینستکه : لباس می پوشند ولی لباس ساتر بدن آنها نبوده ، و مانند اشخاص عریان در مقابل مردم آمد و رفت میکنند .  
آری اینها نظم اجتماع را بهم زده ، و آرامش خاطر و برنامه زندگی دیگران را مختل کرده ، و بطور آشکار و صراحت مردم را دعوت بفساد و فحشاء و منکر نموده ، و موجب انحراف فکری و پریشانی خاطر و اختلال امور رجال از پیر و جوان میشوند .

اینها در مورد غضب و لعن پروردگار متعال و ملائکه مقربین و بندگان صالح قرار گرفته ، و دوش بدوش شیاطین در اضلال و اغواء بندگان خدا میکوشند .  
اینها گذشته از جنبه دینی ، برنامه های صحیح جمعیت و افکار صحیح افراد را بهم زده ، و سلب اطمینان و اعتماد و آرامش را از جامعه مسلمانان میکنند .  
مستدرک الحاکم ( ج ۴ ص ۴۳۷ ) عن أبی هريرة ، قال النبی ( ص ) : و الذی

بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَا تَنْقُضِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَتَّى يَقَعَ بِهِمُ الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ ، قَالُوا وَ مَتَى ذَلِكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي ، قَالَ : إِذَا رَأَيْتِ النِّسَاءَ قَدْ رَكِبْنَ السُّرُوحَ وَ كَثُرَتِ الْقَيْنَاتُ وَ شُهِدَ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ شَرِبَ الْمُسْلِمُونَ فِي آيَةِ أَهْلِ الشَّرْكِ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ اسْتَعْنَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ .

رسول اکرم ( ص ) فرمود : سوگند به پروردگاریکه مرا برانگیخته است برای دعوت بحق و روی حق ، این دنیا سپری نخواهد شد مگر آنکه برسد بمردم خسف ( فرورفتن زمین ) و مسخ ( برگشتن صورت آدمی بصورت حیوانی ) و قذف ( فحش‌گویی و نسبت ناروا ) . گفتند : یا رسول الله پدر و مادر ما فدای تو باد ، اینمعنی در چه وقتی خواهد بود ؟ فرمود : چون دیدی که زنها سوار میشوند بمركبها ( سرج بمعنی زین یا مانند زین است که روی مرکب گذاشته و روی آن برای حرکت می‌نشینند ، و ممکن است شامل صندلیهای ماشینها نیز بشود ، البته مقصود اینستکه راننده زن باشد ) و بسیار باشد خواننده‌ها که خوانندگی و غناء میکنند ، و شهادتهای دروغی شایع شود ( مقصود شهادتهای بی‌استکراهی و بی‌اساس و روی غرضهای نفسانی داده شده و توأم با قوه اجراء بوده و پرونده محکمی تشکیل بدهد ) و مسلمانان در ظروف طلا و نقره غذا و آب بخورند ، و مردها با مردها و زنها با زنها تمایلات نفسانی خود را انجام بدهند .

تهذیب ابن عساکر ( ج ۳ ص ۱۱۱ ) عن وائلة و انس ، قال رسول الله ( ص ) : لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَعْنِيَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ ، وَ السَّحَاقُ زِنَا النِّسَاءِ فِيمَا بَيْنَهُنَّ - رسول اکرم ( ص ) فرمود : دنیا تمام نمیشود تا آنکه زنها بوسیله زنها دیگر نیازمندی جنسی خود را برطرف سازند و همچنین مردها با مردهای

دیگر احتیاج خود را رفع کنند، و زنا‌ی زنان سحاق است، که زنی را طرف خود قرار داده، و تمایل شهوانی خود را با تماس با او انجام بدهد.

**مؤلف:** ظاهراً اینمعنی هنگامی صورت میگیرد که توالد و تناسل در اثر احاطه ابتلاء و گرفتاری‌ها و بخاطر صعوبت تربیت فرزند و کثرت مشکلات زندگی، و سختی و زحمت تشکیل خانواده، نامطلوب باشد، و چون تشکیل خانواده و تولید نسل و علاقه بفرزند، منتفی گشت: قهراً هرکسی برای رفع حوائج ضروری خود بوسائل آسان و حاضری متوسل شده، و دچار محذورات نیز نخواهد گشت. و این برنامه‌ها امروز در اطراف دنیا شیوع پیدا میکند.

آری قیودات و رسومات زندگی بحدی زیاد و بالا میرود که مردم از زندگی عادی دست کشیده، و بیابان‌گرد میشوند.

و تربیت اولاد در اثر ابتلاءات و ناگواریها و فساد محیط چنان مشکل میشود که افراد از فرزند داشتن صرف نظر میکنند.

اخبار اصبهان (ج ۱ ص ۳۳۰) عن انس قال رسول الله (ص): **يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَأَنْ يُرَبِّي أَحَدُكُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ جِرْوَ كَلْبٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُرَبِّيَ وَلَدًا لَصَلْبِهِ.**

رسول اکرم (ص) فرمود: زمانی برای مردم خواهد آمد که یکی از شماها بخواهد بچه سگی را تربیت کند بهتر و مفیدتر و آسانتر خواهد بود برای او از تربیت فرزند.

**مؤلف:** اوضاع دنیا از جهت اعمال ناشایست و اخلاق فاسد و روشهای مادی و اسباب و وسائل هوسرانی و هجوم گرفتاریها و ابتلاءات زندگی، هرگز اجازه نمیدهد



که بجهای طبق برنامه صحیح و توأم با تقوی و درستی و طهارت، تربیت پیدا کند، تربیت هرچیزی اگرچه از نباتات و حیوانات باشد نیازمند بمحیط مناسب و سالم و شرائط مخصوصی است.

اگر بناء شد که محیط تربیت برخلاف برنامه باشد: ادامه تربیت و تحقق دادن به مواد برنامه بسیار مشکل خواهد بود، و مانند آن میشود که فردی را تعلیم شناگری برخلاف جریان آب بدهند.

امروز بهترین مملکت از نظر دینی و تشییع و تقوی سرزمین ایران است، با اینحال تظاهرات مردم این سرزمین نیز طوریکه کمتر از دین و تقوی و حقیقت نشانه‌هایی دیده میشود.

### عصیان مردم و جفای اخوان

روایاتی رسیده است که: گرفتاریهای مردم بحدی شدت پیدا میکند که جمعی برای دنیا و برخی برای دین می‌گیرند.

غیبت طوسی (ص ۲۸۴) عن محمد بن الحنفیة، قال: اُنّی یكونُ ذلک و لم یعصِ الزمانُ، اُنّی یكونُ ذلک و لم یجفوا الاخوان، اُنّی یكونُ ذلک و لم یظلم السلطانُ، اُنّی یكونُ ذلک و لم یقمُ الزندیق من قزوین فیہتک ستورہا و یکفر صدورہا و یغیر سورہا و یذهب بهجتہا، من فرّ منه أدركه و من حاربه قتله، و من اعتزله افتقر و من تابعه کفر، حتی یقوم باکیان باکی علی دینه و باکی بیکی علی دنیاہ.

فرمود: کجا قیام قائم نزدیک است و هنوز عصیان بر روزگار احاطه نکرده است،

و هنوز برادران جفا و جور نموده‌اند ، و هنوز سلطان ستمگری را پیشه نکرده است ، و هنوز زندیقی از قزوین بیرون نیامده است که : پرده‌های عفت و پاکدامنی را از آنجا پاره کند و سینه‌های مردم آنجا را تیره و محجوب نماید ، و حدود و قیود آنجا را تغییر داده و بهمزند ، و شادی و انبساط و خوشی را زائل کند ، و کسیکه از او بگریزد او را دریابد ، و اگر با او بجنگد کشته شود ، و اگر کناره‌گیری نماید به تنگدستی و فقر گرفتار گردد ، و چون از او پیروی کند کافر شود ، و در آنروز مردم دو دسته میشوند : جمعی برای دین خود گریه میکنند ، و گروهی برای ابتلاءات دنیوی خود .

و یروی عن النبی (ص) (أیضاً ص ۲۸۵) : یَخْرُجُ بِقَزْوِینَ رَجُلٌ اسْمُهُ اسْمُ بَنِي يَسْرِعِ النَّاسُ إِلَى طَاعَتِهِ الْمَشْرُكِ ، وَ الْمُؤْمِنُ يَمَلَأُ الْجِبَالَ خَوْفًا .

رسول اکرم (ص) فرمود : بیرون آید از قزوین مردی که نام او نام یکی از فرزندان کوچک من خواهد بود ، مردم را به پیروی خود میخواند ، و روش او شرک است ، و مؤمنین از شدت خوف در کوهها زندگی میکنند .

مؤلف : این کسیکه از قزوین قیام میکند نمیدانیم آیا تابحال محقق شده است یا نه ؟ و آیا خصوصیات او چیست ؟ آنچه برای ما نتیجه دارد اینستکه : محیط روزگار آنروز شیوع و غلبه عصیان و خلاف بوده ، و برادران دینی نسبت بهمدیگر جفاکاری و ستم کرده ، و حکومت‌های آنوقت برخلاف انصاف و داد و عدالت رفتار خواهند کرد .

در آنزمان پرده‌های عفت و عصمت و پاکدامنی پاره شده ، و سینه‌ها و قلوب مردم تیره و ظلمانی و کدر گشته ، و قیود و حدود زندگی و محیط دینی را عوض

کرده ، و سرور و آسایش و خوشی و فراغت را از میان آنان برده ، و چنان مبتلا و گرفتار خواهند گشت که گروهی بزندگی دنیوی و جمعی برای از بین رفتن آخرت گریه خواهند کرد .

از پروردگار متعال پیوسته باید درخواست کرد که : با فضل و لطف و کرم خود ، وسائل توفیق و سعادت انسانرا فراهم آورده ، و از تیرگیها و ظلمات و آلودگیهای آخر زمان محفوظ بدارد .

### طالقان و مؤمنین

بمناسبت شهر قزوین ، روایتی را که در خصوص طالقان که از اطراف قزوین محسوب میشود ، وارد است ، نقل میکنیم .

البیان للکنجی ( باب خامس ) عن امیرالمؤمنین ( ع ) قال : و یحاً للطالقان فانّ لله عزّوجلّ بها کنوزاً لیست من ذهب و لا فضّة ، ولکن بها رجالٌ مؤمنون عرّفوا الله حقّ معرفته ، و هم أنصارُ المهديّ ( علیه السلام ) فی آخر الزمان .

واه بر طالقان که خدایرا در آنسرزمین خزینههایی هست که از طلا و نقره نباشد ، ولی مردانی با ایمان باشند که خداوند متعال را شناخته‌اند بشناسایی کامل ، و آنان در آخر الزمان از یاران حضرت مهدی خواهند بود .

مؤلف : معلوم میشود که سرزمین و آبادیهای طالقان مانند کنزیکه در زیر کوهها محفوظ و پوشیده میماند ، از حوادث تیره و آلودگیهای شدید و ناراحت کننده نگهداری خواهد شد .

و مردانی که عارف بمقامات پروردگار متعال و از اولیاء حقیقی او هستند ، در

آنجا سکنی داشته ، و از یاران و اصحاب حضرت ولی عصر ( ع ) خواهند بود .

### جوانان بی حقیقت

در مقابل اینمردان حقّ : جوانانی در آخر الزمان پیدا میشوند که تظاهر بآیین اسلام و گفتارهای پیغمبر اکرم ( ص ) نموده ، ولی در معنی اثری از ایمان و حقیقت و خدا و پیغمبر در قلوب آنان نباشد .

البخاری ( ج ۲ ص ۱۷۳ ) یقولُ رسولُ الله ( ص ) یأتی فی آخر الزمان قومٌ حدّثاء الألسن سفهاء الأحلام یقولون من خیر قول البریة یمرقون من الاسلام كما یمرق السهم من الرمیة لا یجاوز ایمانهم حناجرهم ، فأینما لقیتموهم فاقتلوهم فانّ قتلهم أجر لمن قتلهم يوم القيامة .

و بیروی مسلم ( ج ۳ ص ۱۱۴ ) قریباً منها .

و فی سنن ابن داود ( ج ۲ ص ۳۰۰ ) مثل ما فی البخاری .

رسول اکرم ( ص ) میفرماید : در آخر الزمان گروهی پیدا میشوند که جوان و تازه سنّ و از جهت خرد و ادراک ضعیف هستند ، از کلمات پیغمبر خدا ( ص ) سخن گویند ، و گفتارشان از خدا و پیغمبر است ، ولی در مقام حقیقت از اسلام بیرون میروند چنانکه تیر از کمان خارج میشود ، و ایمان و اسلام آنان از حنجره‌های آنان پایین نرفته و وارد دلهایشان نشود ، پس در هر کجا با آنان ملاقات کردید در محو اثر وجودی آنان بکوشید ، زیرا از بین بردن آنان وسیله خیر و اجر خواهد بود .

مؤلف : حقیقت دینداری و اسلام ، تسلیم شدن و اطاعت امر و دستور کردن

بدون قید و شرط است ، و اگر کسی دیندار باشد ولی با قید توافق فکر و عقل ، و در حقیقت عقل و فهم خود را میزان قبول احکام دینی قرار بدهد : این آدم از مرحله اسلام حقیقی دور خواهد بود .

جمعی از جوانان متدین و تحصیل کرده امروز ، متأسفانه چنین هستند ، و تصوّر میکنند که : معارف اسلام و احکام دینی میباید با فکر و نظر آنان وفق داده ، و در همان حدود اطلاع و عقل آنها باشد .

در صورتیکه نیروهای عقلی و فکری انسان بسیار محدود و ضعیف است ، و چگونگی ممکن است یک فرد محدود و عاجز و ناتوانی ، آگاهی تمام و اطلاع کامل بر مصالح و مفاسد احکام الهی و قوانین آسمانی پیدا کند .

گذشته از این : مصالح و حکمتها و اسرار احکام ، منحصر بجهات مادی و نتایج محسوسه نیست ، و بلکه نتایج معنوی و فوائد روحی که موجب سعادت حقیقی و کمال انسانیت است ، بیشتر مورد نظر و توجه میباشند .

خداوند متعال میفرماید : *فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ ... وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا* - کسیکه خداوند متعال بخواهد او را راهنمایی کند بسوی خودش : سینه او را باز میکند برای تسلیم شدن در مقابل احکام و فرموده‌های خود ، و چون کسیرا بخواهد گمراه نماید در اثر سوء رفتار و عصیان او : سینه او را تنگ و در زحمت قرار میدهد ، و برای او پذیرفتن کلمات حقّ و سخنان الهی دشوار میشود ، و چون بخواهد حکم الهی را اطاعت و آنرا قبول کند : مانند آن میشود که بخواهد بطرف آسمان صعود نماید ، و این صراط مستقیم حقّ است .

البته نزدیکترین و مستقیمترین راه برای رسیدن بمقام قرب و بندگی پروردگار متعال که آخرین درجه کمال و سعادت انسان است : همان تسلیم شدن بدستور و راهنمایی حق و براه افتادن و سیر و سلوک بسوی او است .

و تنها علامت انحراف از صراط مستقیم کمال و سعادت اینستکه : انسان در مقابل فرمانها و راهنماییها و دستورهای الهی دلتنگ و گرفته و در زحمت و فشار واقع شده ، و شروع به بهانه‌جویی و علت‌تراشی و بقول آنان در پی تحقیق و بررسی باشد .

### نهیضت و قیام دینی

هر قیامی لازم است موافق با خرد و بمقتضای امکانات و با حصول شرائط و با در نظر گرفتن نیروهای موجود و توجه به موانع مخالف باشد .

قیام اگر روی احساسات تنها و بدون در نظر گرفتن مقتضیات و شرائط و موانع باشد : نه تنها نتیجه منظور و موفقیت‌آمیز حاصل نخواهد شد ، بلکه ممکن است ابتلاعات بسیاری ببار آورد .

و موضوع مهمتر دیگر آنکه : هدف و مقصود در هر قیامی میباید صد در صد مشخص باشد ، اگر قیام دینی آلوده باغراض مادی از تحصیل مال و عنوان و جاه و اسم ، و یا روی هدفهای سیاسی و برنامه‌های مخصوص و افکار شخصی شد : در نتیجه بضرر دین و حقیقت تمام شده ، و موجب ضعف اسلام و انحراف مسلمین خواهد بود .

در قیام دینی گذشته از مراحل مقدماتی که باید منظور باشد : هدفهای شخصی

و غرضهای خصوصی و خصوصیت افراد و مراتب و مقامات میباید ملغی بوده ، و اسم و عنوانی در میان نباشد .

در قیام دینی کسی میتواند رهبری کند که : هیچگونه خودبینی و خودخواهی و خودپسندی و دعوت بخود نداشته ، و در میان دیگران با خود فرقی قائل نشود .

حضرت امیرالمؤمنین ( ع ) رهبر دینی حقیقی بود ، و در پوشاک و خوراک و نشست و برخاست و جنگ و مسافرت و جهاد و بطور کلی در تمام مراحل مجاهدات ، نه تنها مانند سایر افراد مسلمین بلکه پیشرو و جلوتر از دیگران بود .

و با اینکه شرائط و امکانات و مقتضیات مادی نیز وفق داده ، و با تحقق مقام حکومت ظاهری : قدرت مادی را در مقام روحانی و رهبری دینی خود مداخله و مخلوط نمیکرد .

آری امیرالمؤمنین ( ع ) رهبر دینی و پیشوای روحانی بود ، نه حاکم و سلطان و امیر ، و برنامه او تنها دین و حقیقت بود ، نه توسعه ملک و نفوذ و تحصیل قدرت و سلطنت . آنحضرت پیوسته دعوت بحق و خدا میکرد و اسمی از خود نمیبرد . او بظاهر سلطان حجاز و عراق و یمن و مصر و ایران بود ، ولی کوچکترین توجه بجهت مادی این مملکت وسیع و حکومت توانا نداشت .

مسلمانها اگر یک فردی چنین پیدا نکردند ، نباید مأیوس شده ، و از تعلیم و تربیت و تهذیب و مجاهدت و تبلیغ و مبارزت دست کشیده ، و خود را از مراحل علمی و تربیتی کنار زده ، و در مقابل قدرتهای مخالف و نیروهای خارجی و حکومتهای غیر مسلمان ، سرافکننده و خوار و مغلوب و اسیر و محکوم کنند .

پس این مسائل نباید بهمدیگر مخلوط و مشتبه گردد :

قیام باید با شرائط و امکانات وفق بدهد .  
 رهبر دینی باید تمام شرائط خلوص نیت را داشته باشد .  
 هدف در قیام صد در صد باید دینی و خالص باشد .  
 مسلمانها همیشه باید در تعلیم و تربیت افراد بکوشند .  
 مسلمانها نباید خود را مغلوب و محکوم به‌بینند .  
 مسلمانها پیوسته باید در مقابل نیروهای دشمن مجهز باشند .  
 وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ  
 عَدُوَّكُمْ<sup>۱</sup> - آماده کنید برای آنان آنچه میتوانید از نیرو و اسلحه و وسائل تا دشمنان  
 خدا و خودتانرا در مقابل عظمت و قدرت خود بلرزه و ترس وادارید .  
 در روضه کافی ( ص ۲۶۴ ) از علی بن الحسین ( ع ) نقل میکند : سوگند به  
 پروردگار متعال ، کسی پیش از خروج قائم ( ع ) خارج نمیشود مگر آنکه مثل او  
 چون پرنده‌ای باشد که پیش از کامل شدن بالهای او از لانه بیرون آمده و پرواز کند ،  
 و در اینصورت آلت بازیچه اطفال خواهد شد .  
 باز از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند : ای سدیر ملازم خانه خود باش ، و ساکت  
 باش در همه آیام و لیالی ، و چون آگاه شدی که سفیانی ظهور کرد : هرچه زودتر  
 بسوی ما حرکت کن ، اگرچه با پای پیاده باشد .  
 باز از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند ( ص ۲۹۵ ) هر بیرقیکه پیش از قیام قائم  
 برافراشته شود : صاحب آن طاغوت ( از طغیان و تجاوز از حق است ) است ، و بر غیر  
 خدا دعوت میکند .



البته منظور از این قیامها: دعوت بنفس در سایه بیرق دینی است، یعنی پیش از قیام قائم شخصیکه اهلیت رهبری داشته، و دارنده شرائط کامل پیشوایی دینی باشد، نخواهد بود، و نباید مسلمین صد در صد خود را تسلیم او نموده، و عقد بیعت برای او بسته و از هر جهت تابع و پیرو او باشند.

و ضمناً فهمیده شد که: نفی قیام مستلزم نهی از مراتب دیگر از طرفداری حق نیست، زیرا ترویج دین و امر بمعروف و نهی از منکر و تعلیم و تعلم مسائل دینی و تربیت و تجهیزات دفاعی و تحکیم مبانی اسلامی و نیرومند ساختن مسلمین برای همیشه واجب و لازم است.

و نیز باید متوجه شد که: حفظ حریم آیین مقدس اسلام، و دفاع از احکام و قوانین و مقررات آن برای هر فردی از افراد مسلمان، در حدود استطاعت و قدرت و نیروی علمی و عملی و معنوی و مادی و بمقتضای شرائط شرعی و عقلی واجب و لازم است.

و حداًقل دفاع آنستکه: هرکسی (چون در محیط مخالف و فاسدی قرار گرفت) خود را و عائله‌ای را که سرپرستی و ولایت بر آنها دارد: از جهت علمی مجهز کند، و با کمال دقت و مراقبت در مقابل فرمانهای الهی مطیع و فرمانبردار و عامل باشند، و تا حدودیکه امکانات اجازه میدهد در تبلیغ احکام الهی و امر بمعروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد و انحرافات دینی و اخلاقی و مجاهدات علمی و عملی با مخالفین حقایق کوشا باشد.

و مخصوصاً در این قسمت، افراد دانشمند و علمای قوم، وظیفه سنگینی دارند، و شب و روز شایسته نیست که کوچکترین مسامحه و تنبلی و سستی در انجام

وظائف خود روا بدارند ، و از تنویر افکار و تبلیغ حقائق و نشر معارف الهی متوقف باشند . چنانکه رسول اکرم فرمود : **اِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَلِلْعَالَمِ اَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهٗ ، وَاِلَّا فَعَلَيْهٖ لَعْنَةُ اللّٰهِ .**

و ما برای تنبّه افراد مسلمین و توجّه بنقاط ضعف و انحرافات و لغزشهاییکه در میان آنان رائج شده و اعمال برخلاف و امور نامشروع و عادات ناپسندیده‌ایکه در محیط جامعه مسلمین جریان پیدا کرده است ، حدیث مفصّلی را ترجمه میکنیم : تا متوجّه باشند که : فرسنگها از مراحل اسلام و حقیقت و قرآن و خدا و پیغمبر و سنت رسول اکرم ( ص ) و روش حضرات ائمه معصومین ( ع ) دور هستند . و بفهمند که : امروز وظیفه هر فردی از مسلمین رفع این نقاط ضعف و برطرف کردن این انحرافات و اعمال برخلاف اسلام است .

البته اصلاح حقیقی جامعه از اصلاح افراد باید شروع شود ، و ملت و اجتماعیکه افراد صالح حقیقی نداشته ، و روی احساسات یا تبلیغات و تظاهرات یا زور و فشار یا سیاست و صلاح‌بینی ظاهری ، نقشه دینی گرفته است : پاینده و ثابت و نتیجه‌بخش نخواهد بود .

مسلمین باید بکوشند و مانند صدر اسلام افراد با حقیقت و مسلمانهای پرهیزکار تربیت کنند ، تا بتوانند نیروی از دست رفته اسلامی را تجدید نمایند .

امروز که فساد و بیدینی و مادّیگری و شهوترانی از شرق و غرب جهان دامنگیر افراد انسانی و آدمها شده است : وظیفه هر فرد متدین و مسلمانی است که شب و روز در تربیت و تعلیم دینی خود و افراد خانواده و سپس خویشاوندان و نزدیکان خود بکوشد .

امروز میباید مساجد مراکز تعلیم و تربیت علمی و عملی گردد، مجالس جشن و سرور دینی و نمازهای جماعت و اجتماعات سوگواری و عزاء توأم با تبلیغات دینی و تعلیمات عملی باشد.

مساجد برای انجام عبادت و بندگی بناء میشود، ولی توجه دادن بوظائف بندگی و تنویر افکار و تبلیغ مسائل دینی و حقائق اسلامی هم باید در همان مساجد و پیش از شروع بعبادت عملی بشود. کسانی که مساجد را فقط برای نماز اشغال میکنند: از مراحل حقیقت بسیار دور هستند.

امروز وظیفه هر فرد متدین با حقیقتی است که: در راه هدایت افکار افراد جاهل و غافل و بی اطلاع، و در راه خدمت و دستگیری از جوانان پاکسیرت که در محیطهای فساد و بدبختی غوطه ورنند، از بذل هرگونه نیروی مادی و معنوی دریغ نداشته، و با کمال حرارت و خلوص نیت صرف مساعی کند.

امروز باید از روحانیین با حقیقت که علم و تقوی را توأم دارند، و مصداق روایت شریف ( صَائِنًا لِنَفْسِهِ وَ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ وَ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ ) هستند، صد در صد پیروی کنند.

و در مقابل: از علمای دنیاپرست و ریاکار و متظاهر و بی تقوی تا میتوانند دوری و پرهیز نمایند.

### نقاط ضعف افراد مسلمان

در روضه کافی ( ص ۳۷ ) از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند که: آگاه باشید چون کسی با کمال استقامت و بردباری و تحمل نازاحتیها و ناملائمات در انتظار

ظهور امر ما باشد : در روز قیامت در زمره ما اهل بیت محشور خواهد شد .  
 زمانیکه دیدی که حق و اهل حق از میان رفته‌اند .  
 و چون دیدی که ستم و ظلم شهرها را فراگرفته است .  
 و چون دیدی که قرآن آسمانی کهنه شده و چیزهاییکه در آن نیست باو بسته  
 شده و موافق هویهای خود توجیه میکنند .  
 و چون دیدی که دین دگرگون شود چنانکه آب متغیر گردد .  
 و دیدی که اهل باطل برتری بر اهل حق پیدا کردند .  
 و دیدی که شرّ و منکر جریان داشته و کسی از آن نهی ننموده و بلکه صاحب آن  
 معذور شمرده شد .  
 و چون دیدی که فسق و فجور ظاهر گشت .  
 و دیدی که مردها بمردها و زنها بزنها اکتفاء نمودند .  
 و دیدی که شخص متدین ساکت شده و سخن او مسموع نشد .  
 و دیدی که آدم فاسق دروغ میگوید و کسی ردّ نکند .  
 و دیدی که آدم کوچک بزرگانرا حقیر بشمارد .  
 و دیدی که صله بارحام قطع گردید .  
 و دیدی که کسی را چون بأعمال فسق و فجور توصیف کردند خنده کرده و  
 ناراحت نباشد .  
 و دیدی که پسر را ببخشند آنچه بزنها می‌بخشند .  
 و دیدی که زنها با زنها زناشویی کنند .  
 و دیدی که ساختمان ( و یا ثناگویی ) رواج یافت .

و دیدی که مرد مال خود را در اطاعت غیر خدا خرج میکند و کسی او را نهی و ممانعت نمی‌نماید .

و دیدی که چون کوشش و مجاهدات مؤمن در راه خیر دیده شد از آنها بخداوند پناه و استعاذه کنند .

و دیدی که همسایه را آزار برسانند و کسی منع نکند .

و دیدی که آدم غیر متدین فرحناک و مسرور است از شدت ابتلاء افراد مؤمن و از کثرت و شیوع فساد در روی زمین .

و دیدی که آشکارا شرب خمر میکنند و مردمیکه ترسی از خدا ندارند در اطراف مسکرات جمع میشوند .

و دیدی که افراد امرکننده بمعروف خوار گردند .

و دیدی که شخص فاسق نسبت باموریکه خدا راضی نیست توانا است .

و دیدی که مردمان علاقه‌مند بآیات و روایات و آنانکه باین افراد علاقه دارند کوچک شمرده شوند .

و دیدی که راههای خیر بریده شده و راههای فساد صاف است .

و دیدی که خانه خدا تعطیل گشته و امر میکنند بترک آن .

و دیدی که مرد سخن گوید و عمل نکند .

و دیدی که مردها خود را برای مردها و زنها برای زنها آرایش و درست کرده و جلوه میدهند .

و دیدی که معیشت مرد از عمل نامشروع انحرافی و همچنین معاش زن از طریق نامشروع جنسی تأمین شود .

و دیدی که زنها مانند مردها مجالس و مجامع را اشغال کردند .  
و دیدی که فرزندان عباس خود را مانند زنها کرده و شانه زده و بدست و سر و صورت رنگ میزنند . و آنانرا برای فحشاء پول میدهند .  
و برای اختیار مرد تنازع میشود ، و دیگران غیرت پیدا میکنند .  
و آدم ثروتمند عزیزتر از مرد با ایمان میشود .  
و رباخواری شایع شده و کسی از آن بدگویی نمیکند .  
و زنا نزد زنها وسیله مدح و ثنا گردد .  
و دیدی که زن با زوج خود در موضوع عمل انحرافی او سازش میکند .  
و دیدی که اکثر مردها و بلکه در خانواده‌های محترم زنها برای اعمال فحشاء مساعدت و یاری میکنند .  
و دیدی که مؤمن در میان آنان حقیر و خوار و محزون شد .  
و دیدی که بدعتها و فحشاء علنی و آشکار گشت .  
و دیدی که مردم بشهادت دروغ عادت کردند .  
و دیدی که حلال دینی حرام و حرام اسلامی حلال شد .  
و دیدی که دین را با رأی خود وفق داده و کتاب خدا و احکام او تعطیل گشت .  
و دیدی که شب را برای پنهانی معاصی انتخاب نکرده ، و روی جرأت بمقام پروردگار همه وقت مرتکب خلاف میشوند .  
و دیدی که مؤمن با زبان و دست نمیتواند نهی از منکر نماید و تنها با قلب خود میتواند مخالفت کند .  
و دیدی که اموال انبوه مردم در راه غضب خدا صرف میشود .

و دیدی که اولیاء امور افرادیرا که اهل کفر و فسق هستند بخود نزدیک کرده و اهل خیر و صلاح را دور میکنند .

و دیدی که اولیاء امور در دستوره‌های خود رشوه میگیرند .

و دیدی که امارت از آن کسی است که زیاد بدهد .

و دیدی که با ارحام نکاح میکنند و اکتفاء بآن مینمایند .

و دیدی که مردها را روی اتهام بی‌اساس و خیال باطل میکشند .

و دیدی که روی مردی اختلاف شده و نفس و مال برای او بذل میشود .

و دیدی که مرد برای زناشویی و تمایل بزن توبیخ میشود .

و دیدی که مرد از کسب زن خود در راه فجور ارتزاق میکند ، در حالیکه از جریان او آگاه است و او را تثبیت مینماید .

و دیدی که زن مسلط بر مرد شده و برخلاف رضایت او عمل کرده و باو انفاق میکند .

و دیدی که زن و کنیزشرا برای استفاده مادی بکارگری وا داشته و روی قناعت بزندگی مختصری میسازد .

و دیدی که ایمان و اسلام روی تظاهر صورت میگیرد .

و دیدی که آشکارا قماربازی میکنند .

و دیدی که آشکار و بدون مانع عرق‌فروشی میشود .

و دیدی که زنها برای زناشویی با کفار تمایل دارند .

و دیدی که لهو و هوسرانی شیوع پیدا کرده و کسی نمیتواند منع کرده و یکی دیگری را نهی نمیکند .

و دیدی که افراد شریف را بخاطر حفظ حکومت خوار میکنند .  
و دیدی که نزدیکترین اشخاص بوالیان آنهایی باشند که بخاطر بغض و دشمنی  
ما مورد عنایت واقع میشوند .  
و دیدی که دوستان ما در مورد اعراض قرار گرفته و شهادت آنان مورد قبول  
واقع نمیشود .  
و دیدی که سخنهای برخلاف حقّ و منحرف کننده مورد توجه میشود .  
و دیدی که شنیدن و پذیرفتن قرآن برای مردم سخت و دشوار شده و گوش  
دادن بباطل آسان گردد.  
و دیدی که همسایه را از ترس شرّ زبانش گرامی میدارند .  
و دیدی که حدود و قصاص تعطیل شده و با هویهای خود عمل میکنند .  
و دیدی که مساجد را زینت و آرایش میدهند .  
و دیدی که راستگوترین مردم شخص دروغگو و افتراءگو است .  
و دیدی که شرّ و سخن چینی ظاهر گردید .  
و دیدی که ستمگری شایع شد .  
و دیدی که غیبت کردن مطلوب و ملیح شمرده شده و بشارت بآن میدهند .  
و دیدی که حجّ و جهاد برای غیر خدا انجام میگیرد .  
و دیدی که سلطان مؤمنین را در مقابل کفّار خوار میکند .  
و دیدی که عمران و آبادی برگشته است به ویرانی .  
و دیدی که معاش مرد از کم دادن در معامله باشد .  
و دیدی که خونریزی در میان مردم بی‌اهمیت است .



و دیدی که مرد طلب ریاست میکند بخاطر رسیدن بدنیا ، و خود را مشهور میکند بوسیله خباثت زبان تا مردم از او ترس و ملاحظه داشته و در کارها بسوی او برگردند .

و دیدی که نماز را سبک می‌شمارند .

و دیدی که مرد ثروت زیاد و مال فراوان دارد ولی از آغاز مالداري خود حقوق مالی خود را تأدیه نکرده است .

و دیدی که مرده را از قبر درآورده و آزار داده و کفن او را می‌فروشند .

و دیدی که هرج و مرج زیاد شده است .

و دیدی که مرد شب مست و صبح مست میشود و اهمتامی ندارد که مردم در چه حالی هستند .

و دیدی که چهارپایان نکاح میشوند .

و دیدی که از چهارپایان بعضی بعض دیگر را صید کند .

و دیدی که مرد بسوی مسجد و نماز بیرون میرود و چون برگشت بی‌لباس است .

و دیدی که دل‌های مردم سخت شده و چشم‌های آنان خشک گشته و یاد خدا برای آنها مشکل باشد .

و دیدی که اعمال بد و ناپسند در میان آنان شایع شده و برای آن پیشقدم میشوند .

و دیدی که نماز را برای نشان دادن بمردم میخوانند .

و دیدی که فقیه بخاطر غیر دین و برای طلب ریاست و دنیا طلب علم فقاقت میکند .

و دیدی که مردم با کسی همراه هستند که غالب بر دیگران باشد .  
و دیدی که طالب مال حلال در مورد مذمت و ملامت واقع شده و طالب حرام ستایش و تعظیم گردد .  
و دیدی که در حرم خدای متعال و حرم رسول اکرم اعمالی برخلاف رضای آنان بجا آورند و کسی مانع نشده و در میان آنها و اعمال قبیح حائل نگردند .  
و دیدی که آلات ساز و آواز در حرمین ظاهر باشد .  
و دیدی که چون یکی امر بمعروف و نهی از منکر کرده و سخن حقی را گفت دیگران او را نصیحت نموده و اظهار میکنند که این تکلیف از تو ساقط است و برخلاف وظیفه تو میباشد .  
و دیدی که مردم از همدیگر پیروی کرده و از افراد شریر تبعیت میکنند .  
و دیدی که راه خیر خالی بوده و کسی از آنراه سلوک نمیکند .  
و دیدی که میت را مسخره کرده و کسی برای او ناراحتی پیدا نکند .  
و دیدی که در هر سالی بیش از سال گذشته شرّ و بدعت احداث میشود .  
و دیدی که مردم در مجالس پشت سر ثروتمندان جمع میشوند .  
و دیدی که نیازمندان را بعنوان مسخره و برای غیر خدا انفاق کنند .  
و دیدی که از آیات آسمانی ناگهانی وحشت نکرده و متأثر نشوند .  
و دیدی که مردم مانند بهایم نکاح میکنند و کسی از ترس حرف نمیزند .  
و دیدی که در راههای مختلف اموال بسیار مصرف شده و در راه خدا از انفاق مانع میشوند .  
و دیدی که مخالفت با پدر و مادر و سبک شمردن آنها ظاهر شده و پدر و مادر

نزد فرزند بدترین افراد باشند و درباره آنها دروغ و افتراء بسته میشود .  
و دیدی که زنها بر مملکت تسلط و غلبه پیدا کرده و بهر چیزیکه دلخواه و هوی دارند غلبه میکنند .  
و دیدی که فرزند مرد افتراء پیدر بسته و بر ضرر آن و مادر دعاء نموده و بمرگ آنها راضی و مسرور میشود .  
و دیدی که چون مردی در شبانه‌روز عصیانی نکرد ، از شرب خمر و گناه بزرگ و فحشاء و کم‌فروشی و غیره ، حالش گرفته و محزون گشته و آنروز را از عمر خود حساب نکند .  
و دیدی که حاکم طعام مردم را احتکار نماید .  
و دیدی که اموال فرزندان پیغمبر اکرم ( ص ) در موارد خلاف و در قمار و مسکرات مصرف میشود .  
و دیدی که مسکرات را بعنوان دواء و تقویت و شفاء از مرض استعمال کرده و توصیف کنند .  
و دیدی که مردم همگی امر بمعروف و نهی از منکر و تدبیر بدین را ترک کنند .  
و دیدی که آثار منافقین بر پا و آثار اهل حق متوقف است .  
و دیدی که اذان و نماز را با اجرت انجام میدهند .  
و دیدی که مساجد پر شده است از کسانی که ترسی از خدا ندارند و اجتماع کرده‌اند برای غیبت و بدگویی از افراد صالح و از توصیف مسکرات سخن گویند .  
و دیدی که آدم مست امام نماز شده و او نمی‌فهمد و بخاطر شرب مسکرات از او عیبی نمیگیرند و بلکه او را توصیف کرده و از او ترسیده و از او پرهیز میکنند .

و دیدی که خورنده اموال یتیمان مورد توصیف و تکریم شود .  
و دیدی که قاضیان برخلاف اوامر پروردگار متعال حکم کنند .  
و دیدی که امیران افراد خائن را مورد اعتماد قرار میدهند بخاطر طمع در اموال آنها .  
و دیدی که میراث مالی و مقامی را امیران برای اهل فسوق و نفاق قرار داده و در اثر این عمل اموالی از آنان گرفته و آزادی و اختیار تامّ بآنها میدهند که هرچه خواستند بکنند .  
و دیدی که در منابر امر به پرهیزکاری میشود ولی گوینده بآنچه امر میکند عمل نمیکند .  
و دیدی که مردم اوقات نماز را سبک میشمارند .  
و دیدی که صدقه را روی وساطت و شفاعت و جلب توجه دیگران میدهند نه برای رضایت پروردگار متعال .  
و چون دیدی که تمام اهتمام مردم بخاطر شکمها و فروج آنان بوده و باکی ندارند که از کجا میخورند و چگونه نکاح میکنند .  
و دیدی که دنیا باین رقم از مردم اقبال میکند .  
و دیدی که نشانه‌های حقّ مندرس و کهنه شده است .  
چون در این زمان بودی : پرهیز و احتیاط را شعار خود قرار بده ، و از پروردگار متعال نجات و خلاصی از این گرفتاریها را درخواست کن ، و بدان که مردم همه در معرض قدرت و در تحت نفوذ و حکم خدا هستند ، و روی تدبیر و صلاح آنانرا مهلت داده و در جزای اعمال سوء آنان تأخیر میشود .

پس پیوسته مراقب خود باش ، و برخلاف روش این افراد عاصی و خطاکار زندگی کن ، تا خداوند متعال تو را در زمره آنان بحساب نیاورد ، و اگر قهراً گرفتاری و ابتلائی تو را رسید موجب رحمت و مغفرت خواهد شد .  
و متوجه باش که خداوند عزیز و توانا از جزاء دادن بمردم عاجز و غافل نبوده و نخواهد بود ، و هرگز جزای اعمال حسنه نیکوکارانرا ضایع نخواهد کرد .

### خاتمه کتاب

این حدیث شریف در هزار و دویست و پنجاه سال پیش از زبان معجزآسا و صادق حضرت امام صادق ( ع ) ظاهر شده ، و در هزار و صد سال پیش مرحوم کلینی در روضه کافی از مشایخ خود آنرا ضبط و نقل کرده است ، و جمله‌هایی در این حدیث شریف هست که هیچگونه با حدس و فراست نمیشود پیش‌بینی کرد .  
و آنچه امروز بدرد ما میخورد : جملات آخر حدیث شریف است که فرمود :  
طوری کنید که در زمره مردم آنزمان قرار نگیرید ، تا در مورد غضب و عذاب الهی واقع نشوید .

آری یکی از موجبات لغزش و انحراف اکثر مردم اینستکه : از اکثریت پیروی کرده ، و همیشه در روش و سلوک خودشان توجه باعمال و عادات و اخلاق و آداب و رسوم خلق زمان داشته ، و آنرا برهان قاطع و دلیل محکم برای خود تصوّر میکنند ، در صورتیکه چنین نیست ، و اینمعنی روش افراد جاهل و هوی‌پرست و لجام‌گسیخته است .

روایاتی وارد است که مردم سه دسته هستند : اوّل افرادی که روی معرفت و علم

و بینایی روحی و وظائف خود و تکالیف الهی و حقایق را تشخیص داده ، و با بصیرت تمام عمل ، و پیوسته بسوی حقّ سلوک میکنند ، اینها انسان کامل هستند .  
دوم افرادی که در راه یاد گرفتن علم و فراگرفتن معرفت بوده ، و پیوسته برای رسیدن بمقام بینایی و بصیرت کوشش میکنند ، و آنان متعلمین هستند و در راه سعادت میباشند .

سوم افرادی هستند که نه عالم و نه متعلمند ، بلکه آدمهای فرومایه و پست و نادان که نه خود میدانند و نه در راه دانایی هستند و نه از آدم دانا پیروی میکنند ، اینان چون چهارپایانی هستند که بی‌شبان بوده ، و هیچگونه برنامه و نظم و هدفی در زندگی آنان نباشد ، و باصطلاح حدیث آنانرا ( هَمَج رَعاع ) گویند که بسوی هر آوازی حرکت کرده و بهر بادی اینطرف و آنطرف میل میکنند .

و در هر زمان اکثریت مردم را این قسم از افراد تشکیل داده ، و چون برنامه مشخصی ندارند : از هر آدم خطرناک و گمراهی پیروی میکنند ، و بهر رنگ و نقشی درآیند ، و بهر دعوت کننده‌ای پاسخ مثبت گویند ، و زیر بیرق هر مدّعی منحرف و هوی پرستی میروند ، و با هر جمعیت لجام‌گسیخته هم‌آواز و هم‌ساز میشوند ، و کمترین توجه و علاقه‌ای بحقیقت و عدالت ندارند .

پس اکثریت مردم از این دسته تشکیل پیدا کرده ، و آنانکه از این دسته پیروی نموده و از رسوم و عادات و روش آنان تقلید کرده و خلق آنانرا میگیرند : در حقیقت جزو همان دسته هستند .

در این زمان اکثر این صفات و اعمال ناپسند و کردارهای زشت که در حدیث شریف گذشته تذکر داده شد ، در این دسته از مردم جمع است .

و موضوع دیگری که میباید تذکر داد اینستکه : از دستورهای لازم برای متدینین و مؤمنین انتظار فرج و انتظار ظهور قائم آل محمد ( ع ) است . و حقیقت انتظار مهیا شدن و خود را آماده کردن و موانع را برطرف نمودن است ، تا بتواند توفیق درک فیوضات پیدا کند .

در غیبت نعمانی ( ص ۱۰۸ ) از حضرت صادق ( ع ) نقل میکند که : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ ، فَاِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ ، فَجَدُّوا وَ انْتَظِرُوا ، هَنِيئًا لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ .

فرمود : هر که علاقه‌مند و مسرور گردد برای اینکه از اصحاب قائم ( ع ) باشد ، پس منتظر باشد و پرهیزکاری را پیشه خود سازد و با محاسن اخلاق متّصف شود ، و در آنحال منتظر ظهور و درک فیض گردد ، و هرگاه پیش از درک زمان ظهور فوت کرد : اجر او مانند اجر کسی خواهد بود که آنحضرت را درک نموده است ، پس کوشش و سعی داشته و منتظر فرج باشید ، گوارا باد شما را این عمل بزرگ و عبادت ، ای گروه رستگاران .

در اینجا سخن خود را خاتمه داده ، و از پروردگار مهربان خواستاریم که ما را در زمره منتظرین و دوستان حضرت بقیة الله و خلیفة الله صاحب العصر ( ع ) قرار بدهد ، بمنّه و جوده و لطفه و فضله ، و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ .

## کتابهایی که ما از آنها نقل کرده‌ایم

- اخبار اصبهان طبع لیدن ۱۹۳۱ - م
- اختیار الرجال للکشی طبع دانشگاه مشهد
- اسعاف الراغبین للصبان المطبوع فی حاشیة المشارق
- بحار الأنوار للمجلسی المجلد السابع و الثالث عشر طبع تبریز
- البيان و التعریف للسیّد ابراهیم الحنفی النقیب طبع حلب ۱۳۲۹ - هـ
- البيان للکنجوی الشافعی طبع تبریز ۱۳۲۴ - هـ
- تاریخ قم لحسن بن محمد بن حسن القمی طبع ایران ۱۳۵۳ هـ
- تهذیب تاریخ ابن عساکر طبع دمشق ۱۳۲۹ هـ
- ذخائر العقبی لاحمد الطبری الشافعی طبع مصر ۱۳۵۶ - هـ
- روضۃ الکافی للکلینی طبع طهران ۱۳۷۷ - هـ
- سنن ابن ماجه طبع مصر ۱۳۴۹ - هـ
- سنن أبی داود طبع کراچی ۱۳۶۹ و دهلی ۱۲۸۳ - هـ
- سنن الترمذی ( الجامع له ) طبع کراچی فی ۶۶۵ صفحہ
- سنن النسائی طبع مصر ۱۳۴۸ - هـ
- سیر الأعلام للذهبی طبع قاهره ۱۹۵۶ - هـ
- صحیح البخاری طبع مصر ۱۳۱۳ - هـ
- صحیح مسلم طبع اسلامبول ۱۳۳۲ - هـ
- الطبقات الكبرى لابن سعد طبع بیروت ۱۳۷۷ - هـ
- غیبت النعمانی طبع طهران ۱۳۱۷ - هـ



- غیبت الطوسی طبع تبریز ۱۳۲۳ - ه  
الفائق للزمخشری طبع قاهره ۱۳۶۴ - ه  
فتوح البلدان للبلاذری طبع مصر ۱۳۵۰ - ه  
کمال‌الدین للصدوق طبع طهران  
الکنی للبخاری طبع حیدرآباد ۱۳۳۶ - ه  
الکنی للدولابی طبع حیدرآباد ۱۳۲۲ - ه  
مختصر التذکره للقرطبی عن الشعرانی طبع مصر ۱۳۱۰ - ه  
مسند احمد طبع مصر ۱۳۱۳ - ه  
مستدرک الحاکم النیسابوری طبع حیدرآباد ۱۳۳۵ - ه  
مشارك الأنوار للشیخ العدوی الحمزاوی مصر ۱۳۵۶ - ه  
الیواقیت و الجواهر طبع مصر ۱۳۵۱ - ه

## فهرست کتاب پیشگوییها

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۸	حضرت مهدی (ع)
۱۱	پیشگویی
۱۳	امراء و ظلم
۱۶	فتنهها و ابتلاءات
۲۲	دین و حفظ آن
۲۸	اوج ظلم و مادّیگری
۳۲	هرج و کشتار
۳۵	وظیفه چیست
۴۲	رفع احکام اسلام
۴۲	ساعت و ظلم
۴۶	ساعت و رفع فضائل
۴۷	ساعت و رفع برکت و علم
۵۲	ساعت و مقاتله با ترک شرق
۵۴	یأجوج و مأجوج
۵۸	ساعت و مشرق زمین
۶۰	ساعت و ده علامت

صفحه	عنوان
۶۳	ساعت و دجال
۶۸	ساعت و یهود
۷۲	اخبار در شهر قم
۷۴	ساعت و سرزمین عرب
۷۹	یمن و شام
۸۱	قیام سفیانی
۸۴	بیرقهای سیاه خراسان
۸۵	صیحه و کسوف
۸۸	قتل نفس زکیه
۸۸	خیانت و روبیضه
۹۰	علم و امانت رفع میشود
۹۲	کم شدن علماء
۹۶	عبادات مردم
۱۰۰	پول حلال و ربا
۱۰۲	تمایلات و خودآرایی
۱۰۷	عصیان مردم و جفا
۱۰۹	طالقان و مؤمنین
۱۱۰	جوانان بی حقیقت
۱۱۲	نهیضت و قیام دینی

---

صفحه	عنوان
۱۱۷ .....	نقاط ضعف مسلمین
۱۲۷ .....	خاتمه کتاب
۱۲۷ .....	اکثریت مردم
۱۲۹ .....	انتظار یعنی چه